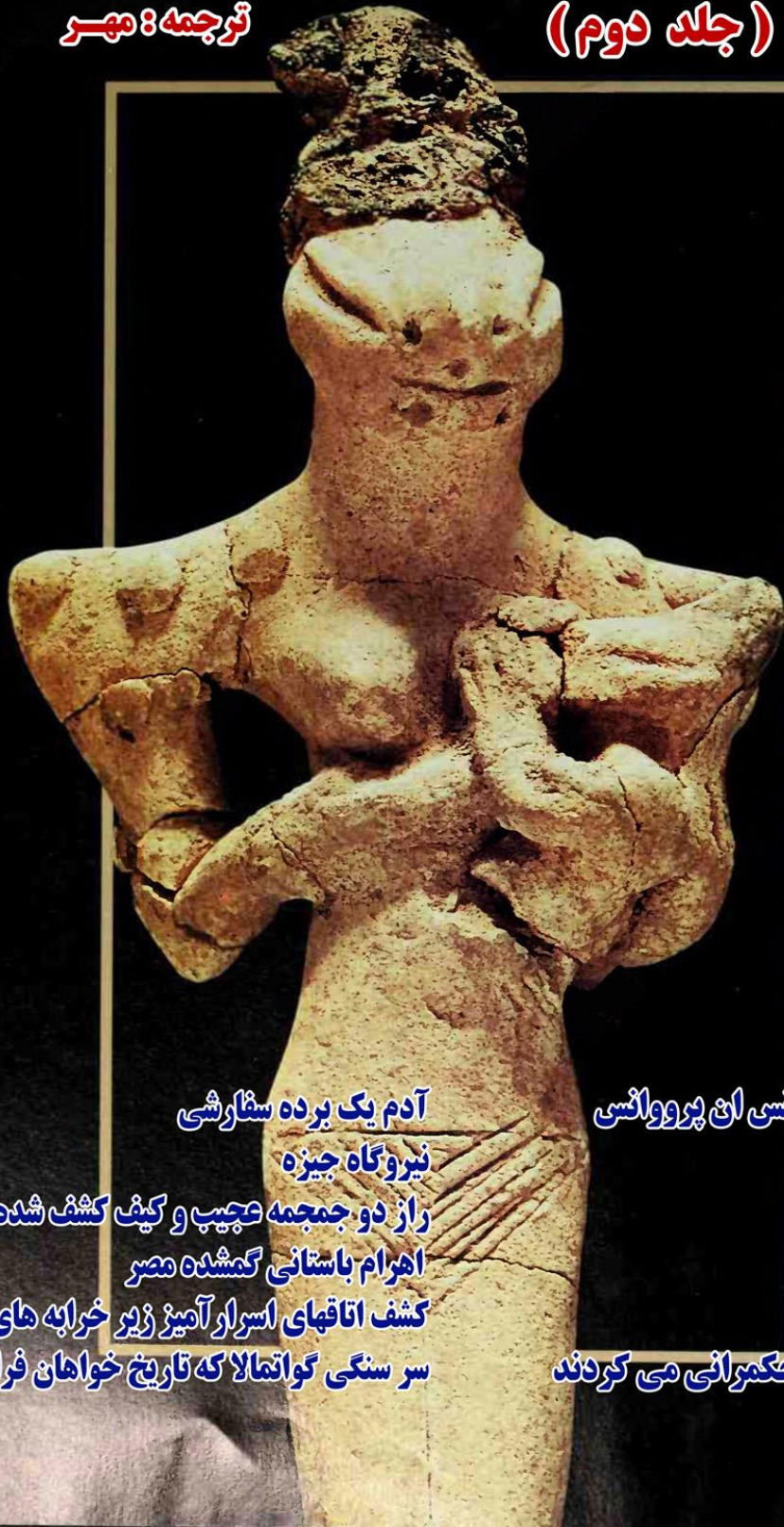


باستان شناسی ممنوعه

ترجمه: مهر

(جلد دوم)



آدم یک برده سفارشی

نیروگاه جیزه

راز دو مجسمه عجیب و کیف کشف شده در کوههای روسیه

اهرام باستانی گمشده مصر

کشف اتاقهای اسرار آمیز زیر خرابه های معبد باستانی آزتک

سر سنگی گواتمالا که تاریخ خواهان فراموش شدن آن است

مورده رؤیت یوفو در ترانسی ان پرووانسی

غولها

عصر ماقبل آدم

روز پسی از رازول

آذری در آسمان

غولهایی که بر آمریکا حکمرانی می کردند

فهرست

مورد رویت یوفو در ترانس ان پرووانس

غولها

عصر ماقبل آدم

روز پس از رازول

آذری در آسمان

غولهایی که بر آمریکا حکمرانی می کردند

آدم یک برده سفارشی

نیروگاه جیزه

راز دو جمجمه عجیب و کیف کشف شده در کوههای روسیه

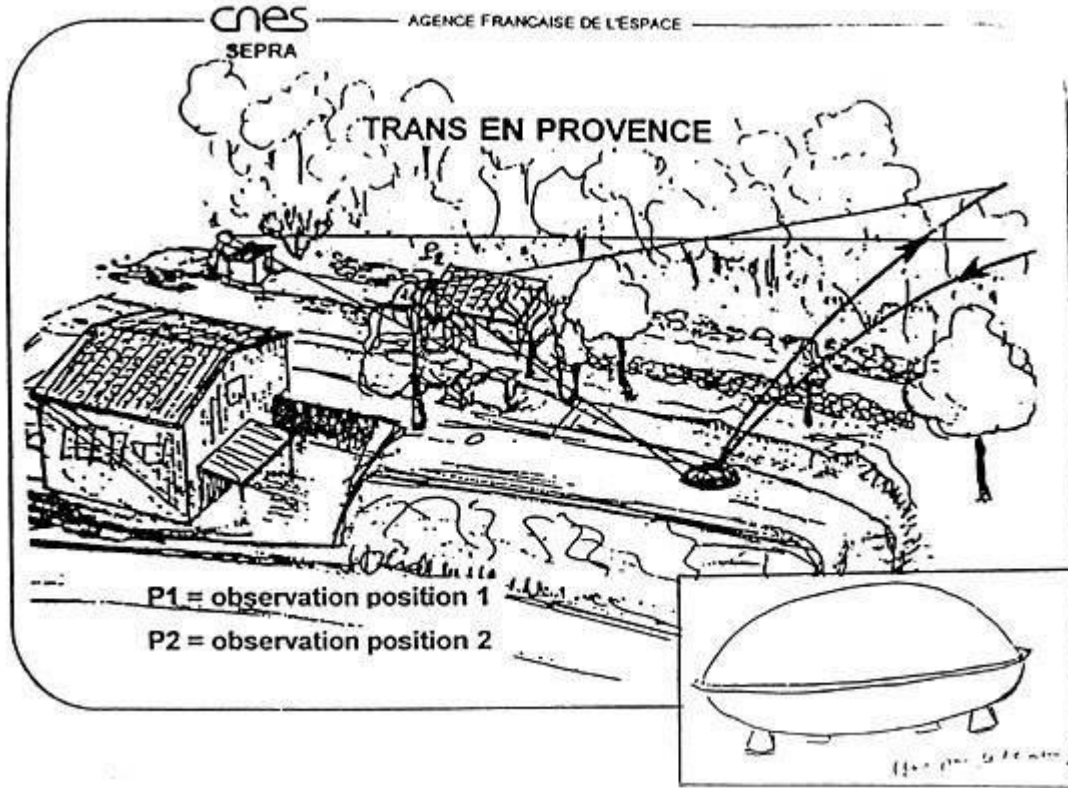
اهرام باستانی گمشده در مصر

کشف اتاقهایی اسرارآمیز زیر خرابه های معبد باستانی آزتک

سرسنگی گواتمالا که تاریخ خواهان فراموش شدنش است

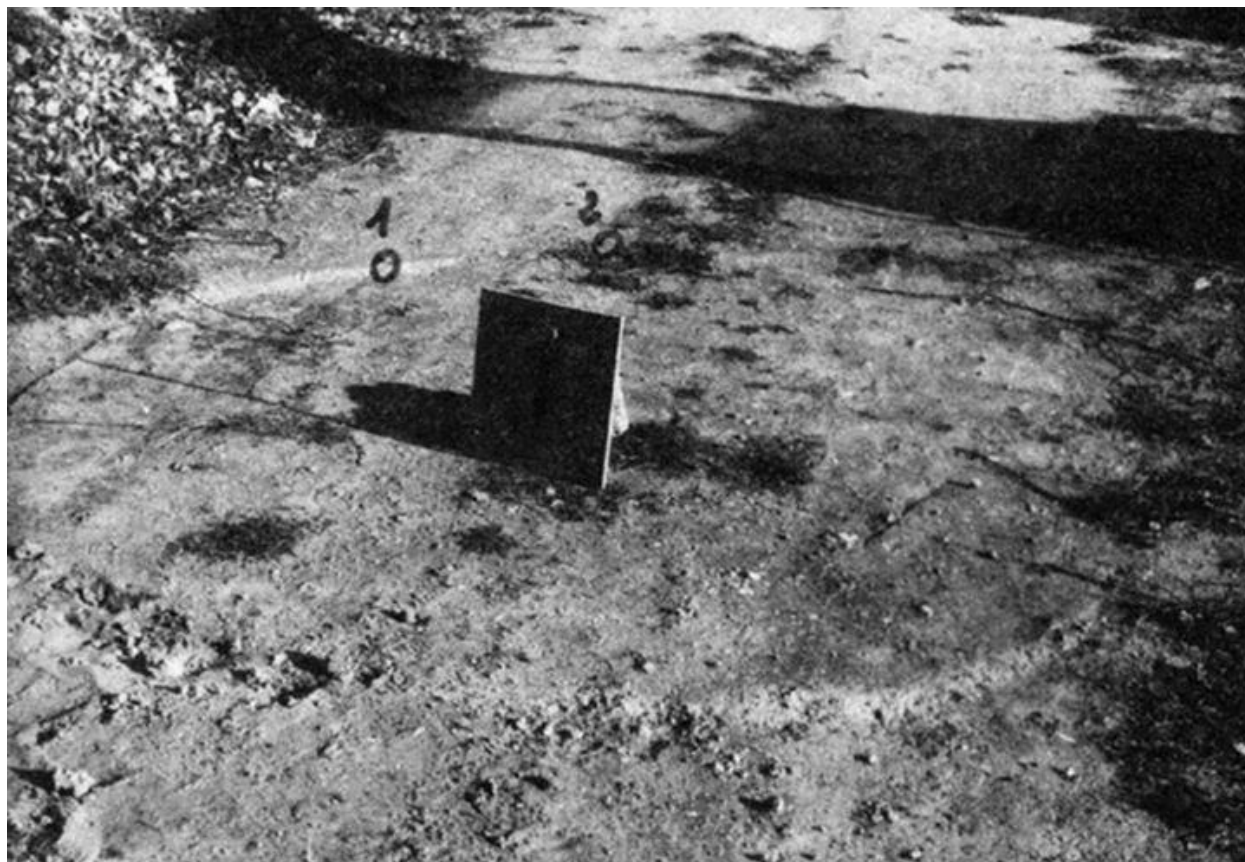
مورد رویت یوفو در Trans-en-Provence

تاریخ : ۸ ژانویه ۱۹۸۱ در فرانسه



در ۸ ژانویه ۱۹۸۱ در ساعت ۵ بعد از شهر رناتو نیکلای کشاورز ۵۵ ساله وقتی در حال کار کشاورزی در ملک خود بود صدای سوت عجیبی را شنید . سپس او یک شیء نعلبکی شکلی را دید که حدود ۸ فوت قطرش و در ارتفاع پایین ۴۶ متری زمین در هوا معلق بود . طبق گفته شاهدین این وسیله به شکلی بود که انگار دو نعلبکی وارونه روی همدیگر قرار گرفته باشند . ارتفاع اش در حدود ۱٫۵ متر و سربی رنگ بود و شیاری دوره اش کرده بود . زیر این دستگاه دو قطعه وجود داشت که شاید پایه هایش به حساب می آمد . در آنجا دو حلقه دیگر هم بود که شبیه دریچه بودند . دو قطعه که حدود بیست سانتی متر از زیر دستگاه به بیرون کشیده شده بودند .

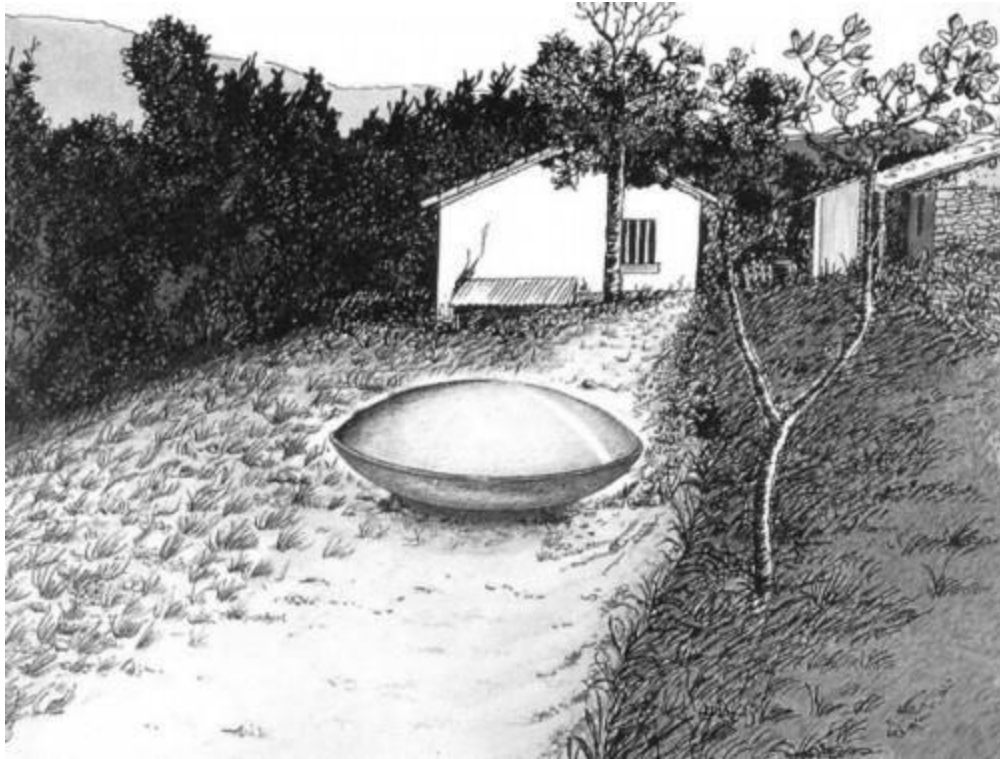
نیکلای مدعی شد که شیء تقریباً اوج گرفت و در امتداد خط رویش درختها بسوی شمال شرقی حرکت کرد و نشانه‌هایی از سوختگی روی زمین باقی گذاشت. ژاندارمری محل روز بعد پیرو گزارشی که دریافت کرده بود با آقای نیکلای مصاحبه کرد و از صحنه عکس گرفت و نمونه خاک و گیاه آن محوطه را جمع‌آوری نمود. این نمونه‌ها به (GEPAN) گروه بررسی پدیده‌های ناشناخته در هوا و فضا (فرستاده شد.



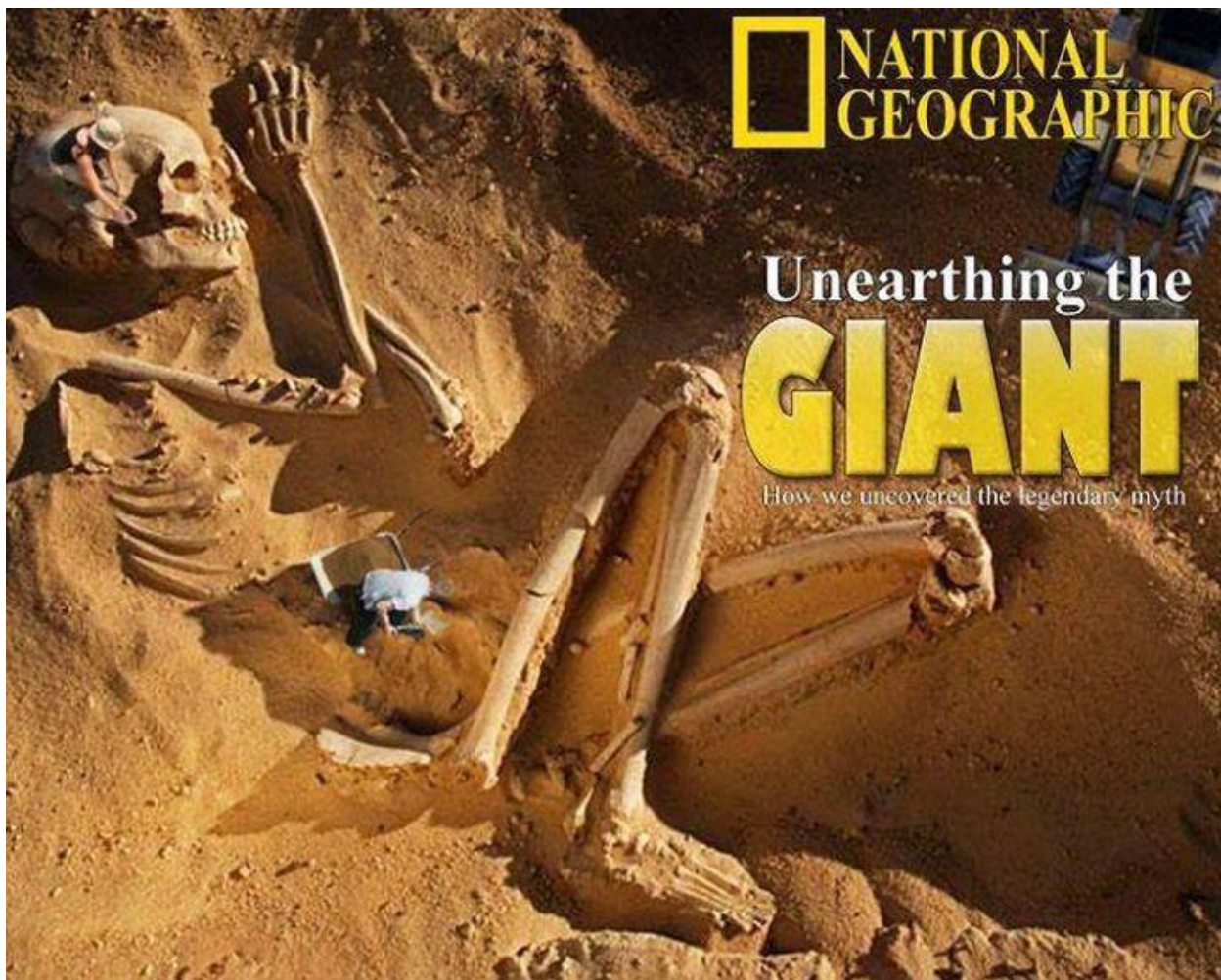
از تجزیه و تحلیل آنها به این نتیجه رسیدند که زمین در آن منطقه تحت فشار یک وسیله مکانیکی ۴ یا پنج تنی قرار گرفته که گرمایی بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ درجه سانتی‌گراد تولید می‌کرده. مقداری فسفات و روی در مواد نمونه پیداشد. تجزیه و تحلیل یونجه موجود در محل سطح کلروفیل (سبزینه) موجود را بین ۳۰ تا ۵۰ درجه کمتر از حد انتظار نشان می‌داد.

آقا نیکلای در ابتدا فکر می‌کرد که این شیء یک دستگاه نظامی آزمایشی است. نزدیکی پایگاه نظامی Canjuers این احتمال را قوت می‌بخشید. تحقیقات GEPAN تلاش می‌کرد توضیح عادی برای ماجرا بیابد مثل علل جوی یا پدیده ناشی از عوارض زمین و ... با وجود تلاشهای ژاندارمری و GEPAN که دو سال طول کشید توضیح قابل قبولی ارائه نشد. برخی از شکاکها در فرانسه بر این عقیده پافشاری می‌کردند که تحقیقات GEPAN بویژه در بخش مربوط به شواهد فیزیکی پر از شک و شبهه است.





در گزارش پلیس آمده بود که اثری که روی جاده ظاهر شده شبیه به ردی است که چرخ یک ماشین از خود باقی می‌گذرد. این ادعا توسط GEPAN رد شد چون آزمایش خاک چیز دیگری را گواهی می‌داد. رد فیزیکی که در عکس دیده می‌شود یک دایره کامل را نشان نمی‌دهد در واقع دو نیم دایره هستند که کم و بیش یکدیگر را قطع کرده‌اند. همچنین شکل دایره ای با توضیحی که آقای نیکلای ارائه کرده منطبق نیست. البته باید گفت که GEPAN خیلی دیر به صحنه رسید. آن هم زمانی که نیروهای ژاندارمری و یوفولوژیستها و مردم کنجکاو شواهد فیزیکی و ترکیب شیمیایی محل وقوع حادثه را تخریب کرده بودند.



غول‌ها

ایمانوئل ولیکوفسکی

باورهای مردم سراسر جهان در این نکته کاملاً اشتراک نظر دارند که در یک زمان باستانی تر نژادی از غول‌ها بر زمین می‌زیسته‌اند که بخش عظیمی از این نژاد طی فجایع بزرگ به دست طبیعت بی‌رحم و نیز طی نبردهای جنون‌آمیز بین خودشان نابود شده‌اند. وقتی بعد از یک فاجعه، نیاکان انسان‌های امروزی پا به سرزمین‌های جدیدشان گذاشته‌اند آخرین بازماندگان این غول‌ها هم از بین رفته‌اند. ژاپنی‌ها روایت می‌کنند که وقتی نیاکانشان بعد از یک فاجعه بزرگ در حدود دو هزار و پانصد یا سه هزار سال پیش از این از اقلیمی آمده و به جزیره‌ها یورش

برده‌اند آن‌ها در آنجا با غول‌های پشمالویی با پاهای بلند مواجه شده‌اند. آن‌ها غول‌ها را AINU نامیده‌اند. اجداد ژاپنی‌ها در نخستین برخورد مغلوب شدند اما در برخوردهای بعدی پیروزی‌های به دست آوردند.

[Xtliilxochitl] مورخ اسپانیایی نوین. م [در نوشته‌های خود کسانی را توصیف می‌کند که در نیمکره غربی طی اعصار چهارگانه جهان سرگردان بوده‌اند. عصر اول با طوفان به پایان رسیده در عصر دوم که "خورشید زمین لرزه" نام گرفته نسلی از غول‌ها در آنجا می‌زیسته‌اند که طی فاجعه‌ای که به این عصر پایان داده نابود شده‌اند. عصر سوم "خورشید وزان" یا "خورشید باد" نام گرفته و علت آن این بوده که تندبادهای وحشتناک باعث نابودی همه چیز و پایان این دوره شده‌اند [Ulme. نژادی هندو اروپایی. م] و [Xicalauca نیاکان ناشناخته-Olmec Xicalanca که پایتختشان Cacaxtla بوده. م] کسانی که از شرق آمده‌اند تا در Potouchan

[شهر سرخ‌پوستان مکزیکی و پایتخت پادشاهی میانه مشهور به Tavasco یا Tabasco. م]. ساکن شوند. در آنجا آن‌ها با تعدادی از غول‌ها، بازماندگان دومین فاجعه روبرو می‌شوند.

چهارمین عصر، عصر "آفتاب آتش" نامیده می‌شده زیرا که آتش بزرگی آمد و به این دوره پایان داد. در این زمان بود که تولکتها برای فرار از فاجعه وارد سرزمین [Anahuac نام باستانی آمریکای مرکزی. م] شدند. پیش از اقامت در سرزمین جدیدشان برای ۱۰۴ سال سرگردان بودند.

Also F. L. Gomara در کتاب "فتح مکزیکش" در فصل مربوط به "پنج خورشید اعصار" می‌نویسد که:

"وقتی آسمان بر زمین افتاد خورشید دوم نابود شد. فرایند فروپاشی همه انسان‌ها و هر چیز زنده را از بین برد و گفته‌اند که غول‌ها در این دوران می‌زیسته‌اند و استخوان‌های متعلق به آن‌ها را حین حفاری در معابد و معادن پیدا کرده‌اند. از قد و قواره آن‌ها مشخص بوده که این موجودات کاملاً خاص و تنومند و بلند قد بوده‌اند. آن چنان که در نوشته‌های مقدس عبری در عهد عتیق و تلمود و میدراش آمده در میان نژادهای جهان در اعصار پیشین نژادی از غول‌ها هم بوده. موجوداتی بسیار تنومند و به نحو شگفت‌انگیزی قوی و درنده‌خوی که دیگر نژادها را از میان می‌بردند اما در نهایت به جان یکدیگر افتاده و یکدیگر را نابود کرده‌اند. کتاب پیدایش [۶:۹] حکایت می‌کند که در دوران ما قبل طوفان "غول‌ها روی زمین می‌زیسته‌اند."

کتاب یونانی [Baruch] از کتاب‌های جانبی کتاب مقدس عبری که در متن اصلی عبری موجود نیست اما در نسخه هفتادگانی یونانی و در ترجمه لاتین کتاب مقدس مشهور به ولگاته موجود است. م [حکایت می‌کند که طوفان پیش از چهار صد هزار از نژاد غول‌ها را نابود کرده. بعد از طوفان فقط نواحی اندکی مانده بوده که غول‌ها در آن‌ها می‌زیسته‌اند.

بعد از چند قرن که فاجعه دیگری جهان را ویران نمود و بنی اسرائیل مصر را ترک کرد و تعدادی را فرستاد تا وضعیت فلسطینی‌ها را بررسی کنند آن‌ها گزارش دادند که مردم این سرزمین عموماً قد بلند هستند و علاوه بر این ما غول‌های نژاد Anak دیده‌ایم . غول‌ها که آمده‌اند ما در نظر آن‌ها همچون ملخ بودیم .

این توصیف به وضوح بین انسان‌های قد بلند و غول‌ها تفاوت قائل می‌شود و این فرض را که بنی اسرائیل در فلسطین فقط به نژادی قد بلند تر از خود برخورد کرده و آن‌ها را غول پنداشته را متن تأیید نمی‌کند .

یک چنین وجه تمایز مشابه ای در کتاب تثنیه آمده [۱:۲۸]

... "گفتند که این قوم از ما بزرگ‌تر و بلند تر هستند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصار دار است و ما نژاد [Anakim غول‌ها] را در آنجا دیده‌ایم . تبار اندکی از این غول‌ها در [Hebron اعداد ۱۳:۲۲]

می‌زیستند . و وقتی بنی اسرائیل نزدیک اراضی باشان در نزدیکی اردن شده فقط شاه اوگ باشانی از بقایای غول‌ها باقی‌مانده بوده [یوشع ۱۳:۱۲ و تثنیه ۳:۱۱] دیگر کسانی که اندازه غول آسا داشته‌اند در این مدت نابود شده‌اند ... " اینک تخت‌خواب او تخت آهنینی که در Rabbath دودمان Ammon است نیست ؟ تخت‌خوابی که بر حسب ذراع آدمی طولش نه ذراع و عرضش چهار ذراع است . " این نوشته دلالت بر این دارد که در زمان نوشته شدن کتاب تثنیه تخت‌خواب Og هنوز وجود داشته و برای تماشاچیان مایه شگفتی بوده . در حالی که بقایای نژاد غول‌ها در حال انقراض بوده اوگ یکی از بازماندگان غول‌ها محسوب می‌شده که در Ashtaroth و Edrel اقامت داشته [یوشع ۱۲:۴] . همچنین آن‌ها را Emim یا خشمناک‌ها می‌نامیدند Emim . در دوران گذشته در موآب اردن اقامت داشتند . کسانی که بزرگ و پر تعداد و چون Anakim قد بلند بودند . غول‌ها را تحت عنوان Anakim می‌شناختند اما موآب آن‌ها را Emim می‌نامیدند . این شاخه از غول‌ها پیش از این وجود داشته‌اند .

اما در دو عصر کیهانی قبل تر در دوران شاه شینار Amraphel و شیخ ابراهیم ، Emim / غول‌ها در اردن و دوران اوج خود به سر می‌برده‌اند . (پیدایش ۱۴:۵) .



عصر ما قبل آدم

ایمانوئل ولیکوفسکی

آئینی باستانی رواج ماه پرستی را به آدم - نخستین انسان - نسبت می‌دهد . ابوبکر محقق قرون وسطی می‌نویسد که:

"آن‌ها [سبایی‌ها] می‌گویند که آدم درست مثل بقیه بشریت از زن و مرد متولد شده . اما آن‌ها خیلی به او افتخار می‌کنند و می‌گویند که او از ماه آمده و می‌گویند که او پیامبر و فرستاده ماه است و او ملت‌ها را تشویق و ترغیب نموده که می‌بایست به ماه خدمت کنند ... همچنین درباره آدم گزارش کرده‌اند که وقتی او ماه را رها کرد و تصمیم گرفت از منطقه هندوستان رهسپار بابل شود شگفتی‌های زیادی را با خود به همراه آورد".

آدمیزادها ، نوع بشر ما قبل طوفان به احتمال بسیار نخستین موجودات انسانی بر زمین نبوده‌اند . حتی اگر بپذیریم که " اخراج از باغ عدن " تمثیلی از فاجعه‌ای است که بشریت ما قبل طوفان را به کلی نابود کرده ؛ به یقین گفتن اینکه این نخستین فاجعه بوده غیرممکن است . بستگی به یاد و باور کسانی دارد که یک فاجعه را تحت عنوان کارکرد خلقت در نظر می‌گیرند . موجودات انسانی که از برخی از این‌گونه فجایع جان به در برده‌اند یادشان نمی‌آید که چه اتفاقی رخ داده آن‌ها می‌پندارند که از گل زمین خلق شده‌اند . تمامی دانسته‌ها درباره نیاکان ، اینکه آن‌ها

در آنچه فاصله بین ستارگان (interstellar space) گفته می‌شود می‌زیسته‌اند از خاطر تعداد اندک نجات‌یافتگان زودده شده. باورهای آئینی خاخامی – تلمودی حکایت از این دارند که قبل از اینکه آدمی خلق شده باشد زمین بیش از یک‌بار مسکونی و بیش از یک‌بار هم نابود شده.

پایان عصر نخستین با محرومیت انسان از برکت باغ عدن نمادپردازی شده. اینکه ماه روشنایی‌اش را از دست داده. سخن بر سر فقط یک جفت انسان نیست. آئین باستانی اختراع هفتاد زبان را به آدم نسبت می‌دهد!

اسطوره‌شناسی عبرانی به دوره متفاوت زیستی و ژئوفیزیکی قبل از اخراج آدم اشاره می‌کند. اینکه انوار خورشید دائماً بر زمین می‌تابیدند و باغ عدن در شرق قرار داشت و این‌گونه باید پنداشت که زیر تابش دائمی نور خورشید بارانی بر زمین نمی‌بارید بلکه مه از زمین برخاسته مترکم شده به شکل شبنم در می‌آمد. قامت انسان بسیار بزرگ‌تر و ابعاد بدن انسان غول‌آسا بود و ظاهرش از انسان ما بعد او متفاوت. بدنش با پوستی بسیار سخت پوشیده شده بود.

اما روزی رسید که درخشش سماوی متوقف شد:

... "خورشید به تاریکی غلتید و آدم برای نافرمانیش گناهکار دانسته شد". شعله‌های چون شمشیر همیشه چرخان آدم را می‌ترسانند (پیدایش ۳:۲۶) افسانه دیگری می‌گوید که نور سماوی در آسمان جلوه بسیار اندکی داشت و سپس توقف نور سماوی باعث حیرت آدم شده و درخشش دوره نخست دیگر هرگز رجعت ننموده. آسمانی که انسان هر روز می‌دید دیگر هرگز مثل گذشته دیده نشد. گرزمان

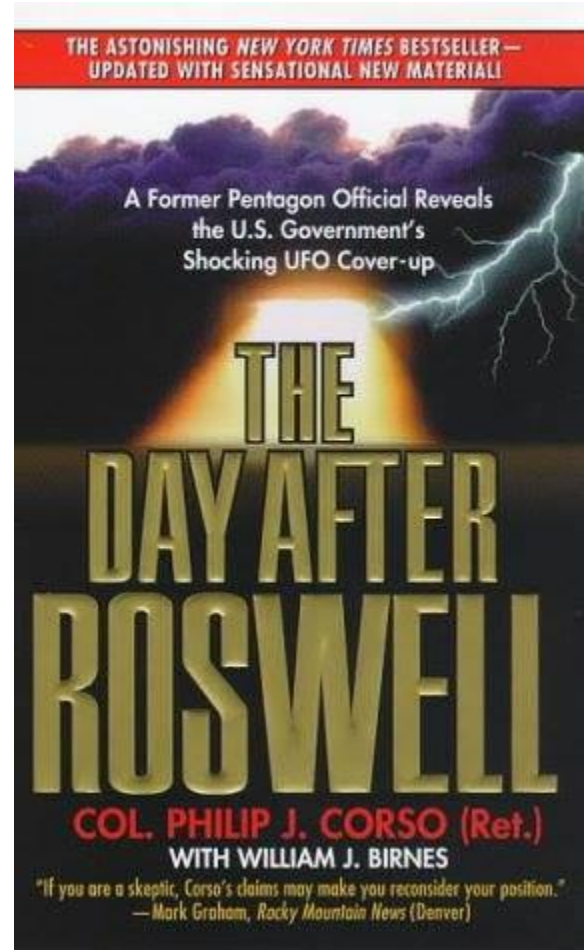
(آسمان) دیگر هرگز شبیه آسمان "روز" نخست نشد. "روز" پیدایشی که آن چنان که پیش از این اشاره کرده‌ام با هزار سال برابری می‌کرده.

طبق سنت عبرانی پس از هبوط انسان بوده که خورشید برای نخستین بار غروب کرده. "برای نخستین بار آدم غروب خورشید را رویت کرده، ترس او را فراگرفته و تمام شب را با دلواپسی سپری نموده. وقتی روز آغاز شده او متوجه شده که آنچه که او برایش زار می‌زده چیزی نبوده جز یک چرخه طبیعی. پس از آن بوده که فصل‌ها آغاز شده‌اند. در ماجراهای متعاقب گفته شده که: آدم متوجه شد که روزها کوتاه‌تر شده‌اند و هراسان شد که مبادا جهان می‌خواهد در تاریکی فرو رود... اما بعد از انقلاب زمستانی او متوجه شد که روزها دوباره بلندتر شده‌اند. همچنین زمین تغییرات زیادی به خود دیده و جدا از گذشته زمین از بالا توسط باران خیس

می‌شده. تنوع گونه‌ها کمتر شده و طبق افسانه‌های عبرانی از اندازه انسان کاسته شده و هیکلش نسبت به گذشته تفاوت‌های زیادی را تجربه نموده. اندازه خارق‌العاده‌اش به اندازه منقبض شده کنونی تبدیل شده. او حتی پوست سفت و سختش را از دست داده و کل نظام طبیعت هم مجبور به تغییر رویه شده.

روز پس از رازول

the day after roswell



کتابی که با کمک ویلیام جی بارنز نویسنده و یوفولوژیست آمریکایی نوشته شده. سرهنگ فیلیپ کورسو در این کتاب مدعی شده که واقعاً بدن یک بیگانه مرده را دیده که در ۱۹۴۷ از لاشه یک سفینه فضایی که در رازول سقوط کرده جمع‌آوری شده بود. بیش از پنجاه سال است که جهان مجذوب واقعۀ رازول شده و سرهنگ فیلیپ کورسو افسر بازنشسته ارتش آمریکا که اکنون فوت کرده برای ما جزئیات آنچه او در ۱۹۴۷ در فورت ریلی کانزاس دیده را روایت نموده. او بلندپایه‌ترین افسری است که حاضر شده جزئیاتی را درباره واقعه مشهور سقوط در نیومکزیکو منتشر کند.

او مدعی شده که آنچه در نیومکزیکو سقوط کرده نه یک بالون که یک سفینه فضایی بیگانه بوده. اگرچه درباره واقع رازول گاهی سروکله شاهدینی پیدا می‌شود که چرت‌وپرت می‌بافند یا در یک مورد فیلم تقلبی کالبدشکافی بیگانه از ری سانتیلی تا این واقعه را به سر خط اخبار مربوط به یوفولوژی بازگردانند اما در این مورد ادعاهای

کورسو - افسر عالی رتبه ایالات متحده - در کتابش به نام " روز پس از رازول " به چاپ رسیده بسیار جالب توجه است.



کورسو نه فقط مدعی شده که بدن بیگانه را در واقعه رازول دیده بلکه همچنین مدعی رؤیت پرونده‌های سری پنتاگون در این خصوص شده . او گفته که بدن یکی از بیگانه‌ها را به بیمارستان والتر رد در واشینگتن دی سی منتقل کرده و روی بدن بیگانه کالبدشکافی انجام شده . همچنین مدعی شده که بهترین فناوری آمریکا در برابر فن آوری فوق العاده شگفت‌انگیز سفینه بیگانه حرفی برای گفتن نداشته.

اجزاء متفاوت سفینه رازول به کمپانی‌های مختلف درزمینه صنایع دفاعی فرستاده شده تا ویژگی‌های آن مهندسی معکوس شود . بررسی این شاهکار مهندسی منجر به کشفیاتی شده که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از : تراشه یا چیپ کامپیوتر ، کولار (نام تجاری برای الیاف ساخته شده از پارا آرامید قوی و سبک که با دیگر آرامیدها مثل نومکس و تکنورا ارتباط دارد. به طور معمول به صورت نخ و یا پارچه‌های بافته شده و یا به عنوان یک بخش از مواد کامپوزیتی استفاده می‌شود. در حال حاضر کولار استفاده‌های زیادی دارد اعم از تایر دوچرخه، بادبان‌های مسابقه تا محافظ بدن به علت اینکه نسبت استحکام به وزن آن زیاد است و به این ترتیب با وزن یکسان، ۵ برابر فولاد استحکام دارد.) لیزر ، فیبر نوری ، اشعه‌های ذره‌ای . پیمانکارها به کارکنان خود گفته بودند که این قطعات از روسیه به سرقت رفته و در واقع فناوری روسی به حساب می‌آیند.

او مدعی شده که پنهان کاری حکومت نه فقط برای مخفی نگه داشتن حقیقت درباره هوش فرازمینی از عموم مردم که خرید فرصت برای تکمیل فرایند مهندسی معکوس فناوری سفینه برای محفوظ ماندن از گزند کشورهای متخاصم به ویژه روسیه بوده.

کورسو می گوید:

"هیچ کس نمی خواست در بازی ناشناخته و بی سروصدای پیشرفت درزمینهٔ فناوری بیگانه که در پنتاگون در جریان بود در جایگاه دوم قرارگیری و هر سازمانی یواشکی نسخه سری خودش از سلاح رازول را پیش می برد." او مدعی شده که ابتکار دفاع استراتژیک (جنگ ستارگان) یعنی به کار بردن فناوری بسیار پیشرفته مانند اشعه لیزر و توپهای الکترومغناطیسی برای نابودی موشکهای اتمی دشمن در مراحل مختلف پرتاب و پرواز در اصل برای انهدام سفینههای متخاصم و در رأس آنها سفینههای بیگانه بوده.

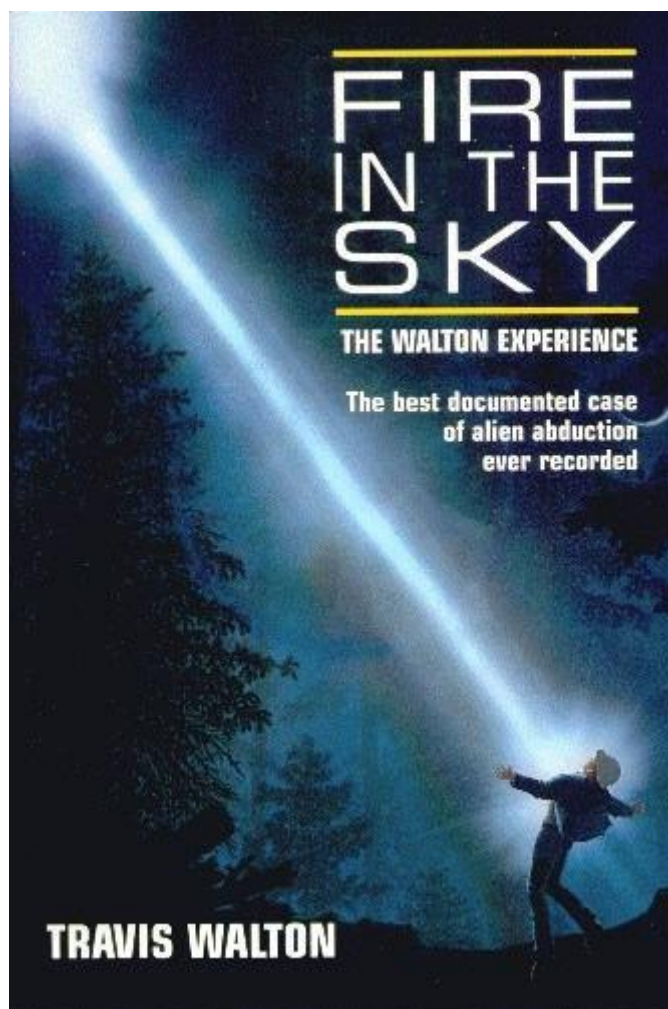
نخستین رخنه کورسو در جعبه بزرگ پروندههای " بالاتر از فوق سری " زمانی بود که او در جولای ۱۹۴۷ در فورت ریلی کانزاس مستقرشده . او درباره مخزن جعبه‌های مهروموم شده‌ای که در بخش فوق سری پایگاه قرار داشت به شدت کنجکاو بود و نتوانست جلوی اشتیاق شدیدش را بگیرد و تصمیم گرفت به درون اسرار سرک بکشد . چراغ قوه را برداشت و جعبه‌ای را باز کرد و از آنچه در آن دید شوکه شد.

"چیزی در یک جعبه شیشه‌ای کلفت گذاشته شده بود . غوطه‌ور در مایع آبی روشن . در ابتدا فکر کردم که بچه‌ای درجایی مرده و جسد را در این جعبه شیشه‌ای قرار داده‌اند اما این یک بچه نبود . یک انسان نمای چهار فوتی بود با بازوها و دستهای عجیب و غریب با چهار انگشت . شستی نمی دیدم . ساق‌ها و پاها نازک بود و بالای همه این‌ها سری به شکل و اندازه لامپ برق گرد قرار داشت . شبیه بالونی با اتاقک روی آن که به شکل چانه به نظر برسد . خیلی میل داشتم که پوست خاکستری رنگ پریده‌اش را لمس کنم . نمی توانستم بگویم چیزی که می بینم پوست بوده چون علاوه بر اینکه یک تکه بسیار نازک بود سرتاپای بافت گوشتی موجود را پوشانده بود " .

توصیفی که کورسو از بدن بیگانه ارائه می کند بسیار شبیه توصیفی است که سایر شاهدان رازول از آن ارائه کرده‌اند . کورسو بعد از پیوستن به سرویس مخفی ارتش در ۱۹۴۲ در اروپا مشغول خدمت شد . طی جنگ کره (۱۹۵۳-۱۹۵۰) او همچنان به وظایف جاسوسی اش تحت فرماندهی ژنرال داگلاس مک آرتور ادامه داد . چهار سال کار در ستاد امنیت ملی پرزیدنت دوايت آیزنهاور (۱۹۵۷-۱۹۵۳) سابقه کاری درخشانی برایش فراهم نمود . در ۱۹۶۱ او رئیس بخش فناوری بیگانه در ارتش آمریکا شد . این کتاب در سال ۱۹۹۷ چاپ و یک سال پس از انتشار آن در ۱۹۹۸ کورسو درگذشت .

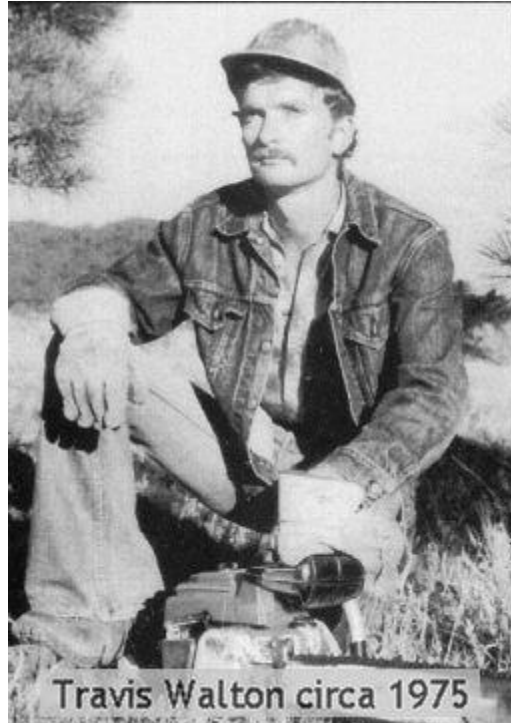
آذری در آسمان

در ۱۹۷۵ یک چوب‌بر (الوار ساز) آریزونایی به نام تراویس والتون بنا بر ادعای برخی طی مواجهه با یک بشقاب‌پرنده برای پنج روز ناپدید می‌شود. فیلمی در ۱۹۹۳ به کارگردانی رابرت لیبرمن بر اساس کتاب تراویس والتون به نام "آذری در آسمان: تجربه والتون" ساخته‌شده که دیدن فیلم و مطالعه کتاب برای علاقه‌مندان خالی از لطف نخواهد بود.



در ۵ نوامبر ۱۹۷۵ گروهی از چوب‌برها (الوار سازها) در کوه‌های شمال شرقی آریزونا نوری درخشان و غیرمعمول و عجیب و غریب را در آسمان مشاهده می‌کنند. یکی از این چوب‌برها به نام تراویس والتون کامیونش را رها می‌کند تا به این نور نزدیک تر شده و نگاه دقیق تری به آن بی اندازد. ناگهان در حین اینکه به سوی نور قدم برمی‌داشت با ضربه برق آسای انرژی اسرارآمیز به شدت به عقب رانده شد.

همراهانش به شدت ترسیده بودند . پس از ناپدید شدن تراویس آن‌ها پلیس را در جریان مواجهه شان با یک UFO قرار دادند - چیزی که اگر آن‌ها خود شاهدش نبودند وقوع آن را غیرممکن می‌دانستند - پلیس به این مشکوک شده بود که شاید تراویس به قتل رسیده باشد.

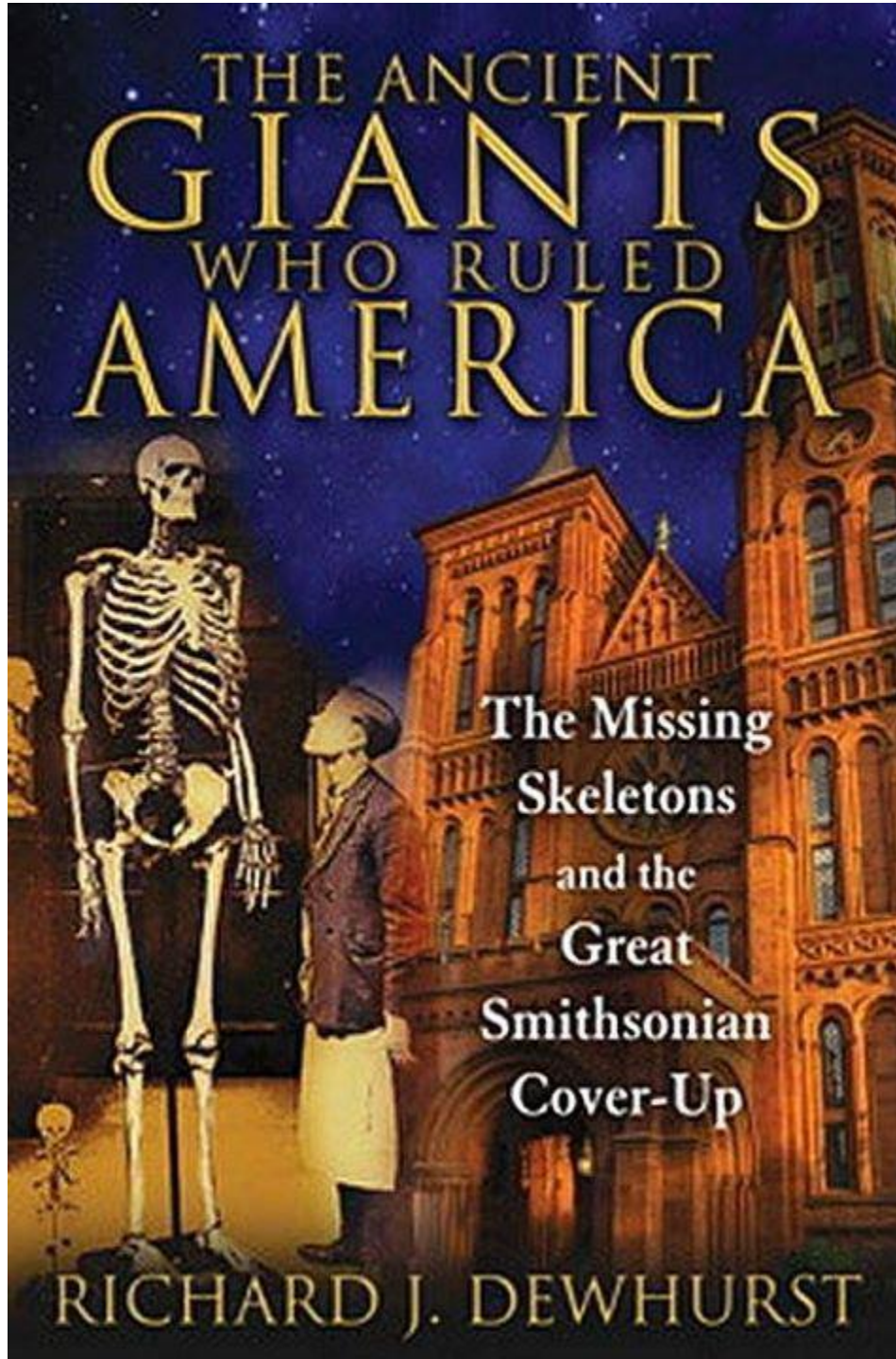


طی پنج روز مقام‌های مسئول با تجهیزات کامل به تعقیب تبهکاران احتمالی بر آمدند تا شاید در این میان خود والتون یا جسدش را هم پیدا کنند . وقتی دوباره سروکله والتون پیدا شد گیج و سردرگم بود و در ابتدا قادر نبود که کل ماجرا را تعریف کند.

در کتاب " آذری در آسمان " تراویس والتون از زبان خودش ماجرا را شرح می‌دهد و این بهترین گزارش مستندی است که تاکنون از ربوده‌شده توسط بیگانگان ثبت شده . داستانی دل خراش از پنج روزی که در اختیار اسیر کنندگان خاموش بوده و بازگشت و گرفتار شدن به دست بازجوهای کینه‌جویی که ماجراهایش را یک مشت اراجیف و دروغ می‌پنداشتند از یکسو و مطبوعات سوءاستفاده گر از سوی دیگر و کشمکش با آن بخش از وجودش که می‌خواست حقیقت را بیان و بی‌گناهی‌اش را اثبات نماید . تراویس در این کتاب حکایت مبارزه‌اش برای یک دادرسی منصفانه را شرح می‌دهد و اینکه چگونه با توهین‌کنندگان به خود مقابل به مثل نموده .

غول‌های باستانی که بر آمریکا حکمرانی می‌کردند:

اسکلت‌های گمشده و پنهان‌کاری بزرگ موسسه اسمیتسونین



بررسی شواهد معتبری از یک نژاد قدیمی از غول‌ها در آمریکای شمالی و سرکوب و پنهان‌کاری این تحقیقات طی ۱۵۰ سال توسط موسسه اسمیتسونین. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه هزاران اسکلت از غول‌ها بخصوص در دره می‌سی‌سی‌پی در کنار خرابه‌هایی از شهرهای مربوط به غول‌ها پیداشده. این کتاب جستجوهای ۴۰۰ ساله درباره غول‌ها را که شامل مقالات روزنامه‌ها، گزارش‌های دست‌اول و اسناد تاریخی دولتی و گزارش‌های میدانی مصور می‌شود جمع‌آوری کرده. این کتاب بیش از ۱۰۰ عکس نادر و تصاویری از شواهد گمشده را در برمی‌گیرد Dewhurst. نه فقط افشا کرده که در دوران گذشته نژاد پیشرفته‌ای از غول‌ها بر آمریکای شمالی حکمرانی می‌کرده‌اند همچنین مدعی شده که موسسه اسمیتسونین برای نزدیک به ۱۵۰ سال به شکلی فعالانه بر شواهد فیزیکی آن سرپوش گذاشته. او نشان می‌دهد که چگونه هزاران اسکلت از غول‌ها در سراسر قلمرو مونت بویلرها (Mound Builder) پیدا اما از اسناد تاریخی حذف شده. او دیگر پنهان‌کاری‌های مربوط به غول‌ها را مورد بررسی قرار داده؛ مثل جسد‌های مومیایی‌شده غول‌آسا در غار اسپریت در نوادا که در پارچه‌های فاخر پیچیده شده بودند و قدمت آن‌ها به هشتاد هزار سال قبل از میلاد می‌رسید و پیدا شدن صدها مومیایی موزومز در گل فرورفته در مخازن طبیعی و زیرزمینی آب واقع در ساحل غربی فلوریدا و همچنین خرابه‌های شهرهای غول‌ها با جمعیتی بالغ بر صد هزار نفر در آریزونا، اوکلاهاما و آلاباما و لوئیزیانا.

Dewhurst نشان می‌دهد که چگونه این پنهان‌کاری و سرکوب حقایق بلافاصله بعد از جنگ داخلی شروع شده و وقتی در ۱۸۷۹ سرگرد John Wesley Powell یکی از طرفداران سرسخت " فرگشت " و " Manifest Destiny به سمت مدیر اسمیتسونین منصوب شده شکل وسیع‌تر و بی‌پرواتری به خود گرفته. او همچنین افشا نموده که در دهه ۱۹۲۰ مجموعه سنگ‌قبرهای غول‌آسا در جزیره کاتالینا پیداشده که طی ۶۰۰۰ سال مراسم تدفین در آنجا انجام می‌شده و بیش از ۴۰۰۰ اسکلت در آن پیداشده از جمله اسکلت شاهان و ملکه‌هایی که یکی پس از دیگری آمده‌اند و برخی از آن‌ها بیش از نه پا قدشان بوده. این شواهد در اتاق‌های مربوط به مدارک و شواهد در موسسه اسمیتسونین مخفی و از دسترس عموم دورنگه داشته شده. این کتاب تعالیم آکادمیک رسمی که به نادیده گرفتن و مخفی نمودنِ نقشی که غول‌ها در تاریخ باستان آمریکا بازی می‌کرده‌اند ادامه می‌دهند را در هم می‌کوبد.

پاورقی:

موسسه اسمیتسونین - Smithsonian Institution: بزرگ‌ترین موزه علمی-فرهنگی-تحقیقاتی جهان است. این موسسه که در ایالات متحده آمریکا قرار دارد حاوی ۱۳۷ میلیون شی در کلکسیون خود می‌باشد. این موسسه که از منابع خصوصی و دولت فدرال آمریکا بودجه خود را دریافت می‌کند، متشکل از ۱۹ موزه و ۹ مرکز علمی-فرهنگی در چند ایالت آمریکا می‌باشد. ۱۵۶ موزه در آمریکا وابسته به این موسسه می‌باشند.

Mound Builder نام مجموعه‌ای از فرهنگ‌های مختلف ساکن آمریکای شمالی.

Manifest Destiny: عقیده یا دکترینی در اواسط و اواخر قرن نوزدهم بر این نظر بود که تقدیر امریکا این است که قلمروش را بر کل امریکای شمالی گسترش داده و نفوذ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌اش را متعاقب آن بیشتر و گسترده‌تر نماید

'THE ADAM: A SLAVE MADE TO ORDER

آدم : یک برده سفارشی

ترجمه مهر

با دستیار:

مایوسوته

نسخه اصلاح شده

اثر: زکریا سیچین

حکایت کتاب مقدسی خلقت انسان ، قطعاً مسأله مناقشه بر انگیز - و گاهی اوقات تلخ - بین خلقت گرایان و فرگشت گرایان بوده و گاهی اوقات کار به محکمه کشیده شده . همیشه هم در آموزشگاه‌ها بر سر یکی از آن دو درگیری وجود داشته . آنچنان که پیش از این گفته شده ، هر دو طرف درگیر ، دوباره خوانی کتاب مقدس برایشان بهتر خواهد بود (و البته خوانش اصل عبری اش) . ستیز بین فرگشت گرایان که برداشتشان از کتاب مقدس علم پایه است و خلقت گرایان که معتقدند آنچه که این متن می‌گوید واقعی است می‌تواند به یکباره به پایان برسد .

جدای از ادعای ساده‌لوحانه‌ای که در گزارش خلقت ، " روزهای " کتاب پیدایش را در واقع دوره‌های بیست و چهار ساعت می‌داند و نه دوران‌ها یا فازها (مراحل) ، تسلسلی در کتاب مقدس وجود دارد که چون فصل‌های پیشین باید آشکار شود . شرحی فرگشتی که با علم امروزی جور در می‌آید .

وقتی که خلقت گرایان تاکید می‌کنند که ما ، بشریت ، انسان هوشمند هوشمند ، فوراً و بدون پیش نیازهای فرگشتی توسط " خدا " خلق شده‌ایم ، مسأله غیر قابل حل باقی می‌ماند . اینکه " خدای رب ، انسان را از خاک زمین شکل داده و جان ، دم حیات را به دو سوراخ بینی‌اش دمیده و انسان یک روح زنده شده " .

این حکایتی از خلقت انسان است که مطابق با نسخه انگلیسی شاه جیمز ، در فصل دوم ، آیه هفتم کتاب پیدایش نقل و به باور استوار متعصبان خلقت گرا تبدیل شده . آنها با قرائت متن اصلی عبری کشف خواهند کرد که اول از همه ، عمل خلقت ، قاطعانه به الوهیم نسبت داده شده . اصطلاح جمعی که حداقل باید به " خدایان " ترجمه شود نه " خدا " . و دوم اینکه " شخص آدم / the Adam خلق شده بود چرا که " در آنجا آدم نبود تا بر زمین زراعت کند " . این‌ها دو مسأله مهم - و مغشوش - هستند . اشاره به کسانی که انسان را خلق کرده‌اند و چرایی آن .

متعاقباً و البته قطعاً از نسخه / آیه دیگر خلقت انسان (پیدایش ۲۷-۲۶:۱ / نسخه / آیه پیشینی) مشکل دیگری سرو کله‌اش پیدا می‌شود . اول اینکه طبق نسخه شاه جیمز : " خدا گفت بیایید انسان بسازیم ، به صورت خودمان ، شبیه خودمان " . سپس گفته شده که : " و خدا انسان را به صورت خود خلق کرد . او آن‌ها را به صورت خدا خلق کرد ، مرد وزن توسط او خلق شدند " . علاوه بر این ، حکایت کتاب مقدسی با حکایت متعاقبی که در فصل دو آمده کامل شده . گزارشی که می‌گوید آدم تنها بوده تا اینکه خدا شریک مؤثی برایش تدارک می‌بیند . کسی که خدا از دنده / rib آدم خلق کرده .

وقتی خلقت گرایان فتوای سخت گیرانه ای صادر می‌کنند که تفسیر ویژه‌ای شرط لازم اعتقادات مذهبی است ، (یعنی یکتا خدایی آستین خلق انسان را بالا زده . م) در این خصوص مسأله پلورالیسم به وجود می‌آید . پیشنهاد خلقت انسان از یک هویت جمعی نشأت می‌گیرد که جمعی از مستمعین را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید :

" بیایید آدمی بسازیم به صورت خودمان و شبیه خودمان " . کسانی که به کتاب مقدس ایمان دارند لابد می‌پرسند اینجا چه خبر است ؟

^۱ . ترجمه فصل هشتم کتاب " باز بینی پیدایش " . م

در حالی که هم خاور شناسان و هم پژوهشگران کتاب مقدس حال می‌دانند که آنچه گفته شده بوده از کتاب پیدایشی بسیار قدیمی‌تر و به شکل قابل ملاحظه‌ای متونی پر از جزئیاتِ نخستین بار نگارش شده در سومر توسط مؤلفان ویرایش و خلاصه شده. نوشته‌های سومریان بازنگری شده و به شکل گسترده‌ای در کتاب "دوازدهمین سیاره" از آنها با همه منابع فهرست شده نقل قول شده که خلقت انسان را به آنوناک می‌منتسب می‌کنند.

اتفاقاً از متون بسیار قدیمی چون آتراهسیس^۱ دریافته‌ایم که زمانی سلسله مراتبی از فضانوردانی که برای طلای زمین آمده بودند چون کار در معادن طلای جنوب شرقی آفریقا غیر قابل تحمل شده بود شوریدند. انلیل فرمانده کل قوایشان، پدرش آنو حکمران نی بی رو را فرا خوانده تا در مجمع بزرگان آنوناک تقاضای اشد مجازات را برای پرسنل یاغی‌اش داشته باشد. اما آنو فهمیده‌تر از آن بود. ما آنها را به چه چیزی متهم می‌کنیم؟ او این را پرسید چون از مظالم متمرمان چیزهایی شنیده بود. اینکه کارشان سخت و بسیار عذاب آور بود. او حیرت زده فریاد می‌زند:

**در اینجا (زمین) راه دیگری برای بدست آوردن طلا وجود ندارد ؟
پسر دیگرش انکی (برادر ناتنی و رقیب انلیل) می‌گوید : بله**

فرمانده دانشمند با استعداد آنوناک خلاصی آنوناک از کار غیرقابل تحمل را از طریق کسی که کار سخت را بعهده خواهد گرفت ممکن می‌کند: اجازه دهید یک برده بدوی آفریده شود!

ایده ای که به مجمع آنوناک ارجاع داده می‌شود و بحث بالا می‌گیرد و تقاضایشان برای یک برده بدوی، یک Adamu / آدمو که کار را بر عهده بگیرد شفاف تر می‌شود. اما آنها در شگفت بودند؛ چگونه شما می‌توانید موجود به اندازه کافی باهوشی که بتواند از ابزارها استفاده و دستورات را اطاعت کند خلق کنید؟ خلقت یا "ثمر آوردن" برده بدوی چگونه حاصل خواهد شد؟ برآستی چنین وعده ای عملی خواهد بود؟

متنی سومری پاسخی را که توسط انکی به مجمع دیر باور آنوناک داده شده را جاویدان کرده که چاره رهایی‌شان از کار طاقت فرسا را در خلق یک آدمو / Adamu دیده:

او اضافه کرد: همه آنچه انجام خواهد شد بند شده به شمایل خدایان.

در این کلمات، کلید معمای خلقت انسان نهفته است. عصای جادویی که تضاد بین فرگشت گرایان و خلقت گرایان را محو می‌کند. { این نشان می‌دهد که } الوهیم آیه‌های کتاب مقدس، انسان را از هیچ خلق نکرده‌اند. موجودی پیش از این در آنجا بر زمین بوده. محصول فرگشت. همه آنچه لازم بوده این بوده که تا سطح مورد نیاز توانایی و هوش ارتقاء داده شود تا به تصویر خدایان شبیه شود. شبیه خود الوهیم.

۱. Atra-Hasis / بسیار عاقل بازیگر نقش اول و همنام یک حماسه قرن هجدهمی آکادی پیش از میلاد است. یک «Atra-Hasis» در لیست شاهان سومری به عنوان شاه Shuruppak در زمان های پیش از طوفان مشاهده می‌شود. الواح Atra-Hasis هم اسطوره خلقت را شامل می‌شوند و هم گزارش طوفان را در بر می‌گیرند. که یکی از سه ماجرای مربوط به طوفان به جا مانده از بابلیان است. قدیمی ترین نسخه‌ی کپی شناخته شده در رابطه با Atra-Hasis، را می‌توان به وسیله‌ی (Colophon انجامه) به دوره‌ی نوه ارشد Hammurabi یعنی (Ammi-Saduqa دوره‌ی ۱۶۴۶-۱۶۲۶ پیش از میلاد) نسبت داد. اما تکه های بابلی قدیمی گوناگونی وجود دارد، و کپی برداری از آنها تا هزاره ی اول قبل از میلاد ادامه یافته است. داستان Atra-Hasis در تکه پاره های نسخ آشوری جدیدتر هم وجود دارد. که برای اولین بار در کتابخانه ی Ashurbanipal باز پیدا شده است. اما به خاطر شرایط تکه تکه ی الواح و لغات مبهم، ترجمه اش غیرمطمئن بوده است. تکه هایش اولین بار توسط George Smith گردآوری و ترجمه شد، به عنوان شرحی کلدانی پیدایش، و نام قهرمانش توسط Heinrich Zimmern در سال ۱۸۹۹ به Atra-Hasis تصحیح شد.

انجامه: انجامه در نسخه‌شناسی، به شناسنامه‌ای گفته می‌شود که رونویس (کاتب) پس از پایان کتابت در آخر نسخه خطی می‌نویسد. در انجامه‌ها معمولاً نام و نشان کتاب و پدیدآور و زمان و مکان رونویسی یاد می‌شده است. اعلام پایان یافتن کتاب، که عموماً با واژه‌های «تمت»، «تمت»، «قَدْ فَرَّغَ»، و «قَدْ اِتَّفَقَ الفِرَاع» در عربی، و تعبیرات فعلی «تمام شد»، «پایان یافت»، «سپری شد»، و مانند آن در فارسی نشان داده می‌شده است. درج نام مؤلف کتاب معمولاً با جمله و عبارت دعایی همراه بوده است. انجامه، واژه‌ای نوساخته در زبان فارسی است، که به‌جای ترقیمه و خاتمه به کار می‌رود. م

برای ساده شدن کار ، آن را " مخلوقی " می‌نامیم که پیش از این وجود داشته . Apeman/Apewoman . روندی آرمانی دیده شده توسط انکی که او را به مخلوق موجود علاقمند کرده که آن را به " صورت " - درونی ، ترکیب ژنتیکی - آنوناکی بسازد . به عبارت دیگر با تقویت Apeman/Apewoman موجود از طریق دست‌کاری ژنتیکی ، پرشی از روی فرگشت ، " انسان " خلق می‌شود . انسان هوشمند هستی می‌یابد .

عبارت Adamu / آدمو آشکارا الهام بخش نام کتاب مقدسی { و قرآنی } Adam / آدم بوده و از لغت " image / تمثال " در متون سومری استفاده شده که به صورتی دست نخورده بارها در متن مقدس به کار رفته . البته این‌ها تنها یکی از سرنخ‌های منشاء سومری / میان رودانی داستان پیدایشی خلقت انسان است . کتاب مقدس از مفهوم جمع استفاده کرده و گروهی از الوهیم را توصیف می‌کند که اجماع نموده و متعاقباً دست به عملی ضروری زده‌اند . گذشته از جنبه های معما گونه‌شان که وقتی از منابع میان رودانی برای گزارش پیدایش اقتباس می‌شده مفقود شده‌اند .

می‌خوانیم که مجمع آنوناکی مصمم می‌شود پروژه را اجرایی کند و انکی پیشنهاد می‌دهد که این کار به عهده نین تی گذاشته شود . افسر فرمانده تیم پزشکی‌شان . آنها اله را ، زایش دهنده فرزانه را فرا خواندند و از او درخواست نمودند و گفتند :

مخلوقی را زندگی بده . کارگرانی خلق کن !

کارگری بدوی خلق کن .

که بتواند یوغ بر گردن نهد !

یوغی که توسط انلیل اختصاص داده شده .

بیا او را بزا

برده را رها کن تا کار سخت خدایان را انجام دهد !

کسی نمی‌تواند به یقین از متن آتری هسیس که خطوط بالا از آن نقل قول شده یا از متون سومری بسیار کهن تر که ویرایشگران پیدایش نسخه خلاصه شده‌ای از آنها ارائه داده‌اند چیزی بگوید . اما در اینجا پس زمینه وقایعی را در اختیار داریم که منجر شده به ضرورت خلق یک برده بدوی . مجمع خدایان پیشنهاد را پذیرفته و تصمیم متهورانه گرفته شده که یکی خلق شود . صرفاً از طریق آنچه که منابع کتاب مقدسی دانسته شده توانسته ایم داستان الوهیم - والا تباران ، خدایان - را درک کنیم که گفته‌اند :

بیابید آدم را به صورت خودمان ، شبیه خودمان بسازیم . برای علاج وضعیتی که " در آنجا آدمی برای زراعت بر زمین نبوده " .

در کتاب دوازدهمین سیاره تاکید شده که وقتی کتاب مقدس شروع می‌کند به شرح شجرنامه و تاریخچه‌ی Adam ، یعنی یک شخص به خصوص ، کتاب پیدایش اشاره می‌کند به موجودی که به تازگی خلق شده است با عنوان The Adam ، یک واژه‌ی عام. نه یک فرد به اسم Adam . اما به معنی "زمینی" ، چرا که این همان معنی Adam است ، با ریشه‌ای مشابه با آنچه Adamah از آن گرفته شده ، یعنی "زمین" . اما این واژه هم یک جناس است ، به خصوص در قسمت Dam / دم ، که به معنی "خون" است ، و همان‌طور که خواهیم دید ، بازتاب دهنده روشی است که در آن The Adam (اینجا شخص آدم است) "ساخته شده بود" .^۳

عبارت سومری به معنی " انسان " LU است . اما در اصل به معنی " انسان " نیست . بلکه اشاره‌ای است به " عمله / برده " و ترکیبی از نام حیوانی است که مفهوم ضمنی " اهلی شده " را می‌رساند . زبان آکدی (نیای زبان‌های سامی) که متن آترا هسیس با آن نوشته شده ، عبارت LULU را برای موجود تازه خلق شده به کار گرفته ، معادل آنچه که در سومری آمده . این لغت که به

^۳ . چرا در اینجا "شخص آدم" است؟ چون که اگر منظور یک واژه‌ی عام بود که به همه‌ی نوع بشر نسبت داده می‌شد، می‌بایست The Adam "were" manufactured" می‌آورد، یعنی از فعل کمکی جمع استفاده می‌کرد، حال آنکه از was که مفرد است در متن استفاده کرده‌م

انسان ترجمه شده به مفهوم " آمیزش " است . بنابراین معنای ژرف تر لغت LULU " مخلوط شده " است . این همچنین منعکس کننده وضعیت آدم / زمینی است . بعلاوه اینکه او " از خون " خلق شده بوده .

متون متعددی به شکل الواح گلی میان رودانی حکاکی شده ، در وضعیت‌هایی سالم یا تکه تکه پیداشده‌اند . در نتیجه گیری‌هایم در کتاب دوازدهمین سیاره ، " اسطوره‌ها " ی خلقت سایر ملت‌ها از دنیای قدیم و جدید بازنگری شده‌اند . همگی آنها روندی را که طی آن عنصری خدایی با یک زمینی مخلوط شده ثبت کرده‌اند . گاهی اوقات عنصر خدایی چون یک " فروهر " مشتق شده از خون خدا توصیف شده و عنصر زمینی به عنوان " گل " یا " لجن " .

شکی وجود ندارد که همه داستان‌ها کوشیده‌اند تا یک چیز را بگویند . چون همه آنها از نخستین زوج سخن می‌گویند و نیز شکی وجود ندارد که منشاء همه آنها به سومر بر می‌گردد . به متونی که ما بیشترین توصیف‌های استادانه و بزرگ‌ترین در نوع خود را در میان جزئیات مربوط به کار شگفت انگیز پیدا کرده‌ایم :

آمیختن ژن‌های " یزدانی " آنوناکاکی با " ژن‌های " زمینی Apeman از طریق بارور کردن تخمک یک Apewoman .
لقاحی بوده در آزمایشگاه در لوله‌های شیشه‌ای ، آنچنان که ترادیس‌ی شان بر یک مهر استوانه‌ای به تصویر کشیده شده و آنچنان که بعدها از علم مدرن و دستاورد پزشکی قابل درک شده ، شاهکار لقاح آزمایشگاهی انجام شده و آدم اولین کودک آزمایشگاهی بوده

...



وقتی انکی پیشنهاد شگفت انگیز خلق یک برده بدوی را از طریق ترکیب ژنتیکی مطرح کرده برای اعتقاد خود دلیلی داشته . او پیش از این به این نتیجه رسیده بود که این شاهکار شدنی است و پیشنهادش برای دعوت به کار نین تی نه یک ایده ناگهانی که نقشه‌ای اساسی برای وقایع متعاقب بوده .

متن آتراهسیس داستان انسان بر زمین را با تقسیم وظایف بین آنوناکیهای ارشد آغاز می‌کند . وقتی که رقابت بین دو برادر ناتنی به سطح خطرناکی رسیده . آنو بین آنها قرعه کشی نموده و در نتیجه آن به انلیل ریاست بر تمام پایگاه‌های قدیمی و عملیات در E.DIN (عدن یا ادن کتاب مقدس و قرآن م) داده شده و انکی به آفریقا فرستاده شد تا بر سرزمین معادن - AB.ZU - نظارت کند . دانشمند بزرگ انکی مقید بوده که اوقات فراغتش را صرف مطالعه گیاهان و جانوران اطرافش کند بعلاوه فسیل‌هایی که ۳۰۰۰۰۰ سال بعد لیک و دیگر دیرینه شناسان در جنوب شرقی آفریقا پیدا کرده‌اند .

همچون دانشمندان امروزی ، انکی درباره فرگشت بر زمین بسیار اندیشیده . آنچنان که در متون سومری هم بازتاب داشته ، او به این نتیجه رسیده که همان " بذر حیات " ی که نی بی رو داشته از بود گاه قبلی‌اش آورده شده و ظهور حیات را بر دو سیاره ممکن

نموده . مدت‌ها قبل‌تر بر نی بی رو و بعدها بر زمین . زمین بر اثر تصادفی به یکباره بذر دار شده . موجودی که بیش از همه مجذوبش شده یک Apeman بوده که در سطحی بالاتر از دیگر نخستینها قرار داشته ، انسان گونه‌ای که پیش از این راست قامت راه می‌رفته و از سنگ‌های نوک تیز به عنوان ابزار استفاده می‌کرده . انسانی نخستین و نه تا آن زمان انسانی کاملاً رشد یافته و انکی قاعدتاً مجذوب زمینه سازی برای به چالش کشیدن " نمایش خدا " و آزمایش دست‌کاری ژنتیکی شده .

او برای آزمایش‌هایش از نین تی درخواست کرده که به آفریقا بیاید و در کنارش باشد . دلیل رسمی باورکردنی بود چون او افسر فرمانده تیم پزشکی بود ، نامش به معنی " بانوی زندگی " (بعدها او با نام مستعار مامی نامیده شد ، منشاء جهانی ماما / مادر) نظر به شرایط سخت کار طاقت فرسا ، به یقین در آنجا نیاز به خدمات پزشکی وجود داشته اما قضیه بیشتر از این بود . از مدت‌ها قبل‌تر ، انکی و انلیل برای جذابیت‌های جنسی اش رقیب یکدیگر بودند . هردو به وارثی مذكر از ناخواه‌ری نیاز داشتند و او هم همان ناخواه‌ری مورد نیاز بود . هر سه تایی آنها فرزندان آنو حکمران نی بی رو بودند اما نه از یک مادر و طبق قوانین جانشینی آنوناکی (که بعدها توسط سومریان پذیرفته شده و در داستان‌های کتاب مقدسی پدر شاهان / شیوخ انعکاس داشته) پسر ارشد بودن تنها شرط لازم نبوده بلکه پسری که از خواهر ناتنی از همان تبار سلطنتی به دنیا آمده باشد می‌توانسته وارث مشروع باشد .

متون سومری عشق بازی‌های پر حرارت بین انکی و نین تی را با نتایج ناموفق توصیف کرده‌اند . زیرا اولاد به دنیا آمده همگی مؤنث بوده‌اند . در نتیجه چیزی بیش از منفعت علمی منجر به این شده که انکی درخواست دعوت از نین تی را برای واگذاری وظیفه به او مطرح کند . با اطلاع از همه این‌ها ، نباید هنگام خواندن متون خلقت تعجب کنیم که نخست گفته شده که نین تی تنها نبوده . او از راهنمایی‌های انکی برای کمک بهره می‌برده و دوم اینکه اودر آبی زو انجام وظیفه می‌کرده ، جایی که مصالح و امکانات شایسته‌ای در دسترس بوده . در واقع این دو قبل از اینکه پیشنهاد " اجازه دهید یک آدمو شبیه خودمان بسازیم " را به مجمع آنوناکی ارائه کنند مدت‌ها قبل نتایج آزمایش‌های خود را به یکدیگر منتقل می‌کرده‌اند .

برخی متون باستانی " انسان - گاو " هایی را به تصویر کشیده‌اند باتفاق Apeman / میمون انسان نمای عریان یا انسان - پرنده



ابوالهول‌ها - گاوها یا شیرهایی با سر انسان - که بسیاری از معابد باستانی را مزین کرده‌اند ممکن است چیزی بیش از تمثال‌های خیالی بوده باشند . و وقتی بروسوس ، کاهن بابلی ، کیهان زایی و داستان خلقت سومریان را برای یونانی‌ها می‌نوشته او یک دوره ما قبل انسانی را به تصویر کشیده ، وقتی را که انسان با دو بال ظاهر می‌شده یا " یک بدن و دو سر " یا با ترکیبی از اندام‌های تناسلی (آلت جنسی) مرد وزن یا بعضی با پاها و شاخ‌های بز یا دیگر ترکیبات انسان و حیوان .

این موجودات غریب طبیعی نیستند بلکه نتیجه آزمایش‌های عمدی انکی و نین تی از متون سومری سر در آورده‌اند . این متون توصیف می‌کنند که چگونه این دو تا ، موجودی که نه آلت تناسلی مرد وزن را داشته به وجود آورده‌اند . مردی که نمی‌توانسته ادرار کند . زنی که نمی‌توانسته بچه دار شود و مخلوقات دیگری با نقص‌های بسیار .

در نهایت یا یک لمس موزیانه و در نتیجه چالش بر انگیزش گفته نین تی ثبت شده :

**بدن انسان چقدر خوب یا بد است ؟
تا زمانی که قلبم مرا به فعالیت فرا می‌خواند
من می‌توانم سرنوشتش را خوب یا بد رقم بزنم .**

پس از رسیدن به این مرحله ، به جایی که دست‌کاری ژنتیکی به اندازه کافی کامل شده بود که قادر بوده جنبه‌های خوب و بد بدن انسان را مشخص کند . دو استاد می‌توانستند چالش نهایی را حس کنند :
برای ترکیب ژن‌های انسان Apeman نه با دیگر مخلوقات زمینی بلکه با ژن‌های خود آنوناکی همه دانشی را که گرد آورده بودند به کار گرفته‌اند . دو الوهیم دست‌کاری را شروع کرده‌اند و فرایند فرگشت را تسریع نموده‌اند . در هر صورت بدون شک انسان امروزی در نهایت بر زمین پدیدار شده ، درست چون او که بر نی بی رو متولد شده ، هر دو از همان " بذر زندگی " زاده شده‌اند .
اما هنوز راه طولانی و زمان درازی مانده از مرحله‌ای که در ۳۰۰۰۰۰ سال قبل انسان در آن سطح بوده تا به سطح پیشرفت آنوناکی در آن زمان برسد .

اگر - در دوره‌ی ۴ میلیارد ساله - پروسه‌ی فرگشتی فقط یک درصد از این زمان، زودتر بر روی نی بی رو اجرا شده باشد، فرگشت در نی بی رو در مقایسه با زمین، ۴۰ میلیون سال پیشی داشته است. آیا آنوناکی فرگشت را بر روی زمین، یک یا دو میلیون سال جلو انداخته‌اند؟

هیچ‌کس نمی‌توانسته با اطمینان بگوید که چقدر طول کشیده که انسان هوشمند روند تناسل طبیعی بر زمین را از انسان اولیه به گونه خود طی کرده اما مطمئناً چهل میلیون سال زمان بیش از حد کافی به نظر می‌رسد . فرا خوانده شده برای انجام وظیفه " خلق بردگانی برای خدایان " ، " کار بزرگ خردمندان را انجام داده " . به عبارت متون باستانی انکی به نین تی دستورالعمل‌های ذیل را داده :

**با هسته گلی از زیر زمین درست بالاتر از آبی زو مخلوط کن
و شکلش بده به صورت اصلی**

**آنوناکی جوان دانسته بود که باید محصول خوبی ارائه کند .
کسی که موجب شد تا گل به وضعیتی شایسته تبدیل شود .**

در دوازدهمین سیاره من عبارت‌های سومری و آکدی را که معمولاً به " گل " یا " لجن " ترجمه شده‌اند را از منظر لغوی ریشه شناسی کرده‌ام و نشان داده‌ام که آنها از عبارت TII.IT سومری تناسل یافته‌اند و به معنی " آنچه با زندگی است " . و سپس معانی فرضی " گل " و " لجن " و نیز " تخمک " از آن گرفته شده . عنصر زمینی در فرایند " متصل کردن " یک موجود پیش از این موجود " شبیه خدایان " ، تخمک مؤنث یک Apewoman بود .^۴

^۴ . در اینجا تخمک مؤنث از نظر نگارش علمی اشتباه است . چون تخمک به موجود مؤنث تعلق دارد و نیازی به آوردن صفت مؤنث برای تخمک نیست . همان‌طور که اسپرم به مذکر تعلق دارد . م

همه متونی که با این واقعه سرو کار دارند به روشنی مشخص کرده‌اند که نین تی با تکیه بر انکی عنصر زمینی را فراهم آورده . تخمک یک Apewoman مؤنث! از آبی زو از جنوب شرقی آفریقا . در واقع در نقل قول بالا مکان ویژه‌ای معین شده نه عیناً همان پایگاهی که به عنوان معادن از آنها نام برده شده (ناحیه‌ای که در دوازدهمین سیاره به عنوان سمت جنوبی رود زیا شناخته شده ، جایی که اکنون زیمباوه نامیده می‌شود) . مکانی که در بالای آن دورتر در شمال وجود داشته ، در واقع این مکانی است که اخیراً یافته‌هایی بروز داده ، جایی که در آن انسان هوشمند پدیدار شده ...

تکلیف نین تی فراهم آوردن عناصر " یزدانی " بود . دو جوهره مورد نیاز از یکی از آنوناک‌های استخراج شد و یک " خدای " جوان برای این هدف به دقت انتخاب شده بود . دستورالعمل‌های انکی به نین تی مبنی بر این بوده که خون خدا و Shiru^۵ را فراهم کند و با غوطه‌ور کردنشان در یک سیستم " تصفیه " فروهرشان را بدست آورد . آنچه که از خون بدست آمده TE.E.MA نام یافته که بهترین ترجمه آن می‌شود " وجود / ماهیت " عبارتی که بر معنای لغت دلالت می‌کند :

آنچه که باعث می‌شود هر فردی متفاوت از دیگری باشد .

اما ترجمه " وجود " دقت علمی عبارت را منتقل نمی‌کند . اصل سومری آن به معنی " مکانی است که در آنجا یاد آوری قرار می‌گیرد " . امروزه آن را " ژن " می‌نامند . (عامل موجود در کروموزوم که ناقل صفات ارثی است . م) عنصر دیگر ، از آن آنوناک‌های جوان منتخب ، Shiru بود ، که معمولاً ترجمه شده به " گوشت " . در میان معانی ضمنی متنوع ، لغت معنی " گوشت " را به خود گرفته . اما در متون سومری قدیمی‌تر اشاره شده به جنسیت یا اندام‌های تناسلی . ریشه‌اش معنای پایه " برای اتصال " را در خود دارد " آن که پیوند می‌شود " . آنچه که از شیرو استخراج شده در دیگر متونی که با دودمان غیر آنوناک‌های خدایان سروکار دارند به عنوان kisru نام برده شده که از اندام مذکر بیرون می‌آید و به معنی " منی / اسپرم " است . این دو عصاره یزدانی توسط نین تی در ظرف تصفیه مخلوط شده و به یقین این همان است که LULU لقب گرفته (مختلط) . در نتیجه این فرایند مخلوط کردن ، برده بدوی حاصل شده . عبارتی که امروزه برای نامیدن آن به کار می‌رود hybrid / دورگه است .

همه این تشریفات زیر نظر مقررات بهداشتی بسیار سخت گیرانه ای انجام شده . یکی از متون حتی یاد آور می‌شود که چگونه نین تی دست‌هایش را پیش از دست زدن به " گل " می‌شسته . محلی که در آنجا این عملیات انجام می‌شده ساختار ویژه‌ای داشته که در آکدی Bit Shimti نامیده شده ، مشتق شده از SHI.IM.TI سومریان به معنی " جایی که در آن حیات استنشاق شده " . این منبع بدون شک اظهارات کتاب مقدسی را که بعدها مدعی شده آدم از گل ساخته شده تأیید می‌کند . الوهیم در " سوراخ بینی‌اش نفس حیات را دمیده " . عبارت کتاب مقدسی که گاهی اوقات به " روح " ترجمه شده به جای " نفس حیات " Nephesh است . عبارت معادل آن در گزارش آکدی ظاهر شده ، آنچه که " مکانی که در آن نفس حیات دمیده شده " دانسته شده .

بعد از اینکه فرایندهای پالودن و استخراج کامل شده :

انکی ، خدایی که napishtu را تصفیه کرده سخن گفته
نین تی را که در برابرش نشسته بوده راهنمایی نموده
به تقلید ، نین تی نیز افسونش را خوانده
نین تی دستش را در گل فرو برده .

نگاره‌ای بر مهری استوانه‌ای ، متن باستانی به خوبی مصور شده ، انکی را نشسته در برابر نین تی نشان می‌دهد که در حال رهنمود دادن به اوست (کسی که با نمادش بند ناف قابل شناسایی است) . با ظرفی که لوله‌های آزمایش در آن قرار دارد و پشت سرش مشخص است ترکیبی از گل را با " فروهر " های استخراج شده مخلوط می‌کند و هنوز فرایند به پایان نرسیده . تخمک

^۵ در دیکشنری سومری به معنی دوشیزه . م

Apewoman در ظرف مخصوص تصفیه با اسپرم و ژن‌های خدا آنوناکی جوان بارور شده سپس در قالبی ذخیره شده، جایی که "اتصال" کامل می‌شده.



از آنجا که این قسمت از فرآیند مذکور بعداً دوباره در رابطه با تعیین جنسیت موجود مهندسی شده توصیف گشته است، مخاطب ممکن است گمان کند که آن (همان قسمت از فرآیند مذکور) هدف فاز "اتصال" بوده است.

بدینسان مدت زمان تخمک بارور شده که سپس در "قالب" گذاشته شده گفته نشده اما آنچه که انجام شده کاملاً واضح بوده. تخمک بارور شده و قالب‌گیری شده دوباره در رحم زن کاشته شده اما نه در رحم یک Apewoman که در ابتدا به کار گرفته شده بلکه در رحم یک "اله" کاشته شده. آنوناکی مؤنث! تنها پس از آن بوده که نتیجه نهایی حاصل شده! . بعد از آزمایش‌های بسیار و بعد از همه تلاش‌های پر از آزمون خطایشان برای خلق دورگه، انکی و نین تی حال مطمئن شده‌اند. آن‌ها توانسته‌اند از طریق فرآیند باروری تخمک در رحم یکی از زنان خودشان LULU بی نقصی بدست آورند.

سپس آن‌ها یک lulu کامل به دست می‌آوردند، بدین وسیله که یک تخم بارور و فرآوری شده را در رحم یکی از زنان خودشان قرار می‌دادند، آیا این چیزی بود که باعث می‌شد آن زن یک هیولا به دنیا نیاورد و البته زندگی خودش هم در خطر قرار نگیرد؟

از قرار معلوم، آن‌ها نمی‌توانسته‌اند کاملاً مطمئن باشند، و همان‌طور که اغلب برای دانشمندان اتفاق می‌افتد، کسانی که خودشان را به عنوان داوطلب، به جای خوکیچه‌های هندی در معرض اولین آزمایش خطرناک قرار می‌دهند. انکی نیز به آنوناکی‌های گرد هم آمده اعلام کرد که همسر خودش، یعنی Ninki (بانوی زمین) داوطلب این کار شده است. انکی گفت: Ninki، همسر اله من، این رنج را خواهد پذیرفت، او می‌خواهد کسی باشد که سرنوشت موجود جدید را رقم می‌زند.

بیان تقدیر این نوزاد با تو خواهد بود،

نین کی تمثالی از خدایان را رویش استوار خواهد کرد.

و ماحصل، یک "بشر" خواهد بود.

انکی گفت، بانوان آنوناکی که برای خدمت کردن به عنوان اله گان زایش انتخاب شده‌اند، اگر آزمایشات به نتیجه برسد، باید بمانند و رخدادهای را رصد کنند. متن افشا می‌کند که این یک پروسه‌ی ساده و ملایم زاییدن نبوده است.

اله گان زایش در کنار هم نگاه داشته شده بودند،
نین تی جلوس کرده، ماه‌ها را می‌شمارد.
ماه سرنوشت ساز دهم نزدیک بود،
و بالاخره این ماه رسید،
دوره‌ی باز کردن رحم گذشته بود.

ظاهراً درام خلقت انسان با تولد تازه آمیخته شده مستلزم مداخله پزشکی بوده . آنچه انجام شده این بوده که نین تی " سرش را پوشانده " و با وسیله‌ای که شرح آن بر لوح گلی آسیب دیده ، " ساختن " را شروع کرده . این کار در رحم انجام شده . بچه تازه متولد شده را چنگ زده و بیرون آورده ، او از پیروزی‌اش لذت برده . او را بر دست‌هایش گرفته تا همه ببینند .
او فاتحانه فریاد زده :

من خلق کردم !

با دست‌هایم ساختمش !

نخستین آدم متولد شد . تولد موفقیت آمیز خود آدم آنچنان که نسخه کتاب مقدسی هم توصیفش کرده صحت روند را تایید می‌کند و راهی گشوده شده برای تلاش مستمر . حال " گل مخلوط شده " به اندازه کافی تدارک دیده شده بود تا بارداری چهارده اله هم‌زمان شروع شود :

نین تی چهارده قطعه گل را جدا کرده

هفت تا را سمت راست گذاشته

هفت تا سمت چپ

قالب را بین آنها قرار داده

در یک زمان تشریفات مهندسی شده پیدایشی با هفت مذکر و هفت مؤنث انجام شده . ما بر لوح دیگری می‌خوانیم که انکی و نین تی :

خردمند و دانا

چهارده اله زایا را گرد آورده‌اند

هفت مرد و هفت زن آورده شدند

به اله های زایا

نفس دم زندگی دمیده شد .

بنابراین در میان نسخه‌های گوناگون کتاب مقدسی خلقت انسان تضادی دیده نمی‌شود . نخست خود آدم خلق شده . اما پس از آن در فاز بعدی در واقع الوهیم نخستین انسان‌ها را " مرد وزن آفریده‌اند " .

در متون خلقت بیان نشده که تولید انبوه برده‌های بدوی چقدر طول کشیده . در جای دیگری می‌خوانیم که آنوناکی برای برده بدوی بیشتر سر و صدا به راه انداخته‌اند و که در نهایت آنوناکی از Edin – میان رودان – به آ بی زو در آفریقا آمده و به زور تعداد زیادی از برده‌های بدوی را به دام انداخته و برای کاریدی با خود در بازگشت به میان رودان برده . همچنین متوجه می‌شویم که در این

زمان به کلفت‌هایی که دائماً مراقب اله‌های زایا باشند نیاز شده. انکی درگیر دومین مهندسی ژنتیک شده تا دورگه‌ها بتوانند خودشان تولید مثل کنند. اما مجرای مفصل آن را در فصل بعد می‌توانید بخوانید.

فقط به این فکر کنید که این متون باستانی از زمانی بیش از هزار سال پیش به دست ما رسیده است، و باید کاتبان کهن را ستود، کسانی که این متون بسیار باستانی (حتی نسبت به زمان خودشان باستانی) را ثبت و ضبط و تکثیر و ترجمه کردند، که البته احتمالاً واقعاً نمی‌دانسته‌اند که این اصطلاح و آن عبارتهای فنی در اصل به چه معنی بوده‌اند، اما همواره به طور مصرانه‌ای بر "سنتی" که بیشترین حد باریک بینی و وسواس را در ترجمه و تفسیر متون کپی شده "لازم داشته‌اند"، متفق بوده‌اند.

خوشبختانه چون وارد آخرین دهه قرن بیستم، دوران به اشتراک گذاشتن اطلاعات شده‌ایم می‌توانیم از علم بهره ببریم. مکانیک تکثیر سلولی و کپی برداری از انسان، کار ویژه کد ژنتیک، باعث و بانی بسیاری از عیب‌ها و بیماری‌های موروثی را بر ما معلوم نموده. همه این‌ها و بسیاری از فرایندهای بیولوژیک حال قابل فهم شده‌اند. شاید هنوز نه به شکل کامل اما به اندازه کافی به ما اجازه می‌دهد که گزارش باستانی و داده‌هایش را بررسی کنیم. با همه دانش مدرنی که در اختیار ماست چه نظری می‌توان درباره این اطلاعات باستانی داشت؟ این همه داستان‌هایی هستند تخیلی و امکان‌ناپذیر یا شیوه‌ها و فرایندهایی که با چنین دقتی در به کار گیری واژگان فنی توصیف شده‌اند تأیید و تصدیق علم مدرن را به همراه دارند؟ پاسخ مثبت است و این همه راهی است که امروزه طی و در واقع در سال‌های اخیر انجام شده.

امروزه می‌دانیم که داشتن چیزی یا کسی "زاده شده" در "تمثال" و "تشابه" با یک موجود زنده، (خواه درخت، موش یا انسان)، موجود دختری (در زیست‌شناسی به موجود حاصل، جدا از جنسیت، موجود دختری می‌گویند و به موجود اولیه، موجود مادری م.)، باید ژن‌های خالق خود را داشته باشد. در غیر این صورت، موجودی کاملاً متفاوت پدید خواهد آمد. تا چند دهه‌ی پیش، همه‌ی آنچه علم بدان آگاهی داشت، این بود که چند سری از کروموزوم‌ها وجود دارند که پنهانی در تک‌تک سلول‌های زنده، در تکاپو هستند، که خصیصه‌های فیزیکی و ذهنی-عاطفی، والدین را به موجودی که زاده خواهد شد منتقل می‌کنند.

اما اکنون می‌دانیم که کروموزوم‌ها تنها بر روی رشته بلند DNA منشعب می‌شوند. با تنها چهار نکلئوتید در قطب مخالف، DNA می‌تواند با ترکیبات بی‌شماری دنبال شود، در بسط‌های کوتاه و یا بلند که با پیام‌های شیمیایی مبنی بر توقف یا ادامه‌ی دستورالعمل‌ها پراکنده شده‌اند. (و یا حتی مشاهده شده است که دیگر کاری نمی‌کند) منظورش احتمالاً خاموش شدن است که در بیولوژی مصطلح است. م.) آنزیم‌های تولید شده به عنوان همه‌کاره‌های شیمیایی فعالیت و پروسه‌های شیمیایی را راه‌اندازی و ریونکلوئیک اسیدها را در انجام اعمالشان مشایعت می‌کنند و با تولید پروتئین‌ها برای ساخت جسم و ماهیچه‌ها هزاران سلول مختلف یک موجود زنده را تولید، سیستم‌امینی را فعال، و البته به موجود زنده کمک می‌کنند نسلی شبیه خودش را تولید کند.

امروزه سر آغاز مبحث ژنتیک اعتبارش به گریگوری یوهان مندل^۷ می‌رسد. راهبی اتریشی که دورگه پروری را با گیاهان آزمایش کرده. او مطالعات خود را در رابطه با صفات ارثی مشترک نخود فرنگی در ۱۸۶۶ منتشر نمود. او نوعی مهندسی ژنتیک را در

^۶. فصل نهم باز بینی پیدایش تحت عنوان "مادری به نام حوا". م.

^۷. یوهان گریگور مندل به آلمانی Johann Gregor Mendel: کشیشی اتریشی است که به عنوان پدر دانش ژنتیک نوین شناخته می‌شود. گریگور مندل در سال ۱۲۴۴ توانست قوانین حاکم بر انتقال صفات وراثتی را که حاصل آزمایش‌هایش روی گیاه نخود فرنگی بود، شناسایی کند. ولی از آنجایی که در جامعه علمی آن زمان بسیاری از افراد با نفوذ همچنان نظریات داروین و لامارک را صحیح می‌پنداشتند به دیدگاه‌ها و کشفیات او اهمیت چندانی ندادند و نتایج کارهای مندل به دست فراموشی سپرده شد. به نظر می‌رسید، پرونده این دانش‌رو به بسته شدن است. در سال ۱۹۰۰ میلادی کشف مجدد قوانین ارائه شده از سوی مندل، توسط درویس، شرماک و کورنر باعث شد که نظریات او مورد توجه و قبول قرار گرفته و مندل به عنوان پدر علم ژنتیک شناخته شود. بعد از کشف مجدد کارهای مندل در ابتدای این قرن، خیلی سریع به این موضوع پی برده شد که اصول اساسی وراثت که وی در نخود کشف کرده بود در گونه‌های گیاهی و جانوری دیگر نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. م.

باغبانی علمی به کار گرفت (از طریق کشت گل‌ها ، سبزیجات و میوه‌ها) با عملی که پیوند زدن نامیده شده . یعنی صفات مطلوب برخی گیاهان از طریق برش به گیاه گیرنده اضافه می‌شود .



یوهان مندل

پیوند زدن در سال‌های اخیر در قلمرو حیوانات هم انجام شده ، البته با نتایج محدود بین دهنده و گیرنده ، آن هم به خاطر اینکه سیستم ایمنی بدن آن عضو پیوندی را رد می‌کند . شواهد دیگر که در سطح وسیع‌تری قابل درک است فرایندی است که **Cloning** / شبیه سازی نامیده شده . زیرا هر سلول – آنچه که ما سلول انسانی می‌نامیم – حاوی همه داده‌های ژنتیکی مورد نیاز برای تکثیر انسان است . این سرچشمه بخشنده بالقوه در درون تخمک ، موجودی همانند را برای والدینش متولد می‌کند . کپی کردن راهی را برای تولید بی انتهای اینشتین‌ها یا خدا به داد ما برسد هیتلرها فراهم می‌کند . امکانات آغازین شبیه سازی با گیاهان آزمایش شد تا آنجا که متد پیشرفته‌ای جایگزین پیوند شدن شده . در واقع عبارت **Cloning** / شبیه سازی از عبارت **klon** یونانی به معنی " ترکه " مشتق شده . فرایندی که با مفهوم کاشتن فقط یک سلول مطلوب از گیاه دهنده در گیاه گیرنده آغاز می‌شود . این تکنیک سپس به مرحله‌ای از پیشرفت رسید که دیگر به هیچ گیاه پذیرنده‌ای نیاز نبود . همه آنچه باید انجام می‌شد این بود که سلول مورد نظر را در محلولی از مواد مغذی تغذیه کنند تا رشدش شروع و تقسیم شود و نهایتاً یک گیاه کامل را شکل دهد . در دهه‌ی هفتاد ، بارقه‌ی امیدی که به این پروسه تایید این بود که کلیه درخت‌های جنگلی که برابر با یک گونه خاص مورد نظر بود را می‌شد در لوله آزمایش خلق کرد و بعد در بخش‌های جزئی به محل مورد نیاز انتقال داد و کشت کرد تا رشد کنند .

تطبيق این تکنیک از گیاهان به حیوانات مهارت بیشتری می‌طلبد . نخست اینکه شبیه سازی ، درگیر تولید مثل غیر جنسی می‌شود (فاقد تماس جنسی) . در حیوانات تولید مثل از طریق بارور شدن یک تخمک با اسپرم انجام می‌شود . سلول‌های تناسلی / جنسی^۸ (تخمک و اسپرم) از همه سلول‌های دیگر متفاوت هستند زیرا شامل همه کروموزم‌های جفت نمی‌شوند (که حامل ژن‌ها بر ستاک‌ها هستند) بلکه فقط یکی از هر کدام را آماده می‌کنند^۹ .

^۸ . سلول‌های جنسی توسط نوع خاصی از تقسیم سلولی به نام میوز ساخته می‌شوند. در اثر این تقسیم سلول‌های هاپلوئید ایجاد می‌شوند. این تقسیم فقط در اعضای تناسلی، یعنی بیضه‌ها و تخمدانها در جانوران، و بساکها و تخمک‌های گیاهان، انجام می‌شود. سلول‌های جنسی فقط یک مجموعه کروموزوم دارند، در حالی که همه سلول‌های دیگر یک موجود زنده دو مجموعه کروموزوم دارند. وقتی تخمک جنس ماده و اسپرم جنس نر در عمل لقاح با هم ترکیب می‌شوند، تبدیل به یک سلول می‌شوند که دوباره همان دو مجموعه کروموزوم (دیپلوئید) را دارد. این سلول تبدیل به یک موجود زنده جدید می‌شود. م

^۹ . به محل هر ژن روی کروموزوم لوکوس می‌گویند. از آن جایی که کروموزوم‌ها به صورت جفت قرار دارند به هر کدام از این جفت‌های کروموزومی، کروموزوم‌های همولوگ می‌گویند. به هر کدام از رشته‌های کروموزومی در یک کروموزوم دو رشته‌ای کروماتیدهای خواهری می‌گویند. ژن‌ها به صورت

بنابراین در یک تخمک انسانی بارور شده (ovum) چهل و شش کروموزوم مورد نیاز وجود دارد که بیست و سه تای آن از طرف مادر (از راه تخمک) و نیمی از آن از پدر (از طریق اسپرم) فراهم می‌شود. برای عمل شبیه سازی، کروموزوم های درون تخمک می‌بایستی با جراحی حذف شده و مجموعه کاملی از نرو ماده در عوض جاسازی شود نه فرم یک اسپرم مذکر بلکه فرم هر نوع دیگری از سلول انسانی. اگر این همه با موفقیت انجام شود و تخمک در رحم قرار گیرد، مرحله نخست انجام شده، سپس جنین شکل می‌گیرد و به بچه تبدیل می‌شود. نوزاد ممکن است شبیه به کسی باشد که از تک سلول رشد کرده. دیگر مشکلات ذاتی این روند که جزئیات تکنیکی زیادی را شامل می‌شود به کمک آزمایش‌های متعدد پشت سر نهاده، ابزارها بهینه و در فهم ژنتیک پیشرفت حاصل شده. یک یافته‌ی جالب توجه که به روند آزمایشات کمک کرد این بود که مورد جوان تر، یعنی منبع هسته‌ی پیوند شده، شانس بیشتری برای موفقیت داشت.

در ۱۹۷۵ دانشمندان بریتانیایی در شبیه سازی قورباغه از سلول بچه قورباغه موفقیتی را کسب کردند. فرایندی که نیازمند حذف هسته مرکزی تخمک قورباغه و جایگزینی‌اش با هسته سلول بچه قورباغه بود. چون سلول‌های مورد بحث به طور قابل ملاحظه‌ای از سلول‌های انسانی بزرگ‌تر هستند احتمالاً این عمل از طریق microsurgery انجام شده.

در ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ دانشمندان چینی و آمریکایی، مدعی شبیه سازی ماهی با روشی مشابه شده‌اند. بر حشرات نیز چنین آزمایش‌هایی انجام شده. وقتی آزمایش به پستانداران کشیده شد، موش‌ها و خرگوش‌ها بخاطر چرخه‌های تناسلی کوتاهشان انتخاب شدند. در رابطه با پستانداران مشکل نه فقط پیچیدگی هسته سلول سلول‌هایشان بلکه همچنین الزام کاشت تخمک باردار شده در رحم بوده. وقتی که هسته مرکزی تخمک که توسط جراحی قابل حذف نبود توسط پرتو افکنی حذف شد نتایج بهتری بدست آمد. وقتی هسته‌اش با روش شیمیایی "خارج" و هسته جدید با روش شیمیایی جایگزین شد متعاقباً نتایج حتی بهتری هم حاصل شد. پروسه از طریق آزمایش بر تخمک‌های خرگوش توسط J. Derek Bromhall از دانشگاه آکسفورد گسترش پیدا کرد که اکنون تحت عنوان گداز شیمیایی شناخته شده. دیگر آزمایش‌های مربوط به شبیه سازی موش‌ها ظاهراً معلوم نموده که برای شروع به تقسیم، تخمک پستاندار بارور می‌شود و حتی مهم‌تر اینکه برای شروع فرایند تفکیک (در سلول‌هایی که به اجزاء متفاوت بدن اختصاص دارند) بیشتر از مجموعه کروموزوم‌های فرد دهنده نیاز است.

با ادامه آزمایش‌ها در Markaret, Clement L., Yale، نتیجه گیری کرد که چیزی در اسپرم وجود دارد که این پروسه را ترقی داده است، چیزی به اضافه‌ی کروموزوم‌ها، به این ترتیب که "احتمالاً اسپرم در مشایعت یک مهمیز ناشناخته است که رشد تخمک را تحریک می‌کند." برای پیش گیری از الحاق کروموزوم‌های اسپرم با کروموزوم‌های تخمک (که می‌توانسته منجر به باروری طبیعی به جای شبیه سازی شود) یک مجموعه، درست پیش از آغاز ادغام برداشته شد و مجموعه باقی مانده از طریق ابزارهای فیزیکی و شیمیایی تحریک شد تا خودش را دو برابر کند.

اگر کروموزوم‌های اسپرم برای نقش متأخر انتخاب شوند جنین می‌تواند مذکر یا مؤنث شود اما اگر مجموعه تخمک انتخاب و تکثیر شود جنین فقط مؤنث خواهد شد. وقتی مارکت آزمایش‌هایش را بر مبنای متد انتقال هسته‌ای ادامه می‌داده، دو دانشمند دیگر - Peter C. Hoppe و Karl Illmensee - در ۱۹۷۷ در آزمایشگاه جکسون در Bar Harbor موفقیت زایش از هفت موش والد مجرد را اعلام کردند.

جفت قرار دارند یعنی از هر ژن روی هر کروموزوم هم‌تا یک کپی وجود دارد که به آنها الل می‌گویند. این الل‌ها می‌توانند دقیقاً یکسان باشند که آن‌ها را هموزیگوت می‌نامند و می‌توانند با هم متفاوت باشند که آن‌ها را هتروزیگوت می‌نامند. م

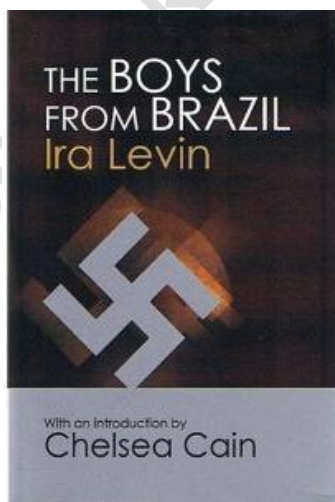
۱۰. ریزجراحی یا جراحی میکروسکوپی (به انگلیسی: Microsurgery)، اصطلاحی عمومی برای جراحی‌های نیازمند به میکروسکوپ است. بارزترین پیشرفت‌ها روش‌هایی بوده که برای امکان هم‌دهانی رگ‌های خونی و عصب‌های بسیار ریز (معمولاً ۱ میلی‌متر در قطر) توسعه یافته که امکان انتقال بافت از یک بخش بدن به دیگری و بازپیوند بخش‌های قطع شده را فراهم می‌کند. هرچند جراحی میکروسکوپی بیش‌تر در جراحی پلاستیک به کار می‌رود، اما امروزه از روش‌های جراحی میکروسکوپی توسط همه تخصص‌ها بهره برده می‌شود، به‌ویژه آن‌هایی که با جراحی ترمیمی سروکار دارند مانند: جراحی عمومی، جراحی استخوان‌پزشکی، جراحی زنان و زایمان، جراحی گوش و حلق و بینی، جراحی مغز و اعصاب، جراحی فک و صورت، جراحی اطفال.

این پروسه، به هر حال به نسبت کلنی سازی، یک parthenogenesis / بکر زایی^{۱۱} طراحی شده با دقت بالا بود، چرا که کاری که آزمایشگران انجام دادند این بود که سبب شوند کروموزوم‌های موجود در تخم یک موش ماده، دو برابر شود، و تخم را با یک سری کروموزوم کامل در محلول‌های مخصوصی نگهداری کنند. و سپس وقتی سلول چندین بار تقسیم شد، سلول خود بارور شده را به رحم یک موش ماده معرفی کنند. بدین معنی که، موش پذیرنده، می‌بایست یک ماده موش دیگری باشد، نه همان موشی که تخمش استفاده شده است.^{۱۲}

در ۱۹۷۸ انتشار کتابی که شرح می‌داد چگونه یک میلیونر آمریکایی عجیب و غریب در جستجوی جاودانگی، فرایند شبیه سازی را تدارک دیده و خود را غرق کرده و مرده، سرو صدای زیادی به پا کرد.^{۱۳} کتاب ادعا کرده که هسته یک سلول از میلیونر برداشته و وارد تخمک شده. حاملگی را یک داوطلب مؤنث انجام داده و تولد موفقیت آمیز بوده. پسری که به دنیا آمده از هر جهت در سلامتی کامل به سر می‌برده و تا زمان انتشار گزارش، چهارده ماهش شده بود.

اگر چه گزارشی که کتاب ارائه نموده واقعی بوده اما این داستان با نابوری مواجه شده. شک و تردید جامعه علمی در واقع برای امکان ناپذیری آن نبوده چون همه می‌دانستند که بالاخره روزی در آینده نزدیک این امر تحقق خواهد یافت بلکه به این خاطر بوده که این موفقیت توسط گروهی ناشناخته در کارائیب بدست آمده، آن هم زمانی که بهترین محققان دست خالی مانده‌اند. این زمانی بوده که بکرزایی موش‌ها با موفقیت انجام شده اما درباره موفقیت آمیز بودن شبیه سازی یک نر بالغ شک وجود داشت چون همه آزمایش‌ها نشان داده که سلول دهنده مسن‌تر شانس موفقیتش بسیار پایین‌تر است.

خاطره بشری به خاطر شعار "نژاد برتر" که توسط آلمان نازی تبلیغ می‌شده به شکل وحشتناکی آسیب دیده و آسیب آن هنوز از بین نرفته و حتی احتمال انتخاب انسان شبیه سازی شده برای اهداف شیطانی وجود دارد (موضوعی که در رمان پر فروش پسری از برزیل اثر Ira Levin مطرح شده) این دلایل کافی بوده تا مسیر دست‌کاری ژنتیکی رهرو چندانی نداشته باشد. گزینه دیگری که جایگزین "آیا بشر باید نقش خدا را بازی کند؟" شد، ایده‌ی اعتراضی بود که شاید بتوان آن را: "آیا علم می‌تواند جای همسر بنشیند؟" نامید. پروسه‌ای که منتج به پدیده‌ی "بچه‌های آزمایشگاهی" حاصل از لقاح مصنوعی شد.



^{۱۱} در هر جاندار، اعم از اینکه تک جنسی باشد یا هرمافرودیت، بسیار اتفاق می‌افتد که نتوانند جفت مناسبی پیدا کنند. بیشتر چنین گامتهای ناموفقی پس از اندک زمانی متلاشی می‌شوند. اما در موارد استثنایی، گامتهای منفرد می‌توانند رشد کنند و افراد بالغ طبیعی به وجود آورند. این پدیده را بکرزایی (Parthenogenesis) گویند. از آنجا که هیچ جاندار نری در این نوع تولید مثل شرکت ندارد تا ماده ژنتیک خود را به اشتراک بگذارد، فرزندان حاصل کاملاً شبیه مادر هستند و در واقع یک کلون هستند. در طبیعت کلونها در نتیجه تولید مثل غیر جنسی پدید می‌آیند. بکرزایی، شکل ویژه‌ای از کلون کردن است که به انواع تولید مثل تعلق دارد. م

^{۱۲} یک اشتباهی که اینجا انجام می‌شود این است که سیچین گامت ماده را "تخم" یا egg خطاب می‌کند، در حالی که نام سلول جنسی ماده تخمک است و Ovum عبارت انگلیسی آن است، پس از لقاح/طبیعی، مصنوعی/خودلقاحی سلول تخم یا egg یا به اصطلاح زیگوت شکل می‌گیرد. م

^{۱۳} اسمی از این کتاب در متن نیامده و جستجوی ما هم بی نتیجه ماند. م

پژوهش انجام شده در دانشگاه A & M University تگزاس در ۱۹۷۶ نشان داده که حذف جنین از یک پستاندار (در این مورد یک عنتر) طی پنج روز تخمک گذاری و کاشت دوباره در زهدان / رحم عنتر دیگری شدنی است . آن هم انتقالی که منجر شده به بارداری موفقیت آمیز و تولد بچه . محققان دیگر ، راههایی را هم پیدا کرده‌اند برای استخراج تخمک پستانداران کوچک و بارور کردنشان در لوله‌های آزمایش .

این دو فرایند که طی آن جنین برای باروری به آزمایشگاه منتقل شده رویدادی است که در سوابق پزشکی در ۱۹۷۸ ثبت شده . وقتی که لوئیس براون در اولدهام در بیمارستان عمومی ناحیه در شمال غربی انگلستان متولد شده . اولین همه‌ی بچه‌های آزمایشگاهی، {او} در یک لوله‌ی آزمایش بارور شده بود، نه به وسیله‌ی پدر و مادرش، بلکه به کمک تکنیکی که توسط دکتر پاتریک استپتود و رابرت ادوارد به کار گرفته شده بود. شش ماه پیش‌تر، آن‌ها ابزاری با یک سر چراغ دار استفاده کرده بودند تا تخمک بالغ را از تخمدان خانم براوون بیرون بکشند. سپس آن را در یک ظرف حاوی مواد مغذی حیاتی غوطه‌ور ساختند. آن طور که دکتر ادوارد عنوان کرد، تخمک استخراج شده با اسپرم شوهر ادغام شده بود.

یک‌بار دیگر بارور کردن تخمک با اسپرم موفق بوده و تخمک به ظرفی شامل مواد مغذی دیگر منتقل شده ، جایی که تقسیم شدن را آغاز کند . بعد از پنج ساعت به هشت قسمت تقسیم شده و در این مرحله تخمک دوباره در رحم خانم براوون کشت شد و با مراقبت و درمان ویژه ، جنین به شایستگی رشد نمود و زایمان به شکل سزارین به خوبی انجام شده و زوجی که پیش از این به علت معیوب بودن لوله‌های رحم زن نمی‌توانستند بچه دار شوند حال یک دختر سالم داشتند . متخصص زنان و زایمان در حالیکه عمل سزارین را انجام می‌داد و به بیرون آمدن بچه کمک می‌کرد فریاد می‌زند :

ما یک دختر داریم یک دختر درست و حسابی !

و بسیار پیش‌تر از این وقتی نین تی حامله شده و با سزارین آدم را به وجود آورده فریاد زده :

ساختمش ، با دست‌های خودم خلقش کردم !

همچنین یاد آور گزارش‌های باستانی است از مسیر طولانی آزمون و خطاهایی که انکی ونین تی انجام داده‌اند و در واقع موفقیت لوئیس نوزاد بعد از دوازده سال آزمون و خطا ممکن شده است . در ضمن اینکه جنین و حتی نوزادان معیوب از کار در می‌آمده اند .



مسلماً آنچه که برای دکترها و محققین نامعلوم بود، این واقعیت بود که در کشفیاتی که دنبال می‌کرده‌اند، برای نائل شدن به موفقیت، افزودن سرم خونی به ترکیب اسپرم ها و مواد مغذی واجب بوده است. (روش بسیار مشابهی که انکی و نین تی به کار گرفته

بودند) . اگر چه این شاهکار برای نازایی روزنه امیدی را گشوده (با ابعادی چون مادر جایگزین ، انجماد جنین ، بانک نطفه و گرفتاری های حقوقی جدید) این فقط مشابه شاهکاری بوده که مدت ها پیش از این توسط انکی و نین تی انجام شده ، در عین حال تکنیک هایی به کار گرفته شده که ما در متون باستانی درباره آنها خوانده ایم ؛ درست آنچنان که متون سومری بر آن تأکید داشته اند ، دانشمندان درگیر انتقال هسته به تازگی متوجه شده اند که دهنده نر باید حتماً جوان باشد .

بارزترین تفاوت بین کودکان مختلف آزمایشگاهی و آنچه که متون باستانی توصیف کرده اند این است که در مورد اخیر ، جریان طبیعی تولید مثل سرمشق قرار گرفته ، بدین نحو که اسپرم مردانه انسان تخمک مؤنث انسان را بارور و در رحم رشد می کند . در مورد خلقت آدم ، مصالح ژنتیکی از دو نوع متفاوت (حتی اگر نه شبیه هم) مخلوط شده تا یک گونه جدید خلق شود . قرار گرفته جایی ما بین دو پدر و مادر .

در سال های اخیر، دانش نوین پیشرفت های قابل توجهی در زمینه هایی همچون دست کاری ژنتیکی داشته است. به کمک تجهیزات بسیار پیچیده، کامپیوترها، و ابزارهای دقیق تمام وقت ، دانشمندان توانسته اند کدهای ژنتیکی ارگانسیم های زنده را بخوانند حتی تا حد کدهای ژنتیکی انسان. نه تنها ممکن شده است که حروف AGTC و AGCU از DNA که به واقع الفبای ژنتیک هستند را بخوانیم، بلکه می توانیم کلمات سه حرفی یک کد ژنتیکی را بشناسیم (مثل GGG،GCC،AAT،AGG، و الی آخر در ترکیبات بی شمار) و به علاوه قسمت هایی از رشته های DNA که ژن ها را تشکیل می دهند، به تفکیک کاری که انجام می دهند، به عنوان مثال، برای تعیین رنگ چشم، جهت دادن به رشد و یا انتقال یک بیماری ارثی.

همچنین دانشمندان دریافته اند که برخی از کلمات کدها، تنها به عنوان هدایت گر پروسهی رونوشت فعالیت می کنند، یعنی که رونوشت در کجا آغاز و در کجا پایان یابد. کم کم دانشمندان توانستند کدهای ژنتیکی را در صفحه ی یک کامپیوتر رونویسی کنند و در نسخه ی چاپی، علامت های شروع و توقف را شناسایی کنند. مرحله خسته کننده بعد، یافتن کارکرد هر یک از تکه ها یا ژن ها بود- که در باکتری اشرشیا کلای، تقریباً ۴۰۰۰ و در نوع انسان بیش از ۱۰۰۰۰ را شامل می شد.

```

DAGATCAACCAATGTTGCTAGAAAGCCAAKCCAAACCAATGTCATCCAGAACTGGTCCAAAGCGG 300
Q I T R V V R A N D P V T I Q R N C E R 100
-----
GGCCGCAAGCACTGCAAGAAGCCATGCCCACTTTGTGATPCCCTACCGCTACTTATGTTGTT 340
S R R D C E T R F S E V I E T Y E C L V Q 120
-----
GAGTTTTRAGTGTGTCCTCTCTCTTCTGACAAATGCAAAATTTCTACACCACGACAGG 420
E F V S D A L L L V P D R C E F L H Q E R 140
-----
ATGGATGTTTGGGAAACTCACTTCTCACTGGCCACACCTTGGCCAAACAGACATGCACTGAG 480
H D V C E T R L R W R T Y A E E T C E E 160
-----
AAGAGTACCAACTTCACTACTACGGCACTTGTGCTGGCTTGGCAATTCGACAAGTTCGCA 540
S E T R L R D F G R L L V C G I D E F R 180
-----
GGGTAGAGTTTGTGTGTGTGGCCACTGCTGAAAGAACTGCAAAATGGAGTTCCTACTGAT 600
G Y E F V C C P L A E E E D M V D S A D 200
-----
GGGAGGAGAGATGATGCAATGGTGGTGGTGGGAGGAGAGACACAGACTATGCAAGTGGG 660
A E E D D S D V W H G G A D T D T A D G 220
-----
AGTCAGACAAATGATGAAATGACAGAGAGAGAAAGTGGCTTGAAGTGGAGAGAGAA 720
S E D E V V E V A E E E V A E V E E E 240
-----
GAAGCCGATGATGAGAGAGAGATGAGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATG 780
E A D E D D D D D G D E V E E E A E E 260
-----
CCCTACGAGAGAGCCACAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAG 840
P E E E T E T T T A T T T T T T T T 280
-----
GATTTTGTGCAAGCTGATTTTGCAGAGTGGTGGTGGTGGTGGTGGTGGTGGTGGTGGTGGT 900
E E V E V V E V E V C E E G A E T G P C 300
-----
CGAGCAATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGAT 960
R A R I E R R F F V V T R C K C A P P F 320
-----
TAGGGGATTTGGGGCAAGGGAGCAATTTTACAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAG 1020
F G C C G R R R R P T Y E E T C H A V 340
-----
TGTGGAGCCCAATTTCTACAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAGAG 1080
C G E A I P T T A E E T P D A V D E F L 360
-----
GAGACACTGGGATGAGAAAGAGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGATGAT 1140
E T P C D E R E N A R F Q E A E E L E 380

```

طرح‌هایی که اکنون در جریان هستند، ایجاد نقشه‌ی کامل آرایش ژنتیکی انسان، (پروژه‌ی ژنوم) می‌باشد، عظمت این کار، و گستره‌ی دانشی که تاکنون به دست آمده است، را می‌توان به این واقعیت افزود که اگر DNA از تمام سلول‌های انسان استخراج و در جعبه‌ای گذارده می‌شد، این جعبه تنها به بزرگی یک حبه یخ می‌شد، اما اگر رشته‌های پیچیده‌ی DNA را باز می‌کردیم، رشته‌ی ما بیش از ۷۵ میلیون کیلومتر طول می‌داشت... (یعنی اینکه درست است که DNA مولکول کوچکی است، اما خواندن آن [باز کردن رشته‌ها و رمزگشایی کدها] کار بسیار دشواری است. م.)

با وجود این پیچیدگی‌ها، به کمک آنزیم‌ها، قطع رشته دی ان ای در مکان‌های مورد نظر ممکن شده و حذف یک " جمله " باعث می‌شود تا یک ژن و حتی یک ژن بیگانه وارد دی ان ای شود. با استفاده از این روش‌ها، صفات نامطلوب (آن‌هایی که باعث بیماری می‌شوند) می‌توانند حذف شده و به جای آن صفات مطلوب (مانند ژن هورمون رشد) اضافه شوند.

پیشرفت در درک و دست‌کاری این شیمی اساسی زندگی در سال ۱۹۸۰ با اعطای جایزه نوبل در شیمی به والتر گیلبرت از دانشگاه هاروارد و فردریک سِنگر از دانشگاه کمبریج برای توسعه روش‌های سریع در خوانش بخش‌های اعظم از دی ان ای به رسمیت شناخته شد و به پل برگ از دانشگاه استنفورد برای کار پیشگام در ژن اسپلایسینگ عطا شد.

یکی دیگر از واژه‌های مورد استفاده برای روش Recombinant / باز ترکیب، دی ان ای است. زیرا پس از اسپلایسینگ، دی ان ای با بخش‌های به تازگی معرفی شده از دی ان ای باز ترکیب شده است. این امکانات، ژن تراپی (درمان توسط ژن) را به شکل حذف یا تصحیح سلول‌های ژن‌هایی که باعث نواقص بیماری‌های ارثی می‌شوند ممکن می‌کنند. این همچنین بیوژنتیک را ممکن می‌کند:

تحریک باکتری‌ها یا موش‌ها از طریق دست‌کاری ژنتیکی برای ساخت یک ماده شیمیایی مورد نیاز (مثل انسولین) برای درمان پزشکی. چنین شاهکار تکنولوژیک باز ترکیبی نیز ممکن است زیرا دی ان ای تمام موجودات روی کره زمین ساختار یکسانی دارد، آنچنان که یک رشته دی ان ای باکتری می‌تواند قطعه‌ای از دی ان ای انسان را بپذیرد یا با آن باز ترکیب شود. (محققان آمریکایی و سوئیسی در جولای ۱۹۸۴ از کشف یک قطعه دی ان ای که بین انسان و حشرات و کرم‌های خاکی و ماکیان و قورباغه‌ها مشترک بوده خبر داده‌اند که تأییدی است بر منشاء ژنتیکی یگانه همه حیات بر زمین).

هیبرید (دورگه) ای چون قاطر که زاده خر و اسب است می‌تواند با جفت‌گیری این دو به دنیا آید چون آنها دارای کروموزم‌های مشابه هستند (با این حال دورگه‌ها نمی‌توانند بزایند). گوسفند و بز اگرچه خویشاوندی‌های آنچنان دوری ندارند با این حال به دلیل خویشاوندی‌های ژنتیکی شان نمی‌توانند به طور طبیعی جفت‌گیری کنند. آمیزش آزمایشی، موجود حاصل از آنها را به شکل geep در آورده.



گوسفندی با لباس پشمی اما با شاخ‌های بز. موجودات موزاییک یا مخلوط شده، کایمرا نامیده می‌شوند؛ همچون هیولایی در اساطیر یونان که بالا تنه شیر را داشته و قسمت میانی او شبیه بز بوده و دم اژدها را داشته.



شاهکاری که از طریق Cell Fusion / هم جوشی سلولی بدست آمده . هم جوشی جنین گوسفند و جنین بز در مرحله‌ای از تقسیمات اولیه‌شان که هر کدام به چهار سلول تقسیم شده‌اند . سپس مخلوط با مواد مغذی در لوله آزمایش قرار گرفته تا زمانی که جنین مخلوط شده به رحم گوسفندی که به عنوان مادر جانشین عمل می‌کند منتقل شود . در چنین هم جوشی‌های سلولی ، نتیجه قابل پیش بینی نیست (حتی اگر اولاد مناسب رشد متولد شود) . این مسأله‌ای است که کاملاً به شانس بستگی دارد . جایی که ژن در پایان برکروموزوم قرار خواهد گرفت و آنچه که تصاویر و تشابهات خوانده می‌شود از سلول دهنده برداشته خواهد شد .

شکی وجود ندارد که هیولاهای اساطیری یونانی ، همچون Minotaur مشهور از کرت (جانوری که نیمی از بدنش گاو و نیم دیگرش انسان بود) یادآور داستان‌هایی است که از طریق کاهن بابلی بروسوس به یونان منتقل شده و منابع اش متون سومری مربوط به آزمون و خطاهای انکی و نین تی بوده که همه گونه های کایمرا را تولید کرده‌اند .^{۱۴}

پیشرفت‌های ژنتیک، به نسبت مسیر های نامعلوم کایمرا ها، بستر های دیگری را در دانش بیوتکنولوژی فراهم کرده است، بدینسان فعالیت‌هایش بر مبنای شواهد است، علم نوین روش عمل جایگزینی را که انکی و Ninti به کار بستند را دنبال کرده است (اگرچه که بسیار دشوارتر) به وسیله‌ی جدا کردن و اضافه کردن قطعات رشته‌های ژنتیکی ، و یا نوترکیبی، می‌توانیم ویژگی‌های به خصوصی را که می‌خواهیم، حذف، اضافه و یا جایگزین کنیم را مشخص و دنبال کنیم. برخی از نشانگان اختصاصی در این پروسه از مهندسی ژنتیک، انتقال ژن‌های باکتری به گیاهان بود، تا گیاه را به نوع خاصی از بیماری‌ها مقاوم کنند، بعدها در سال ۱۹۸۰، انتقال ژن‌های باکتری خاصی به موش خانگی شروع شد.

^{۱۴} . دیوان مشکوک دیگری نیز بودند که باید آنها را شناخت . این اجنه شرور از جهان زیرین صادر می شدند یا از **زرداب** انکی تجلی می یافتند و آدمیان را به بیماری می افکندند و آنان را به اعمال جنایت بار و می داشتند ؛ میان خانواده ها نفاق می افکندند و گله ها را از میان می بردند . آنان به راستی با " توفانی که خشم گنانه در آسمان ها به غرش در می‌آید " یا با " باد برخیزنده ای که روشنایی روز را به ظلمت می افکند " قابل قیاس اند . راهی برای خشنود کردن آنان نبود ، " زیرا پذیرای نماز و نیایش نبودند . " پیش از این گفتیم که هیچ احترامی برای ایزدان قابل نبودند و جرئت یافتند که با سین (ایزد ماه) بستیزند و نور برکت بخشنده اش را به محاق افکنند . این ارواح پلید واقعاً که بودند ؟ درباره ی آنان هیچ نمی دانیم مگر این که " آنان همسر اختیار نمی کنند و فرزند نمی آورند " . هفت تن از آنان واقعاً خطرناک بودند : " آنان در کوهستان باختر زاده شده‌اند ، در حفره های زمین خانه دارند و در میان ویرانه های زمین می زیند " . چون آنان بر آدمیان ظاهر شوند ، چهره ی آفریده ای موحش به خود گیرند ؛ از جمله پیکری انسان گون با سر شیر شاخ دار و پاهایی مجهز به پنجه های تیز . هرگز نمی گریزند ، مگر به واسطه افسون . قربانی به جن گیر / Ashipu / توسل می جست و او به نام انکی قاعده ی آزاد سازی را زمزمه می‌کرد :

" آلو " ی شرور ، روی گردان وره سپار شو !

ای ساکن ویرانه ها ، به ویرانه هایت باز گرد

چه ، خداوندگار بزرگ ، انکی ، مرا گسیل کرده است :

هم او افسونی برازنده ی دهانم بر ساخته .

و دیگ جوش هفت (جن) را

بنابر فرامین مقدس ، به دستم سپرده است .

ر.ک به اساطیر آشور و بابل . ف . ژیران . ل . دلپورت . گ . لاکوئه . به ترجمه دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور .

در سال ۱۹۸۲، ژن‌های رشد یک موش صحرایی، به کد ژنتیکی یک موش خانگی پیوند زده شد. (به وسیله‌ی تیمی تحت رهبری Ralph L. Brinster از دانشگاه پنسیوانیا و Richard D. Palmiter از انستیتوی پزشکی هاروارد هوگ)، که منتج شده به تولد یک "موش توانا" با دو برابر اندازه‌ی معمولی یک موش. در ۱۹۸۵ در نسخه‌ی ۲۷ ام ژوئن نشریه‌ی طبیعت، گزارش شد که آزمایشگران در مراکز علمی مختلف توانسته‌اند که ژن‌های عملیاتی رشد انسانی را به خرگوش‌ها، خوک‌ها و گوسفندان تزریق کنند. و در ۱۹۸۷ (New Scientist در نسخه‌ی ۱۷ ام سپتامبر) نوشت که دانشمندان سوئدی نیز یک ماهی آزاد بزرگ خلق کرده‌اند. تا اکنون، ژن‌هایی که حامل دیگر ویژگی‌ها هستند نیز در چنین موجودات "ترانس ژنیکی"، در ترکیباتی بین باکتری گیاه و پستانداران استفاده شده‌اند. تکنیک‌ها حتی تا حد تولید مصنوعی ترکیبات نیز پیش رفته‌اند، ترکیباتی که به طور کامل با کارکرد های به خصوص یک ژن برابری می‌کنند، که البته این کار بیشتر با اهداف درمان بیماری‌ها دنبال می‌شود.^{۱۵}



سمت راست Minotaur و سمت چپ موجود کایمرا

در پستانداران، تخمک اصلاح شده بارور در نهایت باید در رحم مادر جانشین جای داده شود. کار ویژه‌ای که طبق گزارش‌های سومری بر عهده "اله زایش" بوده. اما پیش از این مرحله، راهی پیدا شده تا صفات ژنتیکی مطلوب را از دهنده مرد به تخمک

^{۱۵} نخستین بار در سال ۱۹۸۱، دانشمندی به نام Gordon و همکاران با استفاده از روش خرد تزریق (DNA Microinjection) DNA ژنی بیگانه را به درون ژنوم موش وارد کردند. بدین ترتیب، اولین پستاندار تراریخت شده (Transgenic) شکل گرفت. امروزه روشهای متعددی برای ایجاد حیوانات ترانس ژنیک ابداع شده است که روشهای خرد تزریق پیش هسته‌ای، ناقل رتروویروسی، سلولهای پایه ای جنینی مهندسی شده، کروموزوم های صناعی و ادغام اسپرم از مهمترین این روشها محسوب می شوند. فن ترانس ژنریس به طور بالقوه کاربردهای متعددی دارد که می توان به اصلاح خصوصیات وراثتی، استفاده از حیوانات ترانس ژنیک به عنوان کارخانه های دارو و همچنین الگوهایی برای مطالعه بیماریهای انسانی و ایجاد اندام های اهدایی برای پیوند به انسان اشاره کرد. از سال ۱۹۹۷ با تولد Dolly (اولین پستاندار کلون شده)، امکان تلفیق فنون ترانس ژنریس و کلون سازی، تحول عظیمی را در حوزه زیست شناسی پدید آورده است، به نحوی که با ترکیب این دو فن می توان تغییرات ژنتیکی دلخواه را روی هر نوع سلول در محیط کشت انجام داد و موجود بالگی از آن سلول ایجاد کرد. بنابراین علاوه تمام کاربردهای ذکر شده در مورد فن ترانس ژنریس، کلون سازی به طور بالقوه می تواند در مطالعات مربوط به مراحل رشد و نمو و یا حفظ گونه های در حال انقراض به کار رود. در این مطالعه مروری، به جزئیات نسبی روشهای متعدد ترانس ژنریس، کاربردهای آنها و مقایسه روشهای ذکر شده و نیز فن کلون سازی پرداخته شده است.م

شریک مؤنث منتقل کند. رایج‌ترین روش، تزریق ذره ای / micro-injection^{۱۶} است که با استفاده از آن یک تخمک مؤنث پیش از این بارور شده با صفات ژنتیکی مطلوب اضافه استخراج و تزریق شده. بعد از یک نهفتگی کوتاه مدت در ظرف شیشه‌ای، تخمک در رحم دوباره کاشته شده (در این روش، موش‌ها، خوک‌ها و دیگر پستانداران آزموده شده‌اند).

این روشی است دشوار با موانع بسیاری نتایجی که تنها درصد اندکی از موفقیت بی اثر را نشان می‌دهند. تکنیک دیگر، استفاده از ویروس‌هاست که بطور طبیعی به سلول حمله کرده و با هسته ژنتیکی اش آمیخته می‌شود. صفت ژنتیکی جدید را می‌توان از طریق روش‌های پیچیده یک ویروس به یک سلول منتقل نمود که پس از آن به عنوان یک حامل عمل می‌کند. مسأله این است که انتخاب موقعیت بر ساقه کروموزوم، جایی که ژن‌ها قرار می‌گیرند، غیر قابل کنترل است و در اکثر موارد به کایمرها منجر می‌شود.^{۱۷} در ژوئن ۱۹۸۹ گزارشی در مجله سلول توسط تیم از دانشمندان ایتالیایی به رهبری Corrado Spadafora از موسسه Biomedical در رم، موفقیت در استفاده از اسپرم به عنوان حامل ژن جدید را اعلام نموده. نظر به شیوه‌هایی که در گزارش آنها آمده نشان می‌دهد که اسپرم تحریک شده که مقاومت طبیعی اش را در برابر ژن خارجی از دست بدهد، بعد از غوطه‌ور شدن در محلول حاوی مواد ژنتیکی جدید، اسپرم، مواد ژنتیکی را در هسته خود جا می‌دهد. سپس اسپرم اصلاح شده برای بارور کردن موش‌های مؤنث به کار گرفته شده. نسلی که ژن جدید را در کروموزوم‌هایش دارد (در این مورد مسلم، آنزیم‌های باکتریایی). استفاده از طبیعی‌ترین واسطه - اسپرم - برای حمل مواد ژنتیکی در تخمک، جامعه علمی را برای سادگی اش شگفت زده کرده و سر خط خبرها حتی در نیویورک تایمز را به خود اختصاص داده.

مطالعه پی گیرانه مجله Science در آگوست ۱۹۸۹ گزارشی در خود دارد که از موفقیت دیگر دانشمندان برای ترکیب خبر می‌دهد. آنها از روش ایتالیایی برای تکثیر استفاده کرده بودند. اما همه دانشمندان درگیر در فن آوری‌های نو ترکیب با برخی اصلاحات و بهسازی‌ها یا یک تکنیک ساده‌تر و طبیعی‌تر توسعه داده شده موافق هستند.

بعضی خاطر نشان کرده‌اند که توانائی اسپرم برای در دست گرفتن DNA بیگانه، مدت‌ها پیش از ۱۹۷۱ پس از آزمایش‌هایی روی اسپرم خرگوش توسط آزمایشگران عنوان شده بوده. بی‌خبر از اینکه این تکنیک حتی پیش‌تر از این‌ها در متون سومریان گزارش شده، وقتی که خلقت آدم را توسط انکی و Ninti شرح می‌داد که تخمک یک Ape ماده را درون لوله‌ی آزمایشی حاوی مواد مغذی و البته سرم خونی، با اسپرم یک آنوناکای جوان امتزاج دادند. در سال ۱۹۸۷ رئیس دانشکده‌ی انسان شناسی دانشگاه فلورانس در ایتالیا، جریانی از اعتراضات روحانیون و اومانیست‌ها را برافروخت، وقتی که افشا کرد آزمایش‌های در دست اجرایش، می‌تواند منتج به "خلق یک نژاد جدید از بردگان شود، میمونی آدم نما با مادری شامپانزه و پدری انسان". یکی از طرفدارانم چکیده‌ای از داستان را با این نظر برایم ارسال کرد "خب انکی، دوباره داستان شروع شد". این به نظر بهترین خلاصه‌ی دستاورد های میکروبیولوژی مدرن است.

^{۱۶} میکرواینجکشن به پروسه‌ای گفته می‌شود که در آن یک میکروبیپیت شیشه‌ای موادی را به درون سلول وارد نماید. این عملیات در زیر میکروسکوپ انجام می‌گیرد. به طور معمول قطر پپیت بین ۰.۵ تا ۵ میکرون می‌باشد. میکروبیپیت ابتدا از غشا سلول عبور کرده و مواد مورد نظر از داخل پپیت به درون سلول تزریق می‌شود. این پروسه برای لقاح مصنوعی، تزریق مواد ژنتیک به داخل سلول، تزریق دی ان ای به درون سیتوپلاسم استفاده می‌شود. م.
^{۱۷} ژن‌ها روی چیزهای رشته‌مانندی به اسم کروموزوم قرار می‌گیرند. کروموزومها به صورت جفتی وجود دارند و صدها و گاهی هزاران ژن در یک کروموزوم قرار دارد. کروموزومها و ژن‌ها از دی ان ای ساخته می‌شوند. م

زنبرها، میمون ها و پدر شاهان کتاب مقدسی

بیشتر آنچه بر روی زمین اتفاق افتاده، و به خصوص قدیمی ترین جنگ هایش، ریشه در قانون جانشینی آنوناکی دارد که فرزند ارشد را محروم از جانشینی و میراث می‌کرد اگر که پسر دیگری از یک ناخواه‌ری به حکومت می‌رسید. قوانین مشابه جانشینی، که به دست سومریان اختیار شد، در حکایاتهای پدر شاهان عبری بازتاب داده شده‌اند. کتاب مقدس شرح می‌دهد که ابراهیم که از پایتخت سومریان Ur آمده بود، از همسرش سارا، نامی که به معنی "شاهدخت" بود، خواست که در ملاقات با شاه (فرعون)، خودش را به عنوان خواهر ابراهیم معرفی کند و نه همسرش. هرچند که این نه کاملاً حقیقت بود و نه دروغ، همان‌طور که پیدایش ۲۰:۱۲ توضیح می‌دهد: "به راستی او خواهر من است، دختری از پدر من، اما نه از مادر من، و او زن من شده است".

جانشین ابراهیم اسماعیل نخست زاده نبود، کسی که مادرش هاجر خدمتکار بود، بلکه جانشین اسحق بود، پسر ناخواه‌ری اش سارا، اگرچه که اسحق مدت‌ها بعد به دنیا آمده بود. تبعیت محض از این قوانین جانشینی در عهد عتیق و در همه‌ی بارگاه‌های سلطنتی، چه در مصر دنیای قدیم، و چه در اینکاهای دنیای جدید، فرضیه‌ای از "تبار" یا ژنتیک را به ذهن متواتر می‌کند که به نظر، مخالف و متضاد با این عقیده می‌نماید که آمیزش با خویشاوندان نزدیک نامطلوب است. اما آیا آنوناکی چیزی می‌دانسته‌اند که علم نوین هنوز باید کشفش کند؟

در سال ۱۹۸۰، گروهی تحت رهبری Hannah Wu در دانشگاه واشینگتن دریافتند که، با توجه به انتخاب، میمون‌های ماده، ترجیح داده‌اند که با نابرادری‌های خود جفت‌گیری کنند. آن‌ها آن‌طور که گزارش بیان می‌کند، "نکته‌ی جالب توجه در این آزمایش این است که اگرچه که برادرخوانده پدر مشابهی دارد، آن‌ها مادرهای متفاوتی داشته‌اند". مجله‌ی Discover نسخه‌ی دسامبر ۱۹۸۸، گزارش مطالعاتی را منتشر کرده است که نشان می‌دهد "زنبرهای نر عموماً با خواهرانشان جفت‌گیری می‌کنند". از آنجا که یک زنبر نر ماده‌های بسیاری را بارور می‌کند، گویا که جفت‌ترجیحی همان ناخواه‌ری بوده است، یعنی همان پدر اما مادر متفاوت. از این روی این‌طور به نظر می‌رسد که در قانون جانشینی آنوناکی، چیزی بیشتر از هوی و هوس نقش داشته است.



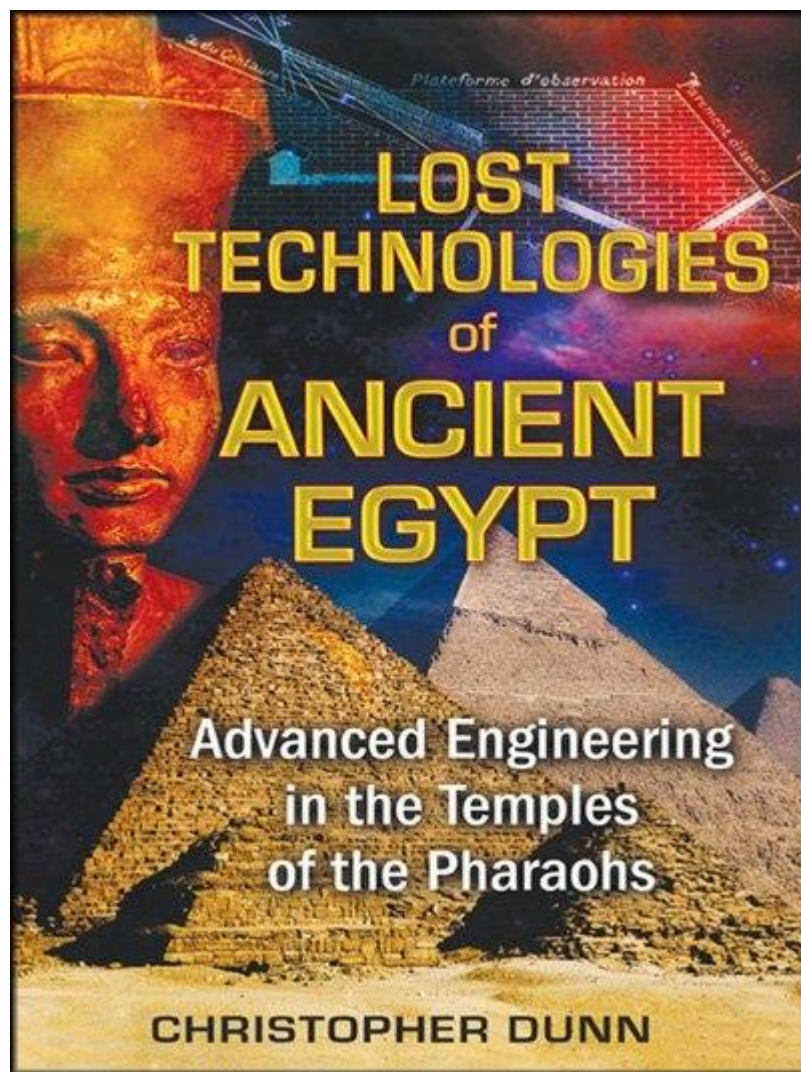
کریستوفردان

مصریان باستان نیازمند متمرکز کردن صدای فرکانس خاصی در اتاق پادشاه بوده‌اند که به یک صافی صوتی بین گالری بزرگ (سالن تشدید کننده) و اتاق پادشاه نیاز داشته . با قرار دادن دیوارهای رام کننده صدا در سرسرا ، امواج صوتی که از گالری بزرگ می‌آمده طی مسیری که طی می‌کرده فیلتر می‌شده . فقط یک فرکانس یا توافقی از این فرکانس می‌توانسته به اتاق پادشاه وارد شود .

کریستوفر دان پیشینه درخشانی به عنوان یک صنعت کار دارد . او در ابتدا به عنوان یک کارآموز قراردادی کارش را در شهر زادگاهش منچستر - انگلستان - آغاز کرد . بعدها در یک کمپانی هوا - فضایی استخدام شد . سپس در ۱۹۶۹ به ایالات متحده مهاجرت نمود . کریس در هر سطح از تولید ماشین آلات با استفاده از تکنولوژی صنعتی حضور داشته . در سطح ابزار سازان ، برنامه نویسی و اپراتوری لیزرهای صنعتی با قدرت بالا و مهندسی پروژه و مدیر عملیات لیزر بوده و بیش از ۴۹ سال از عمر خود را صرف صنعت کاری نموده . طی ۱۶ سال گذشته او به عنوان مدیر منابع انسانی برای یک تولید کننده در صنعت هوا - فضا در غرب میانه کار کرده .

ادیسه هرمی کریس در ۱۹۷۷ بعد از مطالعه کتاب " رازهای هرم بزرگ " پیتر تامکینز آغاز شد . واکنش فوری او وقتی پدید آمد که از اندازه گیری و طراحی ساختاری دقیق هرم آگاه شد و او را به این نتیجه گیری سوق داد که این بنای عظیم احتمالاً برای هدف خاصی جدا از آنچه درباره آن به رسم معمول می‌اندیشند ساخته شده . بعد از تحقیقات بیشتر و مطالعه فرضیه‌های گوناگون و منابع اولیه ، کریس به این نتیجه رسید که این بنا در اصل برای ارائه انرژی به جامعه‌ای ساخته شده که از تکنولوژی بالایی بهره می‌برده و این در واقع یک ماشین غول آسا بوده . کشف هدف این ماشین و مستند سازی برای آن بخش اعظمی از بیست سال پژوهش او را به خود اختصاص داد و متعاقباً در ۱۹۸۸ کتاب کریس دان با عنوان " نیرو گاه جیزه : تکنولوژی مصر باستان " منتشر شد که توصیف جامع دستگاه انرژی است که با زمین و ساکنانش پیوندی متوازن دارد .

از کریس دان بیش از یک دوجین مقاله در مجلات چاپ شده . نظیر مقاله " ماشین کاری پیشرفته در مصر باستان " که در آگوست ۱۹۸۴ منتشر شده و در یک دوجین کتاب در باره مصر باستان به تحقیقات او ارجاع داده شده . در آمریکا او در **Lifetime, Learning Channel, Discovery Channel, Travel Channel, PAX Television, Television**، و اخیراً بیشتر در اپیزود " شواهد " مستند بیگانگان باستانی **History Channel** ظاهر شده . او دومین کتابش تحت عنوان : " تکنولوژی گم‌شده مصر باستان : مهندسی پیشرفته در معابد فراعنه " را در ژوئن ۲۰۱۰ منتشر کرده .

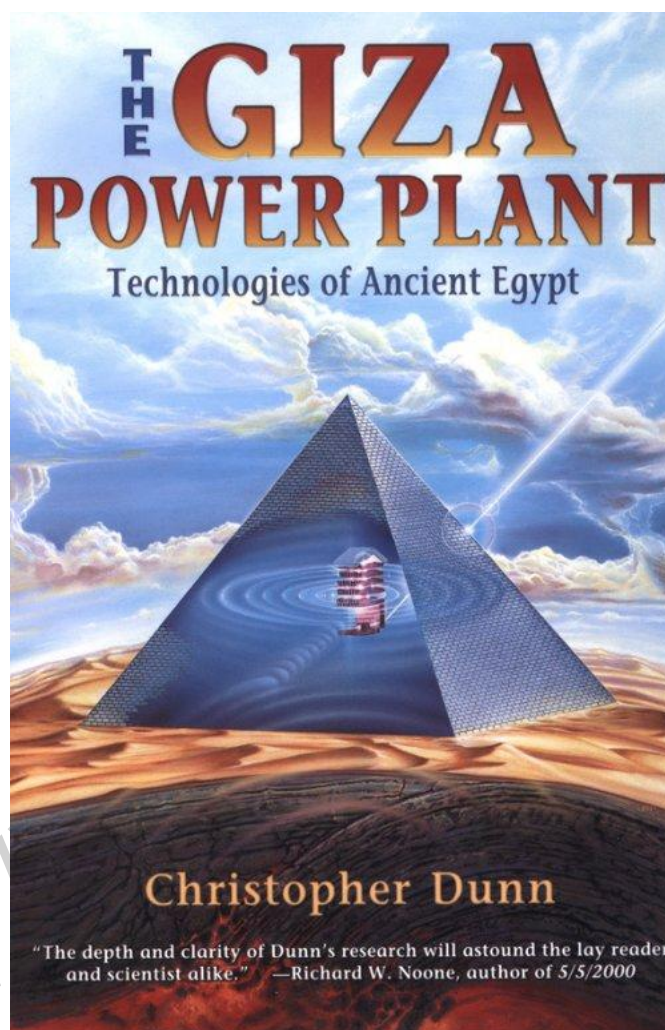


در این اثر ، کریس بر وجه مهمی از تحقیقاتش متمرکز شده و توانائی‌های صنعتی مصریان را از طریق دوربین و دید مهندسی‌اش به نمایش گذاشته . او به خوانندگان خود ویژگی‌های پیش از این نادیده گرفته شده‌ای از جادوی صنعت و معماری مصریان را نشان می‌دهد .

نیروگاه جیزه (قسمت اول)

اثر : کریستوفر دان

بررسی شده توسط : ترزا ولش



کریس دان چشم انداز نوینی از قدرت هرم بزرگ جیزه را با استفاده از تخصصش در " مهندسی معکوس " به شما نشان می‌دهد . آنچه او یافته ماشین باشکوهی است که قدرتی را که از خود زمین می‌گرفته ارائه می‌داده . منبع و ترکیبی از علم ارتعاش و صدا .

۱ . مهندسی معکوس (به انگلیسی: Reverse Engineering) به علمی گفته می‌شود که از پاسخ به سوال می‌رسند و در واقع فرآیند کشف اصول تکنولوژیکی یک دستگاه، شیء یا یک سیستم می‌باشد که از طریق تجزیه و تحلیل ساختار و عملکرد آن حاصل می‌شود. در اکثر مواقع

آثار دان از مصنوعات تولید شده توسط مصریان نشان می‌دهد که فقط ابزارهایی پیشرفته می‌توانسته‌اند کاسه‌های دیوریتی (سنگ دیوریت سنگ‌های نفوذی تمام بلورینی هستند که دارای بافت فانتزی می‌باشند . م) را گود انداخته و دیگر آثار خلق شده توسط این تمدن را پدید آورده باشند . نتیجه گیری‌هایش بر پایه شواهدی در خود هرم بعلاوه دیگر مصنوعات کلاسیک تمدن مصر بنا شده‌اند .

او فرضیه اش را با سخت کوشی توسعه داده تا هدف از ساخت دالان‌های معما گونه و " اتاق‌های " درون هرم بزرگ را بیابد . جاهایی که هرگز توسط مصر شناسان تشریح نشده بودند . چه دلیلی برای ایجاد فراز و فرود دالان‌ها ، " محورها/بادکش‌های هوا " ، گالری تصاویر با دیوارها و سقف عجیب و غریب آن وجود داشته ؟ هدف اصلی ساخت " تابوت سنگی " چه بوده و چرا از یک سنگ یکپارچه تراشیده شده به جای اینکه از تکه‌های جداگانه‌ای برای ساختن آن استفاده شود ؟

دان به نظریات برخی از محققان پیش از خودش نزدیک می‌شود ، کسانی که به ویژگی‌های " آواشناسی / صوت شناسی " غیر معمول درون هرم اشاره کرده بودند . او از یادداشت‌های دقیقی استفاده می‌کند که توسط W. Flinders Petrie از یک قرن پیش برای ما به یادگار مانده است .

پتری مدت‌ها پیش از اینکه فرضیه " مقبره " تقدس پیدا کند اندازه گیری‌های گسترده‌ای را شروع و آزمایش‌های بسیاری روی هرم انجام داده . دان متذکر می‌شود که حتی یک مورد جسد درست و حسابی (یعنی جسدی از یک فرعون . م) در آنجا پیدا نشده و همه اجساد یافت شده در اهرام ناخوانده بوده‌اند و سال‌ها بعد از ساخت هرم در آن قرار داده شده بودند . به واقع هیچ مدرک معتبری وجود ندارد که نشان دهد اهرام برای مقبره بودن ساخته شده باشند .

دان حس کرد که می‌بایست دلیل دیگری برای ساخت اهرام وجود داشته باشد و سال‌های بسیاری را برای تحقق ایده‌هایش (حدود ۲۰ سال) صرف نمود . و در نهایت کتاب همان چیزی شد که او می‌خواست و توضیحی برای همه چیزهای درون هرم فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه هرم می‌توانسته جهت تولید انرژی برای تمدنی ساخته شده باشد که بسیار پیشرفته‌تر از آنچه مصر شناسان تصدیق کرده‌اند بوده .

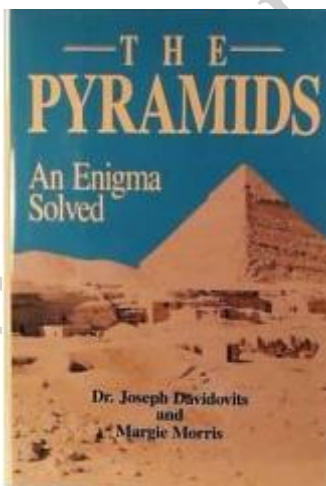
در پی یافتن دور نمایی امروزی برای این مسأله ، دان احساس می‌کند که منابع اولیه‌ای انبوهی که برای ساخت هرم بزرگ استفاده شده‌اند بدین معنی‌اند که هرم بزرگ برای چیز بسیار مهم‌تری بنا شده است . آیا یک تمدن چنین منابعی را صرف ساخت فقط یک " مقبره " می‌کند ؟ بنای یاد بودی که هیچ بازدهی برای سازندگانش نداشته ؟ دان استدلال می‌کند ، **کاربردی که ساخت هرم را بسیار به صرفه می‌کند نیروگاه بودنش است .** و اگر نیروگاه است ، هرم بزرگ آنچنان خوب ساخته شده که می‌بایست برای مدت طولانی انرژی تولید کرده باشد . حد اقل تا زمان یک ضربه فاجعه بار و دان متوجه شواهدی می‌شود که نشان می‌دهند نیرویی مخرب به اتاق پادشاه آسیب وارد نموده ؛ به اندازه‌ای که دیوارها را به عقب رانده . این خصیصه معمولاً به زلزله نسبت داده می‌شود اما دان متذکر می‌شود که این خرابی متمرکز شده

موضوع مورد بررسی یک دستگاه مکانیکی، الکتریکی، برنامه نرم افزاری یا یک ماده بیولوژیکی یا شیمیایی می‌باشد که بدون داشتن دانش قبلی و تنها با جداسازی اجزا و تجزیه و تحلیل شیوه عملکرد آن، سعی در ایجاد یک نمونه جدید از آن می‌گردد. مهندسی معکوس به طور عمده در استفاده‌های تجاری و نظامی به کار می‌رود و هدف آن استنباط پارامترهای طراحی یک محصول موجود بدون داشتن دانش کافی در زمینه تولید آن محصول و فقط با پیمودن فرآیند معکوس و به کارگیری تکنیک‌های مشابه می‌باشد.م

(موضعی) است . یک زلزله می‌توانست به جاهای بیشتری از هرم آسیب وارد کند . آیا می‌توانسته انفجاری درون مولد نیرو رخ داده باشد ؟

من مبحث قانع کننده دان از واقعیت فرضی که مصریان از چرخ استفاده نمی‌کرده‌اند را یافتم که به نظر فرض ناموجه ای می‌رسد . شاید برای این ما اثری از چرخ‌ها نیافته ایم که آن‌ها چرخ را برای همان کارهایی که ما امروزه انجام می‌دهیم به کار نمی‌بردند . شاید آن‌ها برای حمل و نقل از هاور کرافت استفاده می‌کرده‌اند که وسیله بهتری برای عبور و مرور از روی شن بوده . و همچنین آن‌ها از قایق استفاده می‌کرده‌اند . رود نیل در کشورشان خود یک جاده " عمده " محسوب می‌شده . فن آوری می‌تواند به نسبت نیازها و ارزش‌ها در مسیرهای بسیار متفاوتی در جوامع مختلف توسعه یابد . به عنوان مثال دان می‌گوید آلمانی که تحت تسلط نازی‌ها به آنچنان تکنولوژی پیشرفته‌ای دست یافته بود متفاوت بوده از آلمانی که فقط بعد از آن طی دوازده سال توسط آمریکا در انزوا نگه داشته شد . ما از مصر باستانی که از نوع کاملاً متفاوتی از فرهنگ و سیستم اقتصادی استفاده می‌کرده یک فاصله هزاران ساله داریم .

دان از فرضیه جوزف دیویتویتس و مارگارت موریس (اهرام : حل یک معما) یاد می‌کند که گفته بلوک‌های سنگی غول آسایی که در ساختن اهرام استفاده شده‌اند در حقیقت بتن ریزی شده‌اند . اما او با زیرکی این نظریه را رد می‌کند . من این کتاب را دارم (چاپ ۱۹۸۸) و آنچه نویسندگان گفته‌اند مورد قابل قبولی است .



کتابی است بسیار جالب توجه با تصاویر و ترجمه‌های بسیاری که از پاپیروس‌ها در آورده شده‌اند و به نظر موارد استفاده از بتن یا آنچه که نویسندگان **geopolymer** می‌نامند را نشان می‌دهد . یکی از نویسندگان ، مارگارت موریس ، کتاب دیگری در این خصوص نوشته و موادی سوزش آور / سوزاننده در نیروگاه جیزه را بررسی کرده و در وب سایتش مبحث دان را به چالش کشیده و نظریه دان را کاملاً مورد انتقاد قرار داده . اما شاید از ایده " بتن ریزی " که توسط دان خیلی سریع مختومه اعلام شده بتوان چیزی بیرون کشید . در واقع این نظریه سزاوار این است که بیشتر از این‌ها مورد بررسی قرار گیرد . برای مطالعه بحث دان در مورد قلعه **Choral** در فلوریدا که توسط **Ed Leedskalnin** در دهه ۱۹۵۰ ساخته شده بود هیجان زده بودم . اینکه چگونه آدمی نحیف توانسته بود خودش به تنهایی بلوک‌های سنگی بزرگ را جابجا کند . **Ed Leedskalnin** مدعی این شده بود که فهمیده که چگونه مصریان بلوک‌های سنگی غول آسا را برای ساخت اهرام حرکت می‌دادند اما او بدون افشای این راز فوت کرد .



دان این طور استدلال می‌کند که این قضیه با مغناطیس سروکار دارد، و به این معنی خواهد بود که می‌بایست برخی از عقاید علمی کنونی در مورد جاذبه را دور بیندازیم. من در مورد قلعه Choral و عقاید مجمل پیرامونش مطالعه کرده‌ام. تفاسیر معمولی شامل روشی برای لغو جاذبه می‌شوند. وقتی که یک بلوک سنگی هیچ وزنی نداشته باشد، بزرگ درست کردنش معنی دار می‌شود، چرا که حرکت دادن بلوک‌های کوچک به مکان مورد نظر کار سخت‌تری است به نسبت حمل و نقل فقط یک بلوک. اما هیچ کسی واقعاً نمی‌داند که اد چطور این کار را انجام داد.

دان اسناد ادگار کیسی را با احتیاط مورد بررسی قرار داده و تقریباً برای ضمیمه نمودن آن‌ها عذر خواهی هم نموده اما من خوشحالم که او این اسناد استفاده کرده. چگونه می‌توانید فرضیه‌هایی که درباره اهرام مطرح شده را بررسی کنید اما روشن بین آمریکایی، ادگار کیسی و سازمانی را که برای ترویج قرائت‌های او تاسیس شده را نادیده انگارید. هواداران کیسی مارک لندر (باستان شناسی با بیش از سی سال سابقه کاوش در مصر و صاحب کتاب‌های بسیار در این زمینه. م) را به مصر برده بودند تا او طی کاوش‌هایش، تالار اسناد مشهوری را که کیسی از آن یاد کرده پیدا کند. جایی که اسناد آتلانتیس به گفته کیسی در آنجا پنهان نگه داشته شده‌اند.

در قرائت‌های کیسی (رویا بینی‌هایی که توسط او بیان می‌شده و شخص دیگری می‌نوشته. م) کیسی گفته که آتلانتیسی ها قاره خود را با استفاده نادرست از یک منبع انرژی قدرتمند نابود کرده‌اند و این با نظریه دان هم‌خوانی دارد که می‌گوید مصریان می‌دانسته‌اند که چگونه نیروی الکتریکی را فراهم آورند. خوب، بعضی‌ها با فهمیدن اینکه چنین اسناد پنهان شده‌ای وجود دارند راضی می‌شوند اما جز این چیز بیشتری نداریم که با قرائت‌های کیسی و آنچه که درباره آتلانتیس و مصر گفته می‌شود سازگاری محتوایی مهمی داشته باشد.

ایده‌های دان به شکل منطقی ارائه شده‌اند اما اشکالاتی هم در آن‌ها وجود دارد. یکی از انتقادهایی که می‌توان به آن وارد کرد این است که در هنر مصری بازتاب اندکی از استفاده از این قدرت وجود دارد. تصویر "حباب نور" مشهوری که در معبد Dendera پیدا شده استفاده از لامپ‌های کروکسی را نشان می‌دهد که با کابل‌های انرژی کامل شده.



ویلیام کروکس فیزیک‌دان انگلیسی که این نوع لامپ‌ها را اختراع نموده و از آن‌ها به عنوان لامپ‌های کروکس یاد می‌شود. و نکته جالب تصویری از همین لامپ است که در معبد دندره در مصر پیدا شده. آن هم تصویری مربوط به هزاران سال قبل.



همچنین در جاهای دیگر آنچه که ماشین‌های پرنده نامیده شده به تصویر کشیده شده‌اند اما عکس‌هایی هم از مردمی وجود دارد که ظاهراً از گاو آهن و حیوانات و دیگر روش‌های ابتدایی در کشتزارها استفاده می‌کنند. اما آنچه دان به درستی اشاره می‌کند تفاوت جوامعی است که خواسته‌اند از این منبع انرژی برای اهدافی متفاوت استفاده کنند. اینکه آن‌ها اتومبیل و توستر نداشته‌اند ثابت نمی‌کند که پس آن‌ها هیچ نوع منبع الکتریکی نداشته‌اند. موارد استفاده از انرژی الکتریکی به سیستم اقتصادی جامعه مصر بستگی داشته. چه کسی صاحب قدرت ایجاد شده در هرم بوده و چگونه انرژی الکتریکی توزیع می‌شده؟ پاسخی برای آن وجود ندارد.

ایراد دیگر فرضیه دان این دانسته شده که او به چارچوب‌های زمانی به خصوصی برای رشد تکنولوژی مصریان توجه نداشته. تمدن مصر هزاران سال قدمت داشته که مصر شناسان آن را به سه دوره تقسیم می‌کنند. دان به شکل مبهمی به "مصریان باستان" به عنوان سازندگان اهرام ارجاع می‌دهد. اما به سال‌های خاصی اشاره نمی‌کند یا هر واقعه شناخته شده تاریخی که به این دستاورد ربط پیدا کند. او تلاشی برای نشان دادن اینکه چگونه این تکنولوژی خود را با یک فرهنگ سازگار نموده نمی‌کند. دان ادعای تاریخ دانی و یا باستان شناسی ندارد. اما برای درک درست نظریه‌اش لازم است بدانیم که مصریان با انرژی تولید شده چه می‌کرده‌اند. با بحث در مورد اختراعات نیکلا تسلا که معتقد بود بدون سیم می‌توان انرژی الکتریکی را توزیع نمود، می‌شود روشی برای تحقق ایده‌های دان پیدا کرد.

چنانچه مصریان از تکنولوژی بی سیم (wireless) استفاده کرده باشند، پس برای همین بوده که ما خطوط الکتریکی باستانی را نیافته ایم. دان می‌گوید بحث انرژی بی سیم هرگز در دوران تسلا پی گیری نشد چون راه آسانی برای سنجش میزان مصرف آن وجود نداشت. چگونه به کسانی که انرژی بی سیم را کنترل می‌کرده‌اند باید پول پرداخت می‌شد؟

این انرژی در مصر باستان برای این فراهم می‌شده که آزادانه در دسترس همه باشد یا برای بخشی از جامعه مصر منفعتی را به همراه داشته یا فقط توسط طبقه حاکم استفاده می‌شده ؟

در جامعه کنونی ما پول محرک اصلی اختراعات به تحقق در نیامده است (که ممکن است بسیار سودمند بوده و حتی باعث صرفه جویی‌های بسیاری در زندگی شود) . اما گسترش تکنولوژی در مصر باستان چگونه مدیریت می‌شده ؟ چرا تصاویر بیشتری از استفاده از این انرژی در هنر مصریان نشان داده نشده ؟ دان در مورد هدف از ساخته شدن دو هرم دیگر و یا دیگر بناهای فلات جیزه بحثی به میان نمی‌آورد .

این طور به نظر می‌رسد که هر سه‌ی این اهرام یک هدف مشترک داشته‌اند . فرضیه او بدون توضیحی مشتمل بر همه‌ی اجزاء فلات جیزه کامل نمی‌باشد . امیدوارم که کریس دان تحقیقاتش را دنبال کند و اینکه دیگر محققین هم به دقت آنچه را که او در کتاب بدیع خود ارائه کرده دنبال کنند . حتی اگر با او موافق نباشید بازهم کتاب دان چیزهای بسیاری برای اندیشیدن به شما ارائه می‌کند .^۲

گروه باستان شناسی ممنوعه

<http://www.facebook.com/groups/bastanshenasi.mamnooe>

^۲ . دان در ۱۹۹۹ مقاله ای نوشت تحت عنوان : " بازگشت به نیروگاه جیزه " و نظریه خود را کامل نمود و مواردی را مطرح کرد که مطالعه آن خالی از لطف نیست . در فرصت مناسب نسب به ارائه آن اقدام خواهیم نمود . م

راز دو مجموعه عجیب و کیف کشف شده در

کوه‌های روسیه



ترجمه : مهر

طبق گفته‌های دو روزنامه‌نگار روزنامه‌های Komsomolskaya Pravda و Rossiyskaya Gazeta این کیف لوگوی عجیب یگان Ahnenerbe^۱ را بر خود دارد و اخیراً در کوه‌های آدیغیه^۲ کشف شده. در همین حین گروهی که در کوه‌های قفقاز در پی غار نوردی بوده‌اند دو مجموعه عجیب متعلق به موجودی را پیدا کرده‌اند که کاملاً برای دانش ما ناشناخته است.

^۱. یک اندیشگاه رایش آلمان بود که خود را یک «جامعه مطالعاتی برای تاریخ باستانی روشنفکری» معرفی می‌کرد. هدف آنتربه که در ۱ ژوئیه ۱۹۳۵ توسط هاینریش هیملر، هرمان ویرت و والتر داره تاسیس شد پژوهش در خصوص تاریخ انسان شناسانه و فرهنگی نژاد آریایی، و آزمایش و سفر اکتشافی با هدف اثبات این بود که جمعیت‌های پیشاتاریخی و اسطوره‌های نوردیک زمانی بر جهان حکومت می‌کرده‌اند. گروه رسماً، شتودینگز لشفافت فونتا گایشتزونه‌گشیشته، دویچز آنتربه (جامعه مطالعاتی تاریخ روشنفکری نخستین، میراث نیاکانی آلمانی، جامعه ثبت شده) خوانده می‌شد و در ۱۹۳۷ به فورشونگر اوند لرگماینشافت داس آنتربه (گروه تحقیق و آموزش میراث نیاکانی، جامعه ثبت شده) تغییر نام داد.

^۲. یکی از جمهوری‌های خودگردان کشور روسیه است. جمهوری آدیغیه و پنج واحد فدرال دیگر که در اطراف آدیغیه هستند، در کنار همدیگر تشکیل ناحیه فدرالی جنوبی را داده اند.



هاینریش هیملر
بنیان گذار سازمان



نشان Ahnenerbe

Ahnenerbe سری‌ترین واحد اس اس و وظیفه‌اش پژوهش درباره مسائل اسرارآمیز و نیروهای ماوراءالطبیعه بود. به گفته محققان این احتمال وجود دارد که اعضاء اس اس به رازهای دلمین^۳ باستانی و میزان بالای رادیواکتیویته طبیعی تنگ‌دره منطقه Kishinski علاقه‌مند بوده‌اند.

این احتمال هم وجود دارد که آنها در پی طلای گمشده^۴ Kuban Rada بوده‌اند که طی جنگ داخلی روسیه (۱۹۲۳ - ۱۹۱۷) جایی در این منطقه گمشده. همچنین محققان یک نقشه آلمانی مربوط به منطقه آدیغیه را پیدا کرده‌اند که مربوط به ۱۹۴۱ می‌شود و از نظر دقت و تمامیت شگفت‌انگیز است. این اشیاء پیدا شده علاقه بسیاری در متخصصان برانگیخته.

محققان جزئیات بسیاری را درباره عملیات ارتش آلمان نازی می‌دانند که باعث برافراشته شدن پرچم نازی‌ها بر قله البروس - بلندترین کوه اروپا - آن‌هم در منطقه جمهوری Kabardino-Balkaria در جمهوری قزاقستان روسیه شده.

۳. میزسنگ یا دلمین، (به انگلیسی Dolmen)، گونه‌ای از سنگ‌افراشته‌های دوران باستان است که شامل تخته‌سنگ مسطحی بود که بدون استفاده از ملات روی چند سنگ راست قرار داده می‌شده؛ تخته سنگ مسطح به منزله سقف میزسنگ به کار می‌رفته. دولمن‌ها به عنوان گور برای دفن مردگان ساخته می‌شد و یکی از بناهای شاخص دوران نوسنگی در اروپا به شمار می‌آید.

احتمالاً میزسنگ‌ها بازمانده‌های گورهای دالانی هستند که باران خاک روی آن‌ها را شسته‌است. میزسنگ‌های دالانی، یعنی نوع غالب گور سنگ‌افراشته است و اکنون هزاران گور از این دست در فرانسه و انگلستان وجود دارد. این میزسنگ‌ها دالانی دارد که تخته‌سنگ‌های بزرگ منتهی به محفظه‌ای دایره‌ای شکل و بیشتر اوقات دارای طاقی پیش آمده‌است که در حکم دیوارهایش هستند و در آن هریک از چند حلقه سنگی از پشت ردیف زیرین به درون کشیده می‌شود تا آنکه حلقه‌ها از بالا مسدود می‌شوند. این گورها را غالباً "در شیب تپه‌ها می‌ساختند یا با خاک روی آن را می‌پوشاندند. میزسنگ‌ها هم چنین در ایران، کره، سوریه، اردن و اسرائیل یافت می‌شوند. در شبه جزیره کره، متمرکزترین میزسنگ‌ها یافت می‌شوند. میزسنگ‌ها در دو گروه بزرگ و کوچک قرار می‌گیرند که دسته بزرگ مسکن اولیه شبیه به غار است و دسته کوچک به عنوان مقبره استفاده می‌شده‌است. در کاوش‌های باستان شناسی دلمن‌های بزرگ گاهی تا شش متر طول، دو متر عرض و دو متر ارتفاع داشته و در داخل میزسنگ‌های کوچک اسکلت‌های انسان به همراه وسایل زندگی و ابزار جنگی کشف شده‌است. یکی از مهمترین خصوصیات دلمن‌ها خاک‌سپاری افراد به همراه وسایل زندگی شخصی است. میزسنگ‌ها به شکل اتاقی در ابعاد ۶*۲ و ۴*۲ با تخته سنگ‌هایی به ارتفاع ۱٫۵ متر ساخته می‌شد و سقف آن را نیز تخته سنگ‌های بزرگ پوشش می‌داد. این معماری در فصول گرم فضای خنکی را ایجاد می‌کرد و برای بهبود هوا در فصول سرد سنگ‌چین دیگری به شعاع تقریبی هشت متر دور اتاق اول چیده می‌شد تا خاکریز روی سقف را از پراکنده شدن حفظ کند.

۴. نام سازمان اصلی قزاق‌های کوبان م.

ولی هدف این سازمان سری در کوه‌های آدیغیه چه بوده؟ مجموعه‌های اسرارآمیز و کیف مخصوص واحد سری اس در جنگلی واقع در منطقه Belovodie در دهکده Kamennomostsky پیداشده که از جذابیت‌های مردم‌شناسی ویژه‌ای برخوردار است. مالک دهکده Belovodie آقای ولادیمیرملیکوو می‌گوید که یک مرد محلی سالخورده یک کیف بزرگ قهوه‌ای‌رنگ با دستگیره چرمی که روی آن نشان واحد سری Ahnenerbe حک شده بود را پیدا کرده و برای من آورده. این پیرمرد یک زاهد واقعی است که هنوز هم زنده است و در کلبه چوبی در اعماق جنگل زندگی می‌کند و هیچ‌کس هم نمی‌داند که دقیقاً این کلبه کجای جنگل قرار دارد. از این تعجب می‌کردم که این زاهد چگونه توانسته یک مخفیگاه سری را در دل جنگل پیدا کند و علاوه بر این اقلامی که پیداشده بود در شرایط خیلی خوبی قرار داشتند به‌عنوان مثال هنوز می‌شد از کبریت‌ها استفاده کرد. نشان رسمی Ahnenerbe زیر بند چرمی دستگیره آن درج شده و زیر چفت آن به خط رونی^۵ نوشته شده.

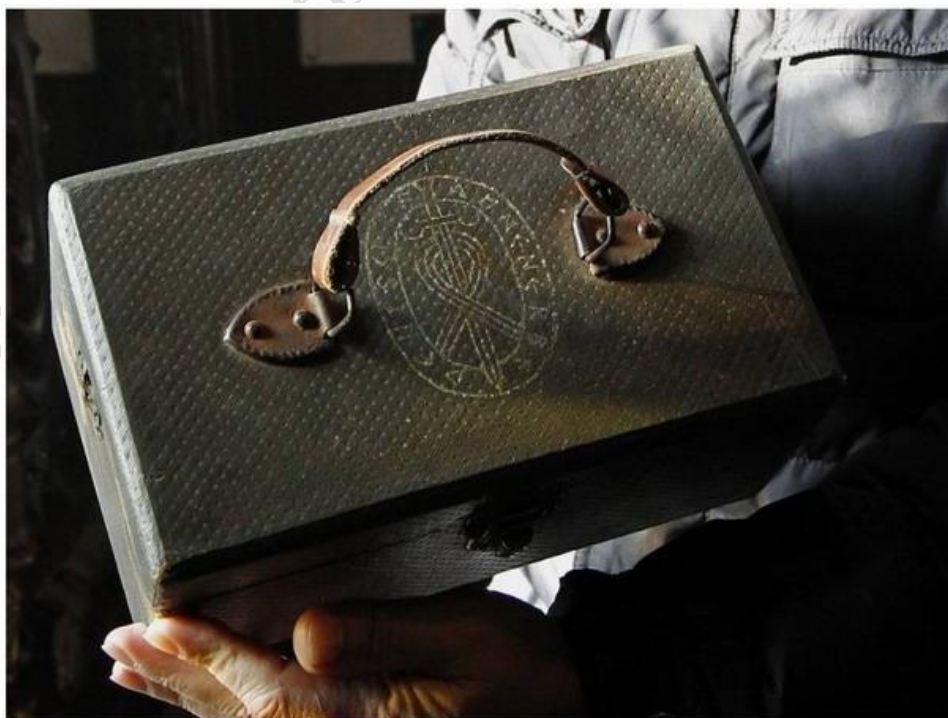


^۵. خط رونی یا دبیره رمزی (Runic) الفبایی بود که در گذشته - پیش از پذیرش آیین ترسایی و اندکی پس از آن برای نوشتن زبان‌های ژرمنی در اسکاندیناوی و جزیره‌های بریتانیا سود برده می‌شد. در اسکاندیناوی این خط فوئارک Futhark یا فوئارک fupark خوانده می‌شد (برگرفته از شش حرف اول الفبا یا F, U, Þ, A, R, K). در آنگلساکسون فوئورک Futhorc خوانده می‌شد و هماهنگ با انگلیسی باستان واج‌گزینی شده و از همان شش حرف به اصلی گرفته شده بود.



اما آنها در اینجا در پی چه بودند؟

Ahnenerbe که مخفف "مجمع پژوهش و آموزش درباره میراث اجدادی آلمان" است سازمانی است که بین ۱۹۳۹ و ۱۹۴۵ در آلمان به وجود آمد و مطالعه درباره سنتها، تاریخ و میراث "نژاد آریا" را آغاز نمود. حلقه‌ای در کنار کیف پیدا شده که احتمالاً متعلق به یک سرباز است. این واحد یا سازمان در پی راز قدرت مطلق، درباره هر چیز ناشناخته و اسرارآمیز در جهان تحقیق می‌کرد و هیئت‌های اکتشافی را به تبت، آنتراکتیکا و قفقاز و ... فرستاد و حتی کوشید که با یوفوها ارتباط برقرار کند. آلمان هیتلری برای تغییر روند جنگ، سخت در پی توسعه انواع سلاح‌های جدید بود.



در Ahnenerbe حدود ۳۵۰ متخصص کار می کردند ، کسانی با سطح تحصیلات عالی و درجه های تخصصی علمی متنوع . افراد اندکی از وجود این سازمان خبر داشتند . چند سال قبل از شروع جنگ متخصصان جاده سازی در مناطق کوهستانی از واحد مهندسی ارتش آلمان به اتحاد جماهیر شوروی در راستای همکاری های بین المللی برای ساخته جاده ای بین Pitsunda و Ritsa دست به کار شدند . بعد از تمام شدن کار ، متخصص ها به سرنوشت بدی دچار شدند بطوریکه ماشینشان در دره سقوط کرد و درگذشتند .



آب حیات ریتسا

بعدها معلوم شد که دلیل احداث این جاده استراتژیک چیز دیگری بوده . متخصصان آب شناس Ahnenerbe به این نتیجه رسیده بودند که آبی که از غاری پایین تر از دریاچه ریتسا سرچشمه می گیرد برای ساخت پلاسمای خون انسان بسیار مناسب است . آب حیات آبخازیا (دریاچه ریتسا در منطقه آبخازیا قرار دارد . م) در کانتینرهای نقره ای اول به ساحل منتقل می شد و سپس با زیردریایی به شهر کنستانس در کنار دریاچه کنستانس حمل می شد و از آنجا با هواپیما به برلین فرستاده می شد . این توضیحی است که بورموتوو استاد گروه اقتصاد و مدیریت شرکت های فن آوری در دانشگاه دولتی مایکوپ ارائه می کند .

حتی برنامه هایی هم برای ساخت تونل برای عبور زیردریایی از دریا به ریتسا وجود داشت که با شروع جنگ متوقف شد . لشکر چهل ونهم کوهستان ارتش آلمان به آدیغیه هجوم برد و در مایکوپ (مرکز جمهوری آدیغیه . م) ماندگار شد و توانست به کوه البروس صعود کند . هنگ وستلند اس اس دردره رود بلایا در نزدیکی روستای کوزاک از توابع Dajóvskaya مستقر شد و گردان های تانک آلمانی و نوردلندی (نروژی) بین رودهای Pshish و Psheja ساکن شدند .

در تابستان ۱۹۴۲ اسکادران سوم از چهاردهمین گروه شناسایی ارتش آلمان وارد فرودگاه مایکوپ شدند که هواپیماهای دوموتوره شناسایی معروف به FW-189 را در اختیار داشتند .



مجهزترین ابزارهای جاسوسی در آنها نصب شده بود و می شد آزمایشگاه های سری سیار به حساب شان آورد .
بورموتوو می گوید :

چنین امکاناتی برای حفاظت از تحقیقات مخفیانه واحد Ahnenerbe در کوهستان آدیغیه کافی بود .
ارتش آلمان ستاد فرماندهی اش را در مایکوپ مستقر کرده بود و از آنجا بود که کار فرماندهی کل ارتش آلمان در قفقاز انجام می شد . در تابستان ۱۹۴۲ بانفوذ سربازان آلمانی به اعماق کوهستان خط دفاعی مدافعان در آدیغیه درهم شکسته شد . مشخص نیست که وقتی خط مقدم نبرد خیلی دور در غرب شکل گرفته چرا نیروهای ارتش آلمان در ۱۹۴۴ در کوه Pshkish پیشروی می کرده اند . بورموتوو می پرسد که چه کاری بوده که نازی ها فرصت پایان دادن به آن را در کوه Pshkish پیدا نکرده اند ؟ این ربط به تحقیقات متخصصان Ahnenerbe ندارد ؟
فرض ما این است که نازی ها دولمن ها را " سازندگان آتلانتیس باستانی " و " دروازه ای به سوی جهان های موازی " می پنداشته اند و تحقیق در مورد آنها برایشان فوق العاده حیاتی بوده .
حتی امروزه هم درباره وقوع وقایع ناشناخته در این منطقه صحبت می شود . اخیراً در مطبوعات محلی از کشف اسکلت های سه متری خبر داده شده که در دره برجومی / Borjomi در گرجستان پیدا شده و به نژاد ناشناخته ای از انسان تعلق داشته .



حدود دو سال پیش یک گروه از غارنوردان به رهبری ولادمیرملیکوو قوم‌شناس دو جمجمه شاخ‌دار را طبق ادعای خودشان در غاری در کوه Bolshoi Tjach در روسیه پیدا کردند . طبق گفته ملیکوو آنها فکر کردند که این جمجمه‌های متعلق به حیواناتی هستند که فسیل شده‌اند . اما وقتی او مشغول بررسی جزئیات یافته‌اش شد زیر سرش سوراخ گردی را به ضخامت یک انگشت مشاهده نمود . او متوجه شد که این پایه ستون فقرات است و وضعیتش نشان می‌دهد که این موجود روی دو پای خود حرکت می‌کرده .





نکته عجیب دیگر فقدان طاق جمجمه و فک است. البته دهان دارد ولی کاسه چشم به شکل غیرمعمول بزرگ است و دوشاخ به شکل جداگانه روی سر قرار دارد و به طور مجزا رشد کرده‌اند.



با این حال استخوان‌های صورت مثل انسان ریخت‌ها مسطح هستند. ملیکوو می‌گوید که واقعاً یافته ما عجیب و ناهمگون بود. حتی وقتی آن را با جمجمه یک خرس مقایسه کردیم خیلی وسوسه شدیم که این جمجمه را متعلق به یک موجود بیگانه بدانیم.



دیرینه شناسان مسکو با دیدن عکس‌ها چندان هیجان‌زده نشدند فقط تصدیق کردند که آنها تاکنون هرگز چیزی شبیه آن را ندیده‌اند و با احتیاط نظر دادند که شاید این جمجمه‌ها به مدت طولانی در جریان آب مخلوط با شن و ماسه مانده و تحت این فشار تا این حد تغییر شکل داده‌اند. سؤال اینجاست که چگونه می‌شود دو جمجمه چنین ویژگی‌های یکسانی داشته باشند و هر دو هم یک‌جور و تحت یک الگوی مشابه دگرگون باشند؟

محققان بر این اعتقاد هستند که چنین یافته‌ای می‌تواند به دست جادوگران هیتلر که در جستجوی اشیاء و پدیده‌های اسرارآمیز بودند افتاده باشد. این کشف توجه میتولوژیست‌ها و یوفولوژیست‌ها را به خود جلب کرده و این نظریه مطرح شده که شاید این دو جمجمه به آنوناکی تعلق داشته باشند. خدایان شاخ‌دار سومر باستان که از آسمان به زمین آمده بودند. در اسطوره‌شناسی سومر باستان آنها در آفرینش جهان و انسان سهیم بوده‌اند.



جمجمه‌های عجیب مخروطی شکل البته نه شاخ‌دار که پاره‌ای از محققان آنها را به آنوناکی نسبت می‌دهند



نویسنده آذربایجانی تبار آمریکایی زکریا سیچین، آنونکی را ساکنان نیبیرو معرفی می‌کند. سیاره فرضی با مداری نامتعارف و ۳۶۰۰ ساله در منظومه خورشیدی ما که در موعد خود به منظومه شمسی می‌رسد و در معرض دید ما قرار می‌گیرد. طبق نظریه سیچین طی این دوره ساکنان نیبیرو روی زمین فرود آمده و با ما ارتباط برقرار می‌کند. ایوان بورموتوو می‌گوید:

ما می‌توانیم حدس و گمان‌های متفاوتی را مطرح کنیم اما هرچه باشند بقایای پیداشده در کوه‌های آدیغیه ما را به اندیشیدن وادار می‌کنند.

در تابستان ۲۰۱۵ شکارچی‌ها در البروس جایی که مجموعه‌های پیداشده‌اند کیف دیگری از Ahnenerbe را پیدا کرده‌اند که حاوی یک حلقه و یک دست لباس فرم نازی بود و احتمال می‌رود به یک گیاه‌شناس از دسته متخصصان Ahnenerbe تعلق داشته باشد. روی حلقه سر یک سرباز آلمانی حکاکی شده و زیر آن تصویری از گل قدیفه دیده می‌شود.



در سال گذشته در همان مکان کاوش‌ها باعث پیدا شدن اجساد سربازان آلمانی شده که طی جنگ جهانی دوم در این مکان کشته و اجسادشان مدفون شده‌اند .



وبلاگ

<https://thelostbookblog.wordpress.com>

کانال تلگرام

<https://telegram.me/thelostbook>

منبع مقاله :

<http://www.ancient-code.com>

<http://www.disclose.tv>

اهرام باستانی گمشده مصر



شد به نظر واقعی می‌رسد . کشف این به اصطلاح اهرام گمشده می‌تواند کل تاریخ مصر باستان را دگرگون کند . این اهرام اسرارآمیز که در سال ۲۰۱۲ توسط محقق آمریکایی آنجلا میکول کشف شده‌اند در ابتدا توسط بسیاری از باستان شناسان و محققان فقط تپه‌هایی شنی پنداشته می‌شدند نه سازه‌هایی که توسط انسان در صحرا ساخته شده باشند . اما ۳۴ نقشه نادر و منحصر به فرد توانستند درستی این سازه‌ها را اثبات کنند . اینکه این اهرام دوباره کشف شده در ۲۰۱۲ بسیار بزرگ‌تر از اهرام کشف شده در فلات جیزه هستند .



بر اساس تصاویر ماهواره‌ای بزرگی یکی از این سازه‌ها سه برابر هرم بزرگ جیزه است . میکول به دیسکوری نیوز گفت که : " روی چند نقشه بسیار قدیمی و کمیاب ، این سازه‌ها مشخص هستند وبعنوان اهرام نام‌گذاری شده‌اند "



طبق گفته میکول : " در این فلات سازه‌هایی وجود دارد که یکی از آنها با وسعت ۶۲۰ فوتی‌اش تقریباً سه برابر از مشهورترین هرم باستانی مصر بزرگ‌تر است . "

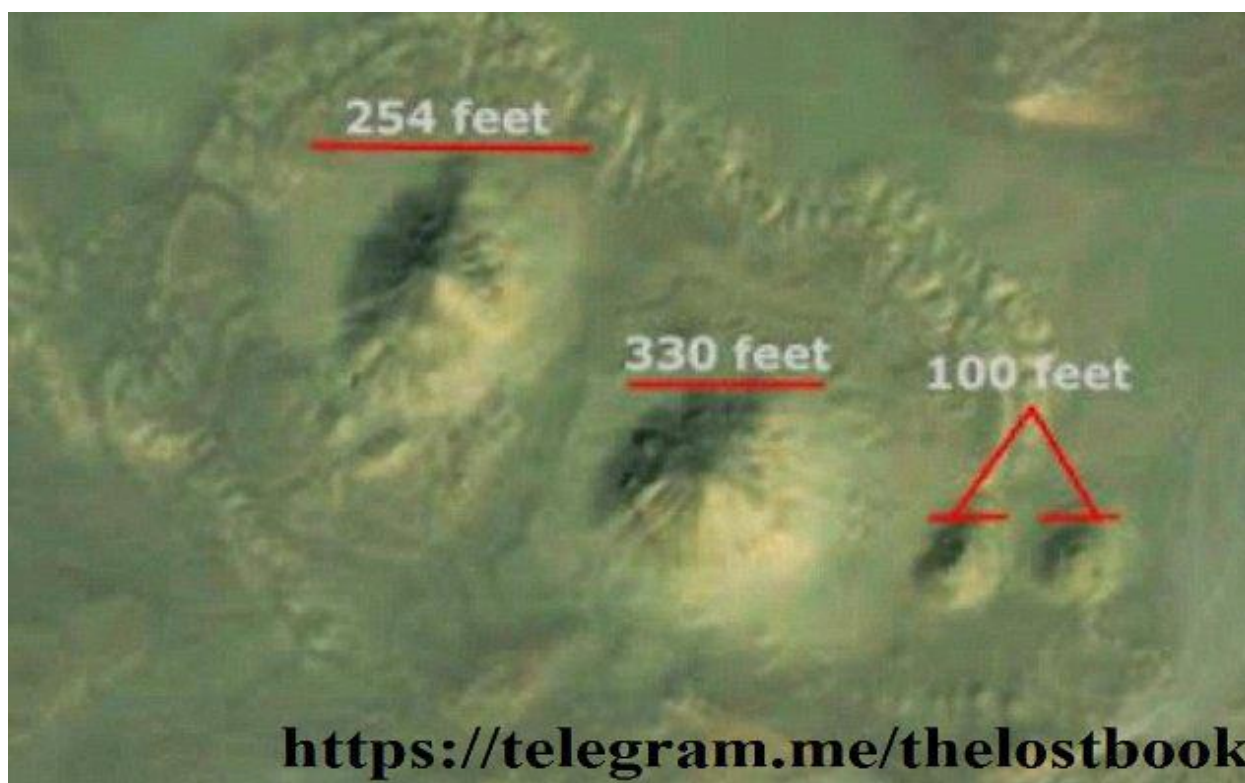
این نخستین بار نیست که جامعه باستان‌شناسی این‌گونه اکتشافات بزرگ را نادیده می‌گیرد . ظاهراً هر بار که کار به اینجا می‌کشد و درجایی روی این سیاره چیزی کشف می‌شود که می‌تواند درک ما از تاریخ را دگرگون کند توسط جریان غالب و سنتی و درواقع مافیای باستان‌شناسی خیلی سریع نادیده گرفته و بی اهمیت و جعلی معرفی می‌شود . مثال بارز آن نادیده گرفته شدن هرم بوسنی در Visoko است .

<http://www.bosnianpyramids.org/>

همین چندی پیش بود که یک لایرننت غول آسای زیرزمینی در مصر باستان کشف شد و این کشف بلافاصله از دید محققان و باستان شناسان سنتی و دگم یک معضل تشخیص داده شد و حکومتی ها هم عزمشان را جزم کردند تا کل جریان را مخفی نگهدارند .

<http://humansarefree.com/2015/03/ancient-underground-labyrinth.html>

وقتی که میکول نخستین بار یافته هایش را علنی کرد گفت که تصاویر خود گویای همه چیز هستند و واضح است که این فلات حاوی سازه هایی است و به تحقیقات میدانی برای اثبات اهرام بودن این سازه ها نیاز هست . محققان سنتی بر شک و تردیدهای خود درباره این کشف پافشاری می کنند و این سازه ها را با این بهانه که آنها چیزی نیستند جز اشتباهات و نابهنجاری های Google Earth نادیده می گیرند اما شواهدی که زیر شن ها خودنمایی می کنند بر کشف میکول مهر تأیید می زنند .



میکول گفت که بعد از اینکه سروصدا خوابید یک زوج مصری با من تماس گرفتند و مدعی شدند که منابع تاریخی مهمی درباره هر دو محوطه باستانی در اختیار دارند . (احتمالاً منظور هم فلات جیزه و هم فلات Abu Sidhum است . م) این زوج مدحت کمال القادی سفیر سابق سلطان عمان و همسرش هایدی فاروق عبدالحمید وکیل مدافع در کاخ ریاست جمهوری مصر و مشاور در دعاوی مرزی و بین المللی بر سر حق حاکمیت ملی بودند که

اتفاقاً جزء جمع‌آوری‌کنندگان نقشه‌های باستانی و اسناد و کتاب‌های قدیمی و دیگر مدارک تاریخی هم به حساب می‌آمدند .



طبق گفته میکول سه نقشه از میان نقشه‌های آنها که قدمشان از ۱۷۵۳ تا اواخر دهه ۱۸۸۰ می‌رسید وجود اهرام را اثبات می‌کرد و برای خود داستان بسیار جالبی بود . طبق نظر مدحت کمال القادی و هایدی فاروق عبدالحمید سازهایی که توسط میکول در نزدیک Abu Sdihum کشف شده‌اند در چندین نقشه باستانی از این قلمرو بعنوان اهرام شناسایی شده‌اند .

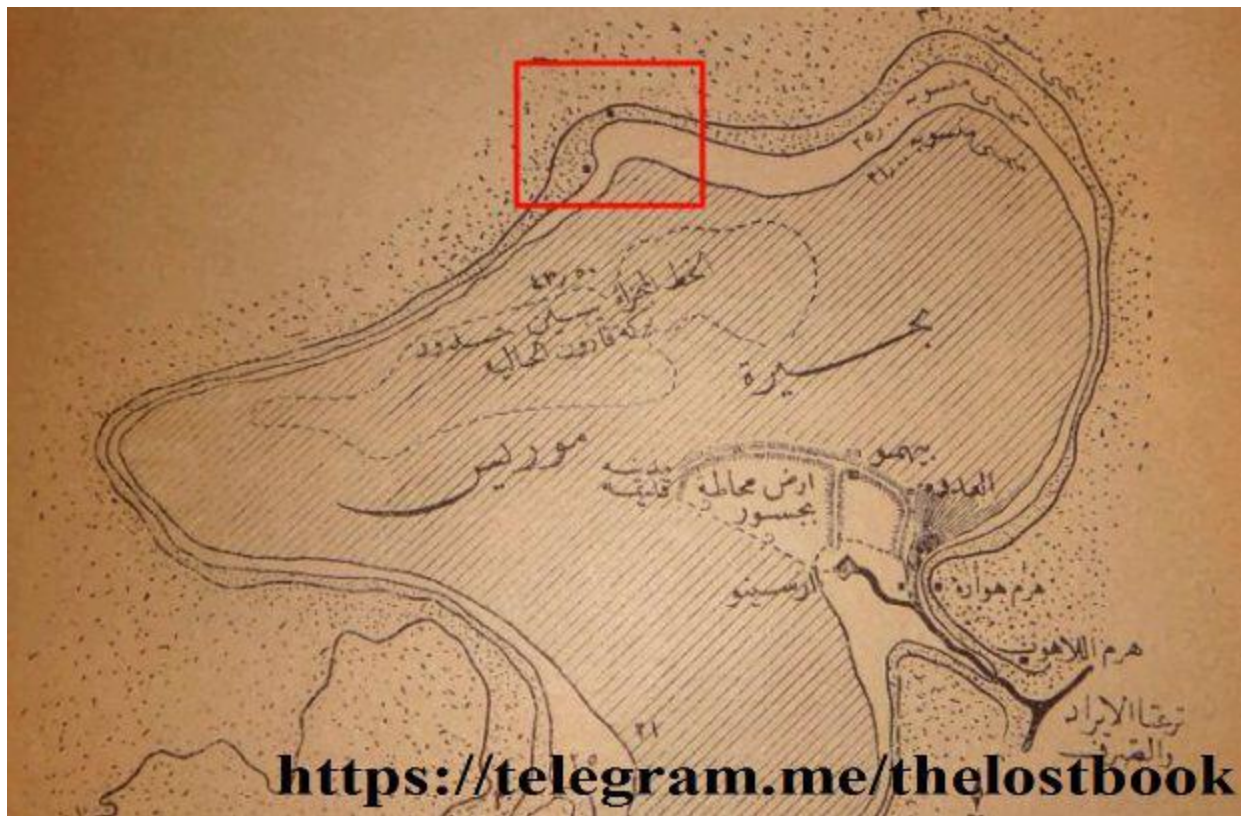
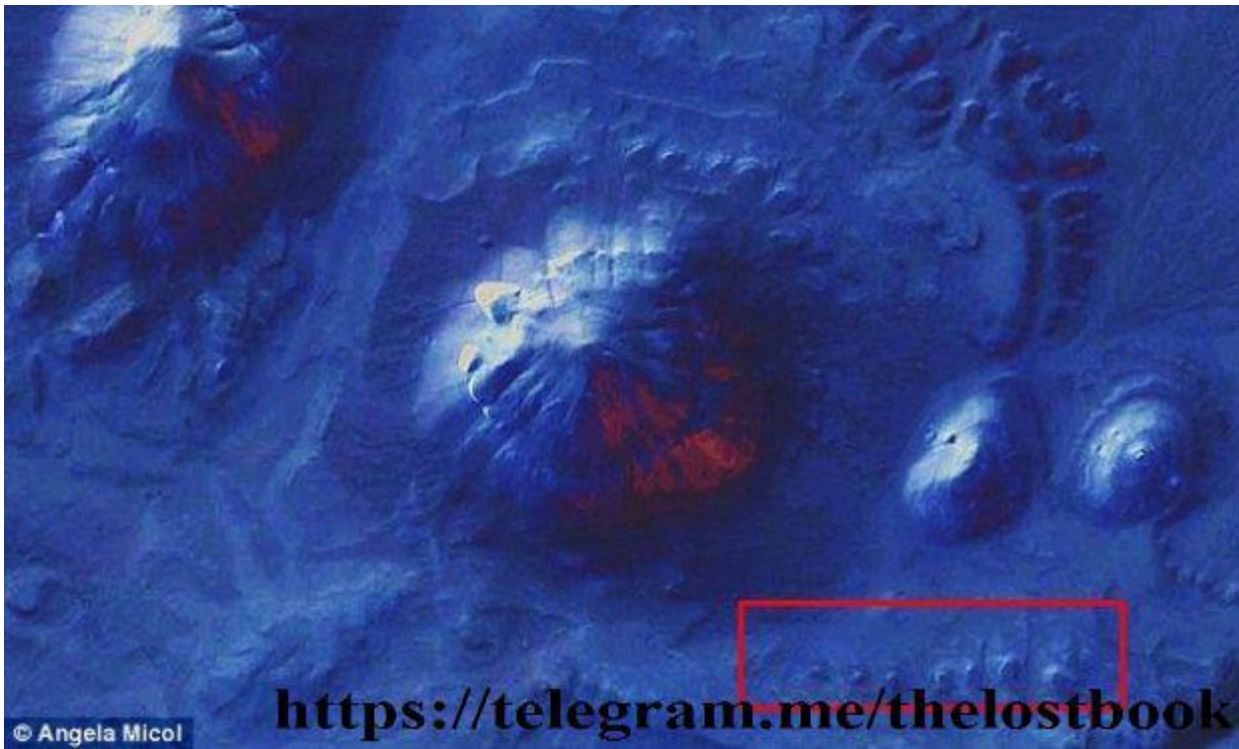


این زوج به دیسکاوری نیوز گفتند که:

"علاوه بر این موارد ما بیش از ۳۴ نقشه و ۱۲ سند قدیمی در اختیار داریم که توسط مقامات ارشد آبیاری و دانشمندان تهیه شده‌اند. طبق گفته این زوج حداقل سه نقشه وجود دارد که صحت یافته‌های میکول را تأیید می‌کند. یکی نقشه‌ای است که قدمت آن به ۱۷۵۳ برمی‌گردد و توسط Robert de Vaugoudy تهیه شده. نقشه منحصر به فرد دیگری هم هست که توسط مهندسان ناپلئون بناپارت کشیده شده و نقشه دیگری که توسط سرگرد براون تهیه شده که قدمتش به دهه ۱۸۸۰ برمی‌گردد. جالب‌تر از همه اینکه چند سند باستانی اثبات می‌کنند که تپه‌های کشف شده توسط میکول در واقع اهرام باستانی هستند که در تلاش برای پنهان کردن وجودشان برای همیشه زیر شن‌ها دفن شده‌اند."



با این همه سروصدا این محوطه جنجال برانگیز هنوز توسط باستان شناسان جریان مافیا و به شدت شاکاک مورد کاوش قرار نگرفته. طبق گفته محمدعلی سلیمان، یکی از کسانی که این محوطه نزدیک Abu Sidhum را دیده این ساختارها با خاکی که در اطرافشان وجود دارد ساخته نشده‌اند. این به این معنی است که آنها سازه‌هایی هستند که توسط مصری‌های باستان ساخته شده‌اند نه اینکه عوامل طبیعی آنها را ایجاد کرده باشند و نادیده گرفته شوند.



محمدعلی سلیمان که هیئت اکتشافی مقدماتی را به محوطه نزدیک Abu Sidhum رهبری کرده می گوید که قطعاً یک محوطه باارزش باستان شناسی در زیر این خروارها شن پنهان شده . او می گوید اول از همه اینکه سرزمینی که این سازه ها در دل آن قرار دارد یک فلات طبیعی است . یک صحرای معمولی حاوی شن و سنگ . اما این سازه ها متفاوت هستند . شما می توانید آثار سفال ، صدف ها و جریان حمل و نقل را در همه جا پیدا کنید . این لایه های متفاوت هستند و به اینجا تعلق ندارند و مصری های باستان به کمک آنها خواسته اند از این مکان محافظت کرده و همه چیز را دفن کنند .



او خود را یکی از شمار مصری هایی می داند که شیفته تمدن فراعنه است . او با سابقه کارگاه خصوصی مطالعات زیادی در شناسایی مکان های باستانی مصر انجام داده . علی می گوید : " اگر به تاریخ گذشته رجوع کنیم متوجه می شویم که فراعنه برای تهویه هوای مقبره ها و اهرام مصر از صدف استفاده می کرده اند . طبق افسانه ها منطقه نزدیک اهرام محل اختفای رازهای باستانی و جادوی کبیر است " .



اگر این کشف منجر به اثبات واقعی بودن اهرام در آنجا شود بزرگ‌ترین کشف در مصر باستان خواهد بود و موجب یک اکتشاف بی‌نظیر در تاریخ بشریت .



Investigación satelital

De acuerdo con la arqueóloga responsable Angela Micol, Google Earth sirvió como herramienta para descubrir dos nuevas pirámides en Egipto.



Imágenes satelitales del descubrimiento



Ubicación:

Alto Egipto, a unos 12 kilómetros de la ciudad de Abu Sidhum; el segundo a 144 kilómetros más al norte.

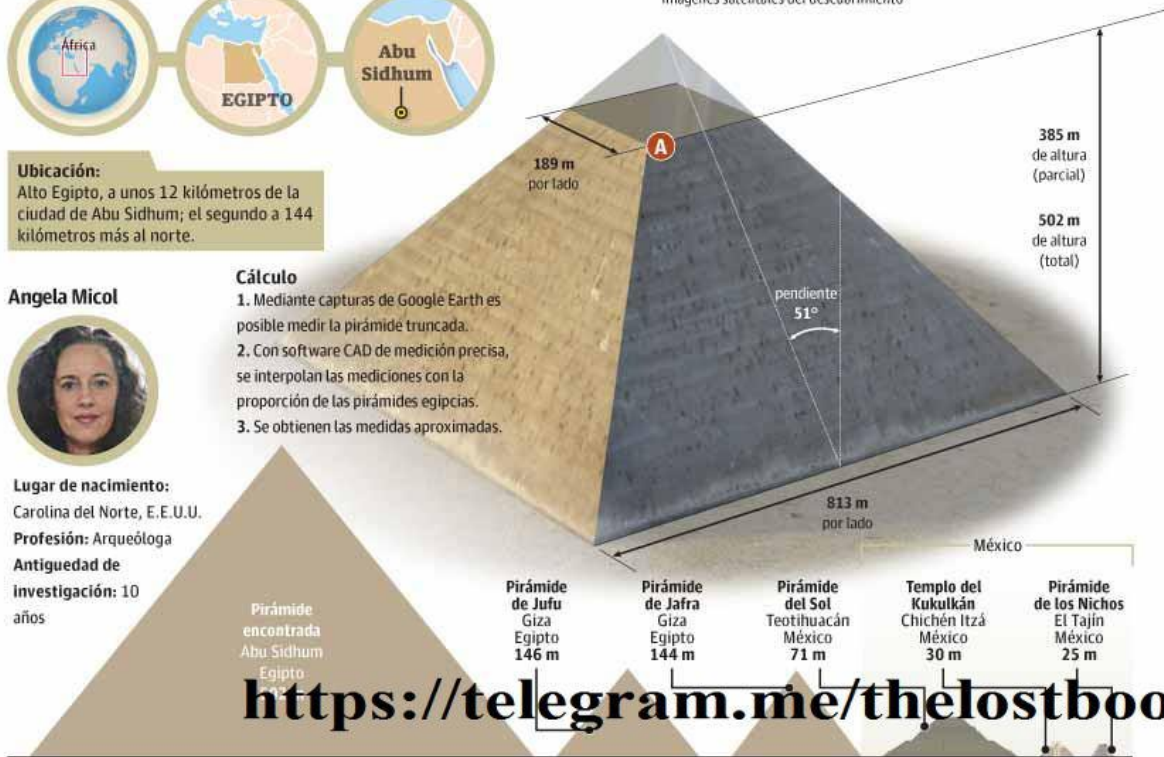
Angela Micol



Lugar de nacimiento:
Carolina del Norte, E.E.U.U.
Profesión: Arqueóloga
Antigüedad de investigación: 10 años

Cálculo

1. Mediante capturas de Google Earth es posible medir la pirámide truncada.
2. Con software CAD de medición precisa, se interpolan las mediciones con la proporción de las pirámides egipcias.
3. Se obtienen las medidas aproximadas.



<https://telegram.me/thelostbook>

کشف اتاقهایی اسرار آمیز در زیر خرابه های معبد باستانی آزتک

در دل شهر مدرن مکزیکو ، معبد بزرگ آزتک مشهور به معبد Mayor آرمیده است . که در دوران باستان به عنوان مرکز مقدس Tenochtitlán پایتخت امپراتوری قبل از کشف قاره امریکا توسط اروپایی ها Pre-Columbian - مورد استفاده قرار می گرفته .



اخیراً با کشف محوطه‌ایی که برای مراسم آئینی مورد استفاده قرار می گرفته و دو اتاق مهر و موم شده در زیر این محوطه باستانی مشهور ، باستان شناسان بر این باورند که برای کشف رازی که قرن‌ها با آن درگیرند شانس به آنها رو کرده و باعث کشف مقبره‌های برخی از شاهان بزرگ آزتکی خواهد شد .

در ادامه کاوش‌ها ، تونل مخفی در سال ۲۰۱۳ پیدا شد . پژوهشگران گذرگاهی را که به یک سازه مدور منتهی می شد کشف کردند که به یک Cuauhxicalco شباهت داشت . محوطه‌ای مخصوص تشریفات مذهبی که طبق حکایت‌های باستانی برای سوزاندن اجساد حکمرانان آزتکی مورد استفاده قرار می گرفته . در کنار محوطه دو در مهر و موم شده وجود دارد که به اعتقاد باستان شناسان اتاق‌هایی هستند که در آنها نگهبانان این فرمانروایان دفن شده‌اند .

لئوناردو لویز لوجان پس از انتشار خبر این کشف توضیح داد که:

"با توجه به آنچه منابع باستانی می‌گویند Cuauhxicalco جایی بوده که در آن مراسم تدفین صورت می‌گرفته . بنابراین برای نظریه که پشت این دیوارها احتمالاً دو اتاق کوچک وجود دارد که حاوی بقایای سوزانده شده چند تن از این رهبران است ."



با توجه به قدمت معبد ، پژوهشگران بر این اعتقادند که هر مقبره‌ای که اینجا کشف شود به حکمرانان بسیار قدیمی‌تر ازتکی تعلق خواهد داشت . از جمله Montezuma I که از حدود ۱۴۴۰ تا ۱۴۶۹ حکمران بوده . اگرچه باستان شناسان باید تا شروع سال آینده که کاوش این اتاق‌ها شروع می‌شود منتظر باشند و تا آن زمان محتویات این اتاق‌ها موضوع گمانه‌زنی‌ها خواهد بود . به گفته ناظران این نخستین بار نیست که امیدواری‌هایی برای کشف احتمالی بقایای شاهان ازتکی به وجود آمده . اگرچه که تا به اینجا تمامی آنها ناامیدکننده بوده‌اند . در نتیجه سنت‌های تدفینی پس از مرگ حکمرانان در امپراتوری آزتک تا حد زیادی ناشناخته باقی‌مانده .



از اواسط قرن چهاردهم تا ۱۵۲۱ امپراتوری در بخش‌های شمالی‌تر آمریکای میانه Mesoamerica / آن‌هم با مرکزیت Tenochtitlán گسترده‌تر شد. پایتختی که روی یک جزیره ساخته شد که حال دریاچه بستر آن پایتخت خشکیده شد و در دل شهر مکزیکوسیتی امروزی قرار گرفته . در مرکز این پایتخت ، محوطه مقدس محصور در دیوار وجود داشته با دوهرم پلکانی که در آنها خدای خورشید Huitzilopochtli و خدای باران Tlaloc پرستیده می‌شدند .

گزارش‌های تاریخی و حفاری‌های باستان‌شناسی جزئیات فعالیت‌هایی که در آنجا می‌شده را فاش می‌کنند و بسیاری از این جزئیات به قربانی کردن انسان مربوط می‌شوند . طبق برخی حکایت‌ها هر سال بیش از بیست هزار نفر در آنجا ذبح می‌شده‌اند – البته بسیار اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد . م – قلبشان را از سینه بیرون می‌کشیدند و

درحالی که هنوز می‌تپید بالای دست رو به آسمان گرفته به خدایان تقدیم می‌کردند . اما هنوز نحوه دفن یا سوزاندن حکمرانانی که می‌مردند برای مورخان مجهول است .

سرسنگی گواتمالایی که تاریخ خواهان فراموش شدنش است

بیش از نیم قرن پیش در اعماق جنگل‌های گواتمالا یک کله سنگی غول‌آسا کشف شد. چهره‌اش ویژگی‌های جالبی داشت. لب‌های نازک و بینی بزرگ و صورتش مستقیم رو به آسمان قرار گرفته بود. به شکل غیرمعمولی ویژگی‌های چهره یک سفیدپوست را داشت که با هیچ‌کدام از نژادهای ماقبل اسپانیایی‌ها جور در نمی‌آمد. این کشف به سرعت توجه‌ها را به خود جلب نمود اما به همان سرعت هم وارد صفحات فراموش شده تاریخ شد. اخبار مربوط به این کشف زمانی سروصدا کرد که دکتر Oscar Rafael Padilla Lara دکترای فلسفه و وکیل و سردفتر اسناد رسمی، عکس‌هایی از این کله را در ۱۹۸۷ همراه با شرحی دریافت کرد که نشان می‌داد عکس در دهه ۱۹۵۰ توسط صاحب زمینی که سر آنجا پیدا شده گرفته شده و مکان آن "جایی در جنگل‌های گواتمالا" ذکر شده.



این عکس به همراه ماجرایش در مقاله مختصری در خبرنامه "آسمان‌های باستانی / Ancient Skies" چاپ شد که توجه پژوهشگر و یکی از نویسندگان سایت Ancient-Origins.net دیوید هچر چیلدرس را به خود جلب کرد و او مشتاق شد که اطلاعات بیشتری درباره این سرسنگی اسرارآمیز بدست آورد. او رد دکتر Padilla را دنبال کرد. کسی که بعدها صاحبان ملک - خانواده Biener - را که سرسنگی را در ملکشان پیدا کرده بودند را یافته. جایی در ده کیلومتری یک دهکده کوچک در La Democracia واقع در

جنوب گواتمالا . هرچند دکتر Padilla شدیداً ناامید شد چون وقتی به محل موردنظر رسید متوجه شد که کله سنگی تخریب شده .

او می گوید :

" انقلابی ها حدود ۱۰ سال پیش آن را نابود کرده بودند . ما برای مجسمه خیلی دیر جنبیده بودیم . شورشیان ضد دولتی از کله سنگی به عنوان هدف تمرینی استفاده کرده بودند . مجسمه کاملاً صدمه دیده و از شکل افتاده بود . درست مثل روشی که بینی ابوالهول باشلیک ترک ها آسیب دیده . فقط این خیلی بدتر بود . چشم ها ، بینی و دهان کاملاً نابود شده بود . "

Padilla توانست ارتفاع آن را اندازه بگیرد که بین ۴ تا ۶ متر بود . سری که روی گردن خوابیده بود . چون نیروهای دولتی و شورشی ها در این منطقه به شدت باهم درگیر بودند Padilla نتوانست دوباره به آنجا برگردد . با نابودی مجسمه ماجرای آن هم خیلی سریع فراموش شد تا اینکه چند سال بعد فیلم سازان مستند " مکاشفه ۲۰۱۲ مایاها و فراسوی آن " دوباره قضیه را مطرح کردند و با استفاده از عکس مجسمه مدعی شدند که " فرازمینی ها با تمدن های باستانی در ارتباط بوده اند " .

تهیه کننده یادداشتی را از باستان شناس گواتمالایی Hector E Majia منتشر کرد که نوشته بود :
" من شهادت می دهم که این مجسمه هیچ یک از ویژگی های تمدن های مایا ، ناهواتل (آزتک) اولمک و یا هر تمدن دیگر ماقبل اسپانیایی ها را ندارد . این مجسمه توسط یک تمدن فرازمینی و بسیار پیشرفته با دانشی شگفت انگیز که مدرکی از وجودش در این سیاره باقی نمانده ساخته شده " .

البته کل این ماجرا کمکی به انگیزه و کندوکاوی برای مجسمه نکرد و این نوع اطلاع رسانی اثر معکوس داشت و کل ماجرا طوری برای مخاطب مطرح شد که بهانه ای شد برای شک کردن و به این نتیجه رسیدن که همه این ها یک شیرین کاری تبلیغاتی بوده . حتی عده ای خود نامه ای که از پیدا شدن مجسمه خبر داده را زیر سؤال برده آن را قلابی دانستند .

با این وجود ظاهراً سر غول آسا وجود داشته و شواهدی وجود ندارد که دلالت بر این داشته باشد که عکس اصلی معتبر نیست یا گزارش دکتر Padilla دروغ بوده بنابراین به فرض واقعی بودن چه کسی آن را ساخته ؟ از کجا آمده بوده و چرا آن را ساخته ؟

منطقه La Democracia جایی که گفته شده سرسنگی در آنجا پیدا شده در واقع پیش از این برای سرهای سنگی مشابه در جنگل که روبه آلمان باشند مشهور بوده . معروف است که آنها را تمدن اولمک که بین ۱۴۰۰ و ۴۰۰ پیش از میلاد فعال بوده ساخته . اگرچه مرکز اصلی اولمک منطقه ای در زمین های پست خلیج مکزیکو بوده ، آثار باستانی ، طرح ها و بناهای تاریخی و پیکرنگاری های آنها را می توان صدها کیلومتر دورتر از مرکز اصلی اولمک از جمله در La Democracia پیدا کرد .

با این وجود این سرسنگی که در عکس دهه ۱۹۵۰ دیده می شود نه ویژگی های مشترک سر اولمک را دارد و نه از گونه آنها است . بعدها Phillip Coppens نویسنده بلژیکی ، مجری تلویزیون و مفسر رادیو درباره تاریخ دگرین سؤالی را مطرح کرده که آیا :

"این یک ناهمخوانی از دوره اولمک است یا بخشی از یک فرهنگ ناشناخته دیگری است که ماقبل یا مابعد اولمکها بوده و تنها اثر باستانی که تا به اینجا از آنها شناسایی شده سرسنگی Padilla بوده ."



پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا این ساختار فقط کله بوده یا شبیه مجسمه‌های جزیره ایستر بدنی هم زیرزمین داشته و آیا این سرسنگی هیچ ارتباطی با دیگر ساختارهای موجود در منطقه دارد؟ نیکو است که پاسخ به این پرسش‌ها را بدانیم اما متأسفانه ظاهراً تبلیغاتی که پیرامون مستند "مکاشفه‌های ۲۰۱۲ مایاها و فراسوی آن" صورت گرفته فقط به دفن عمیق‌تر این ماجرا در صفحات تاریخ کمک کرده . امیدواریم که پژوهشگری سخت‌کوش پیدا شود و دوباره پی گیر ماجرا شده و با تحقیقات بیشتر حقیقت این سر اسرارآمیز را پیدا کند .

<http://www.ancient-origins.net>

VIP Channel
کانال اختصاصی ترجمه‌های «مهر»
The Lost Book

کتاب گمشده

کانال مخصوص مشترکین ویژه VIP

با مقاله‌ها و آثاری در زمینه:
باستان شناسی ممنوعه، یوفولوژی و تاریخ مجهول

ارایه مطالب اختصاصی و ویژه
فقط برای اعضا و مشترکین عضو کانال

جهت عضویت در کانال اختصاصی با ایمیل زیر در تماس باشید
nibiru1356@gmail.com

با پرداخت مبلغ اشتراک ماهانه 4000 تومان عضو ویژه و دائمی
کانال اختصاصی کتاب گمشده شوید و از مطالب آن استفاده نمایید.